

# رخبر

۲۶

تک شماره ۱۰ ریال ارگان مرکزی سازمان انقلابی

## کردستان: انقلاب برسد و راهی

چرا این دو جریان کاملا " متفاوت با یکدیگر تداخل پیدا کردند ؟  
سرنگونی رژیم مغفور شاه یک شکوفائی بزرگ در میان خلق کرد برای بدست آوردن خواسته های به حق و سرکوب شده ی خود بوجود آورد . جنبش دهقانی ضد فئودالی برای زمین ، در میان روستائیان و جنبش ملی برای خود مختاری در میان سرمایه داری محلی و روشنفکران وابسته به آن اوج گرفت .  
در این اوضاع ایجاد شده پس از پیروزی بهمن ماه ، سه نیروی سیاسی اصلی در صحنه قرار گرفتند .

دولت مرکزی ، که به علت جوانی ، ضعف مفرط و شرایط ویژه کردستان ، دارای پایه های وسیع در میان مردم این منطقه نبود و نیروی سیاسی قدرتمندی را در کردستان تشکیل نمی داد ، اما اضافه بر آن ، به علت در پیش گرفتن سیاست انحصار طلبی و عدم وحدت با نیروهای اصیل منطقه ، برنیابوردن خواسته های به حق خلق کرد از مردم بیشتر جدا شده و ضعیفتر گشته و به عوض تصحیح اشتباه خویش ، به سوی وحدت با عناصر فئودال و نایاب حرکت نموده ، بدین وسیله

با ورود نیروهای مسلح سپاه پاسداران و ارتش به مهاباد در هفته ی گذشته ، قیام مسلحانه ضد انقلابی علیه انقلاب و دولت ملی به طور عمده در هم شکسته شد و مسیر حرکت اوضاع یک مرحله از تکامل خود را پشت سر گذاشت .  
این مرحله با پیروزی انقلاب پایان گرفت ، چه در این منطقه یک قدرت سیاسی ملی و مستقل از دو ابر قدرت ( یعنی دولت ملی ) جایگزین یک قدرت سیاسی وابسته به ابر قدرت روس ( یعنی رهبری حزب دمکرات ) شد .

سقوط مهاباد به یک دوره شش ماهه مبارزه سیاسی در کردستان خاتمه داد ، دوره ای که پس از سرنگونی رژیم شاه در بهمن ماه گذشته آغاز شده بود .  
آنچه در این دوره گذشت ، اساسا " تداخل دو جریان کاملا " متفاوت با یکدیگر بود .  
۱ - جریان خیزش جنبش ملی و دهقانی خلق کرد ، جنبشی که به حق بوده و هست .  
۲ - جریان توطئه گری دو ابر قدرت علیه انقلاب و دولت مرکزی ، به ویژه حرکت ضد انقلابی رهبری حزب دمکرات برای ایجاد یک قدرت سیاسی وابسته به روس در کردستان .

هراسم پرشکوه ۱۷ شهریور

## پایان یک زندگی پرافتخار

صبح دوشنبه ملت ایران سپاه یوش شد و در سوگ مجاهد کبیر آیت الله طالقانی گریست .  
مشت ها گره کرده و چشم هادریس اشک ما تم مرگ عزیزی بود که دیگر در میان ما نیست .  
همین امروز بود که ملت با مشت های گره کرده طالقانی بسته به زنجیر را از زندان دژخیمان

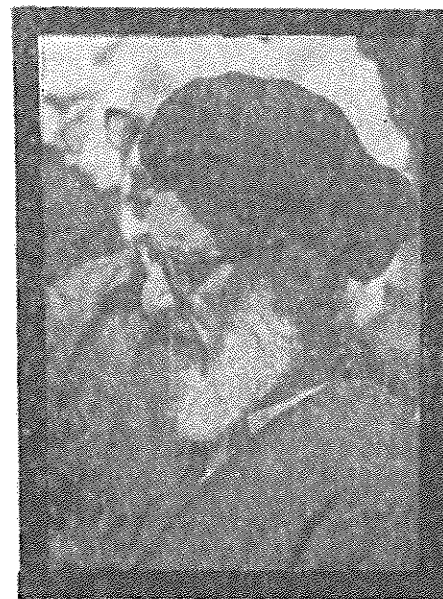
### تسلیت

از نخستین ساعات سحرگاه امروز ، مردم سراسر ایران با کمال تأسف و تأثر خیر درگذشت ناگهانی مجاهد کبیر حضرت آیت الله سید محمود طالقانی را دریافت نمودند .  
آیت الله طالقانی رهبری اندیشمند ، مجاهدی بزرگ بود که با قلبی آکنده از عشق و امید به توده های فقیر و رنج کشیده ، زندگی خود را چه در زندان و چه در خارج از زندان وقف مبارزه علیه امپریالیسم ، استعمار ، صهیونیسم ، استبداد و طاغوت بهلوی نمود او تحت رهبری امام خمینی در دفاع از اسلام مبارز با روحیه عالی وحدت طلبانه مبارزه نمود .

آیت الله طالقانی مدافع خستگی ناپذیر استقلال ، آزادی و عدالت اجتماعی و نمونه برجسته ای در ادامه مبارزات مردم ما بر ضد مداخلات دو ابر قدرت امپریالیستی آمریکا و شوروی بشمار می آمد .

ملت عرب بویزه خلق فلسطین در سیمای آیت الله طالقانی ، تجسم اراده مردم ، برای نابودی صهیونیسم و آزادی فلسطین و سرزمینهای اشغالی عرب را مشاهده میکردند . قلبها مالا مال از غم و اندوه است .  
سازمان انقلابی این صایحه اسفاک را به رهبر انقلاب امام خمینی ، به دولت ملی آقای باررگان ، به خانواده مجاهد بزرگ طالقانی و به تمام مردم رنج دیده ایران تسلیت میگوید .

سالمها و فرسها ، خواهد کدنت ، اما طالقانی و یاد مبارزات دلآوراهاش در میان مردم ما زنده باقی خواهد ماند .  
درس سیاسی سازمان انقلابی  
دو سبه ۱۳۵۸/۶/۱۹



آزاد ساخت و او را که مظهر سالها مبارزه و ایستادگی مردم بر علیه استعمار ، ظلم و ستم بود بعد از سالها دوباره در آغوش گرفت . و امروز همان ملت از خانه ها بیرون ریختند تا عزیزی را که درد لهایشان و خانه هایشان بود با همان چهره های مصمم و مشت های گره کرده بخاک بسیارند .  
چرا طالقانی این چنین مورد عشق ، احترام و اعتماد مردم ما بود ؟  
علت اساسی را با بیدر زندگی بقیه در صفحه ۲



### اعلامیه

مجاهد کبیر حضرت آیت الله سید محمود طالقانی دیگر در میان ما نیست . پس از ۴۰ سال مبارزه بی امان علیه استعمار و استبداد بالاخره قلب پر محبت او در سحرگاه دوشنبه ۱۹ شهریور از حرکت باز ایستاد . قلبی که همواره بخاطر استقلال ، آزادی و رفاه مردمان تپیده بود .

رادمردی که سالها در آسمان مبارزات مردم ستم دیده و قهرمانان درخشید و زندگی پرافتخارش برگ زرینی از دفتر پرافتخار اسلام مبارز بود .  
چهره دوران قداره مندان رضا خانی و چه در زمان فاشیسم ، محمدرضا شاهی ، این سرباز مجاهد همواره از رزمندگان صادق و از بیسروان آگاه اسلام مبارز بوده و در راه اعتلاء آن کوتید و لحظهای دست از مبارزه بر نداشت .

این فرزند اسلام راستین و مبارز در تمام لحظات حیات چه در زندان و زیر شکنجه و چه هنگامی که بدست توده خلق از بند آزاد شد ، به مردم و بویژه زحمتکشان می اندیشید .  
آیت الله طالقانی دشمن سرسخت تفرقه و جدائی در صفوف خلق بود . او با اهراس برجم راستین مبارزه ، اتحاد و یکپارچگی ، به فرمان امام خمینی به بر پا داشتن بقیه در صفحه ۲

# دانشگاهها در خدمت انقلاب نه اخلاص

آنکه سرار کسبهای احمر مشی "جی" روانه برخی شواهد حاکی است که حرکتی از طرف بوده های ما دق تحت تاثیر مشی "جی" نمایان جهت تعمق و تصحیح بوجود آمده است اما در حال حاضر برای سالم نگهداشتن محیط دانشگاهها و مدارس نه تنها نمیتوان به امکان اصلاح شدن رهبران فرصت طلب چپ نماها دل بست، بلکه باید در مقابل این فرصت طلبان سیاسی هوشیار بود.

در دانشگاهها و مدارس نیروهای بالفعل و بالقوه طرفدار انقلاب اکثریت عظیمی را تشکیل میدهند. این اکثریت ضمن آنکه مایل است در صحنه سیاسی و اجتماعی میهن موثر و فعال باشد، خواهان محیطی سالم و دور از آشوب و هرج و مرج برای ادامه تحصیل است. اما غالباً ضد انقلاب بدنیال مستمسکی میگردد از خواسته های محققان سوء استفاده کرده وزیر پوشش این خواسته ها و با سوء جوئی از اشتباهات مسئولین و انحصار طلبان حرقه را میزند و بلافاصله چپ نماها

سودده های رحمکن کارگران و دهقانان و افسار محروم جامعه، ساحار در محیطهای روشنفکری تمرکز دارند و لذا مسئولان مدارس تمرکز سرور در اطباء و با منی غلط خود به خود سمائی سیاسی پیدا میکند و این محیط دانشگاهی برای ایجاد اعتدال و صلح و آسودگی استفاده کند. هم اکنون سزمدتی است در مرزها بی بسی امکان ایداد اغتشاش در دانشگاهها از طرف چپها مشاهده میشود. این زمره ها مخصوص بعد از ما حرای بگشبه خلوی دانشگاه تهران (در مورد روزنامه آنگدان) و اخیراً بدنیال حوادث کردستان سبتر شده است.

کارنامه چپ های قلابی و دمکراتهای کاذب در این هفت ماه بعد از انقلاب سیاه است. اینها نشان دادند که بعلت عمق انحرافاتشان و عدم درک صحیح از اوضاع میهن و جهان، ابتدا در مقابل توطئه های دشمنان انقلاب و بویژه توطئه های دوا بر قدرت آمریکا و شوروی مصونیت نداشتند و با دگی آلت دست مقاصد پلید آنها قرا میگیرند. در عین

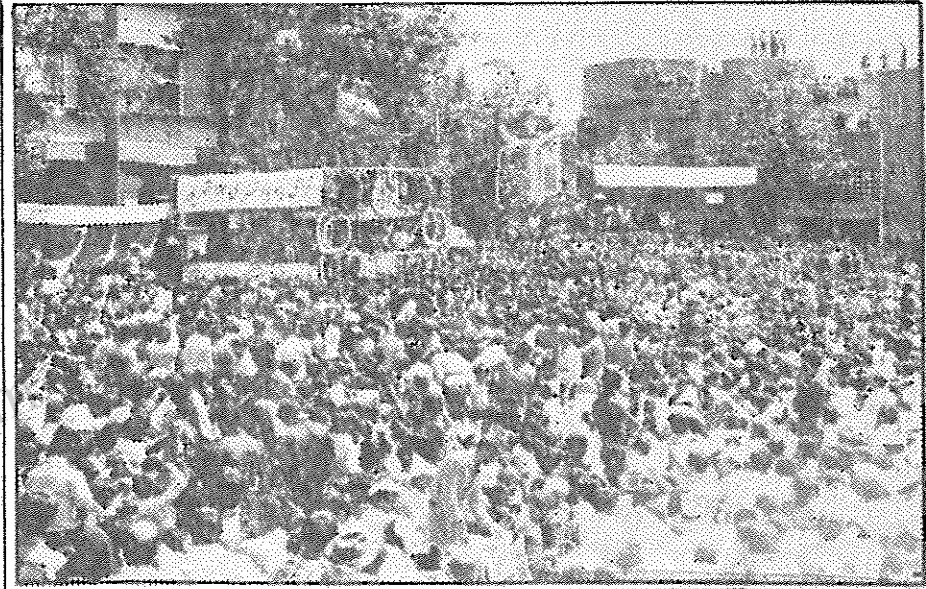
مهرماه سردت... دانشگاهها و مدارس با رزمی... اصلاح اولس سال تحصیلی... از سر کوی رزم مفعولاً... بی نگ دهها هزار دانشجو و مصلوبها... دانش آموز که در شرایط حقیقتان... تا عسماهی دانشگاهها و مدارس را... بعد از مساجد و مسکنهای... فتح شدی مبارزه با دشمن... حفاظت نمودید، اما سال با شور و... شور بیشتر ما بلند در صحنه اجتماعی... و سیاسی مبین فعال و موثر باشد... اما از آنجا که انقلاب رها نمی... نحن ما دشمنان کویا گون دار دودر... حقوق خلق نیز انحرافات سیاسی... موجود تا کون نشان داده اند که... در مقابل دشمنان خلق مصونیت... ندارند، لذا صحنه دانشگاهها... و مدارس نیز جدا از حرمان مبارزه... بین انقلاب و ضد انقلاب نیست و... باز شدن مدارس باید منتظر... فعالیتهای اخلاص گرانه دشمنان... انقلاب بود. نیروئی که در صحنه... دانشگاهها و مدارس میتواند وسیله... اتحاد هرج و مرج گردد، همسان... چپ نماها و دمکراتهای کاذب اند،... چپ نماها بعلت حدائی سبسان از

مراسم بزرگداشت سالگرد شهدای ۱۷ شهریور که با شرکت میلیونها نفر، در تهران و شهرستانها برگزار شد، یکی از بزرگترین راهپیماییهای بعد از انقلاب اسلامی ایران بود. شرکت کنندگان در این مراسم از طبقات و اقشار مختلف بودند و در حدود ۱۵۰ هزار نفر سیاسی استقلال خواه ایران در پاسخ به دعوت ستاد برگزار کننده مراسم در آن شرکت داشتند.

در تهران در هنگام راهپیمایی جمعیت با شور انقلابی و با دادن شعارهایی چون: "جمعه سیاه" نامیده شد.

هفدهم شهریور ۵۷ روزی بود که قدرت توده های تحت ستم ما را نشان داد. روزی که خلق ستم دیده ایران با سینه های پاکشان که سرشار از خشم و نفرت به دشمن زحمتکش و نوکر غارتگران بود، با قاطعیت تمام در مقابل توب و تانک قرار گرفتند و با شعارهای تا مرگ شاه خائن نهضت ادامه دادند. استقلال، آزادی، جمهوری اسلامی، تربیت شهادت نوشیدند و از همین روز سرنگونی رژیم پوسیده پهلوی قطعیت پیدا کرد.

روزی که بخاطر جنایت رژیم شاه "جمعه سیاه" نامیده شد.



## محمد ارسنی: دولت ملی و چپ های قلابی

ندارد. دوم اینکه عده ای معتقدند که بورژوازی ملی وجود دارد ولی همیشه نوکر و فرمانبردار امپریالیسم است. سوم - گروهی می گویند که بورژوازی ملی در کشورهای تحت سلطه، فقط تحت رهبری پرولتاریا در جریان انقلاب دمکراتیک نوین، می تواند کمکی به انقلاب بنماید در غیر این صورت هیچوقت بورژوازی ملی و خرده بورژوازی نمی تواند حتی برای مدتی کوتاه رهبری یک دولت ملی را بدست بگیرد، نظر چهارمی هم هست مبنی بر اینکه محک ملی بودن این حکومتها را در کشورهای تحت سلطه صرفاً "بر پایه دمکراسی می سنجند و به صرف یک سلسله حرکات غیر دمکراتیک

پایه ایست. از این رو شناخت ماهیت دولت فعلی یکی از ضروری ترین مسائل برای نیروهای مترقی می باشد. عده ای معتقدند که نیروی رهبری کننده جامعه و دولت، نیروئی است ملی و ضد امپریالیست و گروهی دیگر معتقدند که دولت فعلی دولتی است وابسته به امپریالیسم نظیر دوران شاه، و در واقع اینها معتقدند که امپریالیسم آمریکا از یک در رفته و از در دیگر با شکل دیگری وارد شده و در حقیقت هیچ تغییر بنیادی در ایران بوجود نیامده است. این نظر که از طرف "چپ های افراطی" و لیبرالها دامن زده می شود از چند چیز ناشی می شود. اول اینکه عده ای از آنها معتقدند که در شرایط حاکمیت امپریالیسم در جهان امکان وجود بورژوازی ملی وجود

دوستان همه می دانند که کشور ما در یک وضعیت فوق العاده خظیر و در یک دوران کاملاً تعیین کننده ای به سر می برد. بحران ناشی از انقلاب عظیمی که در ایران بوجود آمده اعم از اقتصادی و سیاسی و فرهنگی، شرایطی را فراهم کرده که امکان فعالیت و خرابکاری از طرف ابر قدرت ها یعنی آمریکا و شوروی بوجود آمده است. از یک طرف وجود عناصر راست در دستگاه دولتی و از طرف دیگر وجود چپ های افراطی به این بحران هر چه بیشتر دامن می زنند. یکی از مسائلی که به صورت گرهی در آمده مساله ماهیت دولت فعلی و کلا نیروئی است که سرسنگار آمده است. برای نیروئی انقلابی بخصوص برای مارکسیست لنینیست ها شناخت دوستان و دشمنان دارای اهمیت

## دخالت شوروی در کردستان حاشا کردنی نیست

آنچه که دکتر مکری در طی روزهای بعد افزود این است که روسها در کردستان دخالتی ندارند. و این امر هم از مدارکی که او از مسکو آورده است ثابت می شود. مساله دخالت عوامل و نوکران سرسپرده ابر قدرتها در ایران و از جمله در کردستان بر کسی پوشیده نبود. از یک طرف عوامل ابر قدرت آمریکا ساواک به کمک سیا و موساد دارای بهره های فعالی در این منطقه چون پالیزیان، سالار جاف ها و قیاده موقت هستند و از طرف دیگر نوکران ابر قدرت روس از طریق دار و دسته قاسملو فعلاً "بر

هفته گذشته بعد از ظهر دوشنبه ۱۲ شهریور، دکتر مکری سفیر ایران در مسکو وارد تهران شد و در فرودگاه، ضمن آنکه به خبرنگار روزنامه اطلاعات گفت که قبل از ملاقات با امام و دولت چیزی نخواهد گفت، اعلام کرد که با خود اسناد و مدارک فراوانی راجع به حوادث اخیر کردستان آورده است. او سپس توضیحاتی راجع به دخالت های نوکران سرسپرده صهیونیسم و بعضی از خائنین داد و گفت من با اسناد و مدارکی که جمع کرده و با خود آورده ام، درباره این آدمها با امام و دولت صحبت خواهم کرد و واقعیات را خواهم گفت.

# جنايات قارنا محكوم است

هفته گذشته ۱۵ تن از پاسداران شهرستان نقده که عازم مناطق بحرانی کردستان بودند در گردنه دو آب به دست عوامل ضد انقلاب به شهادت رسیدند. در پس این واقعه گروهی از افراد مسلح به لباس مجاهد و پاسدار تحت عنوان انتقام از این عمل ضد انقلاب به روختای قارنا ریخته و ۶۸ نفر از اهالی این روستا را به شهادت می رسانند.

پاسداران شهیدی که در گردنه دو آب به شهادت رسیدند، برای دفاع از استقلال ایران و سرکوب توطئه ضد انقلاب جان برکف عازم مناطق جنگ زده بودند. و افراد بی گناهی نیز که در روستای قارنا به شهادت رسیدند، دهقانان زحمتکش و ستدیده این آب و خاک بودند. دهقانانی که مطمئناً

## کردستان: انقلاب...

به عوض نیرو گرفتن در منطقه، ضعیف ترشد و تضاد میان خود و خلق کرد را تشدید کرد. نیروهای چپ رو و چپ نما، که اولی اصالت مردمی داشت و دارد اما در سیاست دچار اشتباه شد و دومی فرصت طلب بوده و اوضاع را برای جمع آوری نیرو علیه دولت مرکزی در این منطقه مساعد می دید. اما این دو نیرو در ضدیت با دولت مرکزی متحد بوده و عملاً "یک جبهه را تشکیل میدادند. آنها، به ویژه گروه اول، گرچه خدماتی به مبارزات ضد فئودالی دهقانان کردند، اما به علت دو اشتباه اساسی خویش یعنی عدم مرز بندی و مبارزه با امپریالیسم روسیه و نماینده بومی آن یعنی رهبری حزب دمکرات و در پیش گرفتن سیاست و ضدیت با دولت ملی، جنبش خلق کرد را قدم به قدم از مجموعهی جنبش انقلابی ایران جدا کردند، به سوی همبستگی علیه دولت مرکزی سوق دادند و زمینه را برای بالا آمدن و کسب رهبری جنبش از سوی عوامل وابسته به روس آماده ساختند و در پس شعارهای انقلابی نما، جنبشی به حق و انقلابی را به دامان ضد انقلاب وابسته به بیگانه کشاندند.

رهبری حزب دمکرات و عناصر وابسته به امپریالیسم روسیه، اینها که در ابتدای انقلاب در میان خلق کرد منفور و منفرد بودند، با نقشه و توطئه و با سوء استفاده از خواستهای بحق خلق کرد، اشتباهات دولت مرکزی و انحراقات عناصر باصطلاح "چپ" دار و دسته ضد ملی خود را به خلق کرد تحمیل نموده و به عنوان باصطلاح "نمایندگان" خلق کرد برگردی جنبش بحق این خلق سوار شدند و کار را به قیام مسلحانه ضد انقلاب علیه دولت مل کشاندند.

## آیت الله طالقانی

آکنده از مبارزه ای اویخا طررهایی وشکوفائی ملت ومکتش جست. او ساده میزیست، ساعت های طولانی تا پاسی از شب کار میکرد و از مردم جدا نبود.

او رهبری اندیشمند و مبارزی بزرگ بود و پیش زینمی از زندگیش در راه مبارزه گذشت و سالهای طولانی در سیاه چالهای رژیم پهلوی گذراند و مبارزه آدایه داد.

آیت الله طالقانی در سال ۱۲۸۹ شمسی در قصبه گل برد طالقان بدنیا آمد. در سال ۱۳۱۸ بدلیل عمامه گذاردن بدون اجازه شهربانی، توسط عمال رضا خان دستگیر شد و به شش ماه زندان محکوم گردید.

پس از سالهای ۱۳۲۰ به تاسیس انجمن های اسلامی دانش آموزان و دانشجویان همیت گماشت خصوصاً انجمن اسلامی دانش آموزان دبیرستان دارالفنون

که از جمله شاگردان ایشان در این دوره حصان، یزدی و تعدادی از اعضای کابینه با زرگان بودند. یکی از مشوقین مهندس بازرگان به فعالیت های سیاسی آیت الله طالقانی بود.

او در سالهای ۳۰ تا ۳۲ از فعالین نهضت ملی ایران و از مدافعین دکتر محمد مصدق بود. در سال ۱۳۳۲ بعد از ۲۸ مرداد بکمک آیت الله زنجانی و دیگران نهضت مقاومت ملی ایران را با هدف مقابله با آمریکا و انگلیس تاسیس نمود.

در سالهای ۳۲ تا ۳۹ از فعالیت و رهبران نهضت مقاومت ملی بود و در سال ۱۳۴۰ بکمک مهندس بازرگان، رحیم عطائی، عباس سمیلی، عباس شسانی و حسن تزیه، علی باقی و دکتر سحابی نهضت آزادی ایران را تاسیس نمود.

در سال ۱۳۴۱ در رابطه با انتشار یک اعلامیه در مخالفت با اصلاحات نواستعماری آمریکا - شاه، به همراه مهندس بازرگان و سایر ایرانیان زندان افتاد و به ده سال حبس محکوم گردید.

محاکمات ایشان حدود ۴۰ روز به طول انجامید. در کلیه جلسات دادگاه آیت الله طالقانی بدون اعتنا به اعضای بیدادگاه هنگام ورود ایشان از جای خود سرخاست.

در سال ۱۳۴۶ از حبس آزاد شد ولی مجدداً در سال ۱۳۴۷ در حبس

آنان مبارزی بود که خواهان باسودی گذشته های تاریک بود.

او در این مبارزه امتناز و حق و بهره ای برای خود قائل نبود، با اینکه گذشته های سرافشار در پشت سر داشت همواره خود را سرباز ساده اسلام مبارز میدانست و بارها تا کیند کرد که از آغاز انقلاب رهبری امام خمینی را بپذیرفته است و در راه این انقلاب قدم برمیدارد.

طالقانی همیشه با راه راستی سروی رهبری امام خمینی راه را بر فرصت طلبان می بست و اجازه نداد تا حار و حمال اختلاف در رهبری و غیر و خلقی در پیشبرد انقلاب اسلامی مینمایند.

طالقانی با این مواضع ثابت کرد که نه برای جاه طلبی و تسخیر مقامات بالا بلکه برای سعادت مردم خود تلاش و جها دمیکند.

قلب طالقانی برای استقلال کامل ایران میتید. او در اولین بزرگداشت دکتر محمد مصدق بر سر مزار وی گفت: در آن دوره ای که دو قدرت بزرگ روس و انگلیس، هم در کشور ما راه نفوذ و راه پایگاهی واستفاده ها را می جستند در میان هیئت کاکمه عده ای طرفدار روس بودند و عده ای طرفدار انگلیس

در این بین که حقی ملحوظ نمیشد و آن جبهه ای که چشم نمیا مردم ایران بود. دکتر مصدق با همکاری مرحوم مدرس این راه را باز کرد و این جبهه را نشان داد که نه روس و نه انگلیس بلکه ملت است که باید سرنوشتش را بدست بگیرد و راهش را بسا بدو پیش برود.

و در آنجا ادامه داد که: این سابقه ما ایرانیهاست، در بین طوفانهای دنیا سربلند بر خاستیم و هیچوقت برای همیشه تن به ذلت و استعمارگری ندادیم. اگر بدینمان راه بردگی کشیدند، فکرها و قلبهایمان هرگز به بردگی کشیده نشد.

طالقانی مجاهد در جای دیگر در مقابل خبرنگاران داخلی و خارجی گفت: اساس تفکر ما و همه مردم آزادخواه ایران بر این مبنا بوده که ماکشوری داشته باشیم غیر متعبد به رجال "تیمار" این بوده که سست به هیچ کشوری نمیدخا صحرانخواهیم بپذیرفت.

او در اجتماع ۳۰ نفره اصلاح طلبان استقلال، آزادی، عدالت اجتماعی را اسطور مطرح ساخت: "تا نید ما این سه شعار نفی استعما

و خاصص والای او بسیارند که در این کوتاه نمیگنجد. تنها همین سر که او مجاهدی کیی در راه ایران و اسلام مبارز بود

واقعی گام برداریم. آیت الله طالقانی دشمن سر سخت تفرقه و جدائی در صفوف خلق بود. او قاطعانه بر علیه توطئه گران و نفاق افکنان - چه در لباس چپ نمائی و چه جامه اسلام نمائی - مبارزه میکرد و در عین این مبارزه خستگی ناپذیر

که شیوه همبستگی او بود نیروهای مختلف استقلال طلب را دعوت به بیامودن یک راه مشترک، دعوت به اتحاد عمل و احتیاط از نفاق و پراکندگی مینمود. او در یک مصاحبه مطبوعاتی چنین گفت: "در اصول و بطور کلی باید تضادهای طبقاتی و استعما را افراد از بین برود و گروهها مختلف نمیتوانند در ارائه زیربنای اقتصادی و تدوین قانون اساسی چنانکه در جهت اسلام باشد شرکت کنند.

طالقانی بخوبی کمبودهای امورا میدید لیکن هیچگاه به نفی دستاوردهای انقلاب و اقدامات مثبت مسئولین امورا مینمیرد اخت او در مورد دولت گفت: "این افرادی که در اس حکومت هستند امکان دارند نقائص داشته باشند و راه شما با راه آنها خواند اما آنها را می شناسید آدمهای مومن و معتقدی هستند، درستند، اخلاص دارند و باید نواقص را از بین برد و عوامل امنیت را تشدید کرد.

او به مردم و دانائی آنان اعتقاد داشت، میدانست که وقتیکه مردم حاکم بر سرنوشتشان شدند قادرند مسائل خود را حل کنند، او بخوبی میدید که هر جا مردم، چه در روستا و چه در کارخانه خود با حمایت مسئولین، امور خود را حل کرده اند. انقلاب قدمی محکم به جلو برداشته است و از همین رو از اولین روز های پیروزی انقلاب طرح شوراها را پیشنهاد کرد، شوراهائی که از وحدت اقشار و طبقات خلق پدید میاید مسائل خود را حل میکنند و هیچکس قریا دهی او را در آخرین نماز جمعه بر مزار شهیدان ۱۷ شهریور از یاد نبرد است که میگفت: "صدها بار من گفتم که مسئله شورا از اساسی ترین مسئله اسلامی است. بگذارید مردم مسئولیت پیدا کنند.

و خاصص والای او بسیارند که در این کوتاه نمیگنجد. تنها همین سر که او مجاهدی کیی در راه ایران و اسلام مبارز بود

واقعی گام برداریم. آیت الله طالقانی دشمن سر سخت تفرقه و جدائی در صفوف خلق بود. او قاطعانه بر علیه توطئه گران و نفاق افکنان - چه در لباس چپ نمائی و چه جامه اسلام نمائی - مبارزه میکرد و در عین این مبارزه خستگی ناپذیر

که شیوه همبستگی او بود نیروهای مختلف استقلال طلب را دعوت به بیامودن یک راه مشترک، دعوت به اتحاد عمل و احتیاط از نفاق و پراکندگی مینمود. او در یک مصاحبه مطبوعاتی چنین گفت: "در اصول و بطور کلی باید تضادهای طبقاتی و استعما را افراد از بین برود و گروهها مختلف نمیتوانند در ارائه زیربنای اقتصادی و تدوین قانون اساسی چنانکه در جهت اسلام باشد شرکت کنند.

طالقانی بخوبی کمبودهای امورا میدید لیکن هیچگاه به نفی دستاوردهای انقلاب و اقدامات مثبت مسئولین امورا مینمیرد اخت او در مورد دولت گفت: "این افرادی که در اس حکومت هستند امکان دارند نقائص داشته باشند و راه شما با راه آنها خواند اما آنها را می شناسید آدمهای مومن و معتقدی هستند، درستند، اخلاص دارند و باید نواقص را از بین برد و عوامل امنیت را تشدید کرد.

او به مردم و دانائی آنان اعتقاد داشت، میدانست که وقتیکه مردم حاکم بر سرنوشتشان شدند قادرند مسائل خود را حل کنند، او بخوبی میدید که هر جا مردم، چه در روستا و چه در کارخانه خود با حمایت مسئولین، امور خود را حل کرده اند. انقلاب قدمی محکم به جلو برداشته است و از همین رو از اولین روز های پیروزی انقلاب طرح شوراها را پیشنهاد کرد، شوراهائی که از وحدت اقشار و طبقات خلق پدید میاید مسائل خود را حل میکنند و هیچکس قریا دهی او را در آخرین نماز جمعه بر مزار شهیدان ۱۷ شهریور از یاد نبرد است که میگفت: "صدها بار من گفتم که مسئله شورا از اساسی ترین مسئله اسلامی است. بگذارید مردم مسئولیت پیدا کنند.

و خاصص والای او بسیارند که در این کوتاه نمیگنجد. تنها همین سر که او مجاهدی کیی در راه ایران و اسلام مبارز بود

واقعی گام برداریم. آیت الله طالقانی دشمن سر سخت تفرقه و جدائی در صفوف خلق بود. او قاطعانه بر علیه توطئه گران و نفاق افکنان - چه در لباس چپ نمائی و چه جامه اسلام نمائی - مبارزه میکرد و در عین این مبارزه خستگی ناپذیر

که شیوه همبستگی او بود نیروهای مختلف استقلال طلب را دعوت به بیامودن یک راه مشترک، دعوت به اتحاد عمل و احتیاط از نفاق و پراکندگی مینمود. او در یک مصاحبه مطبوعاتی چنین گفت: "در اصول و بطور کلی باید تضادهای طبقاتی و استعما را افراد از بین برود و گروهها مختلف نمیتوانند در ارائه زیربنای اقتصادی و تدوین قانون اساسی چنانکه در جهت اسلام باشد شرکت کنند.

طالقانی بخوبی کمبودهای امورا میدید لیکن هیچگاه به نفی دستاوردهای انقلاب و اقدامات مثبت مسئولین امورا مینمیرد اخت او در مورد دولت گفت: "این افرادی که در اس حکومت هستند امکان دارند نقائص داشته باشند و راه شما با راه آنها خواند اما آنها را می شناسید آدمهای مومن و معتقدی هستند، درستند، اخلاص دارند و باید نواقص را از بین برد و عوامل امنیت را تشدید کرد.

او به مردم و دانائی آنان اعتقاد داشت، میدانست که وقتیکه مردم حاکم بر سرنوشتشان شدند قادرند مسائل خود را حل کنند، او بخوبی میدید که هر جا مردم، چه در روستا و چه در کارخانه خود با حمایت مسئولین، امور خود را حل کرده اند. انقلاب قدمی محکم به جلو برداشته است و از همین رو از اولین روز های پیروزی انقلاب طرح شوراها را پیشنهاد کرد، شوراهائی که از وحدت اقشار و طبقات خلق پدید میاید مسائل خود را حل میکنند و هیچکس قریا دهی او را در آخرین نماز جمعه بر مزار شهیدان ۱۷ شهریور از یاد نبرد است که میگفت: "صدها بار من گفتم که مسئله شورا از اساسی ترین مسئله اسلامی است. بگذارید مردم مسئولیت پیدا کنند.

و خاصص والای او بسیارند که در این کوتاه نمیگنجد. تنها همین سر که او مجاهدی کیی در راه ایران و اسلام مبارز بود

واقعی گام برداریم. آیت الله طالقانی دشمن سر سخت تفرقه و جدائی در صفوف خلق بود. او قاطعانه بر علیه توطئه گران و نفاق افکنان - چه در لباس چپ نمائی و چه جامه اسلام نمائی - مبارزه میکرد و در عین این مبارزه خستگی ناپذیر

که شیوه همبستگی او بود نیروهای مختلف استقلال طلب را دعوت به بیامودن یک راه مشترک، دعوت به اتحاد عمل و احتیاط از نفاق و پراکندگی مینمود. او در یک مصاحبه مطبوعاتی چنین گفت: "در اصول و بطور کلی باید تضادهای طبقاتی و استعما را افراد از بین برود و گروهها مختلف نمیتوانند در ارائه زیربنای اقتصادی و تدوین قانون اساسی چنانکه در جهت اسلام باشد شرکت کنند.

طالقانی بخوبی کمبودهای امورا میدید لیکن هیچگاه به نفی دستاوردهای انقلاب و اقدامات مثبت مسئولین امورا مینمیرد اخت او در مورد دولت گفت: "این افرادی که در اس حکومت هستند امکان دارند نقائص داشته باشند و راه شما با راه آنها خواند اما آنها را می شناسید آدمهای مومن و معتقدی هستند، درستند، اخلاص دارند و باید نواقص را از بین برد و عوامل امنیت را تشدید کرد.

او به مردم و دانائی آنان اعتقاد داشت، میدانست که وقتیکه مردم حاکم بر سرنوشتشان شدند قادرند مسائل خود را حل کنند، او بخوبی میدید که هر جا مردم، چه در روستا و چه در کارخانه خود با حمایت مسئولین، امور خود را حل کرده اند. انقلاب قدمی محکم به جلو برداشته است و از همین رو از اولین روز های پیروزی انقلاب طرح شوراها را پیشنهاد کرد، شوراهائی که از وحدت اقشار و طبقات خلق پدید میاید مسائل خود را حل میکنند و هیچکس قریا دهی او را در آخرین نماز جمعه بر مزار شهیدان ۱۷ شهریور از یاد نبرد است که میگفت: "صدها بار من گفتم که مسئله شورا از اساسی ترین مسئله اسلامی است. بگذارید مردم مسئولیت پیدا کنند.

و خاصص والای او بسیارند که در این کوتاه نمیگنجد. تنها همین سر که او مجاهدی کیی در راه ایران و اسلام مبارز بود



"نماینده‌گان" خلق کرد برگزیده‌ی جنبش بحق این خلق سوار شدند و کار را به قیام مسلحانه ضد انقلابی علیه دولت ملی گشادند.

از اینرو می‌بینیم که بعزل فوق‌در طول شش ماه گذشته جنبش عادلانه خلق کرد قدم به قدم منحرف شد و زمانیکه رهبری وابسته به روس حزب دمکرات خود را بر آن تحمیل نمود و در راه آن قرار گرفت، تغییر ماهیت داده و به حرکتی ضدانقلابی و وابسته به بیگانه، به یک توطئه امپریالیست‌ها علیه انقلاب ایران تبدیل گشت.

پس از سرکوب این حرکت ضدانقلابی از طرف انقلاب و دولت ملی و سقوط مهاباد، ما اکنون در پرتو این دوره بسمی بریم و دوره جدید هنوز آغاز نگشته است. یعنی در یک دوره انتقالی از نظر سیاسی حساس و سرنوشت ساز قرار گرفته‌ایم.

سؤال مرکزی در این مرحله انتقالی، این است که اوضاع به کدام سو حرکت خواهد کرد. بسوی ریشه‌کن کردن ضدانقلاب وابسته و بازگشت اوضاع به صورت تضادی میان صفوف خلق، یا به سوی ادامه توطئه‌های ضد انقلابی و دوره‌ای طولانی از کشمکش میان انقلاب و ضد انقلاب؟

این دو راه را بیشتر بشکافیم:

۱- رهبری ضدانقلابی و وابسته به روس حزب دمکرات کاملاً "سرکوب و منطقه از لوث وجود آنان پاکسازی شود، نیروهای چپ رو و چپ نما دست به تصحیح اشتباهات خود، و حداقل در زمینه‌های مرزبندی و مبارزه با ابرقدرت روسیه، بزنند. دولت ملی بروی خط مشی اتحاد بزرگ ملی و طرد انحصار طلبی یافتاری کند و توده‌ها را برای نوسازی و سازندگی منطقه بسیج نماید در این صورت اوضاع بسود انقلاب تکامل خواهد یافت و تضاد درون خلقی میان خلق کرد و دولت مرکزی از تضاد میان خلق و دشمن یعنی انقلاب و ضد انقلاب وابسته جدا خواهد شد، ضد انقلاب وابسته منفرد شده و مبارزه ضد امپریالیستی خلق کرد و انقلاب ایران گامی بجلو بر خواهد داشت.

۲- اگر نیروهای ضدانقلاب وابسته کاملاً سرکوب نشوند و سیاست مماشات و مدارا جوئی با عناصر وابسته به روس و اربابان آنها در پیش گرفته شود و آنان نیز دست از فتنه‌گری بر ندارند، نیروهای انقلاب و دولت مرکزی از اوضاع حساس و تغییر یافته کنونی ارزیابی درست نکنند و میان ضد انقلاب، منحرفین و توده‌های مردم تمایز نگذارند و همه را مانند ضد انقلاب سرکوب کنند و وعده بیشتری را از خود برانند. به خواستهای به حق خلق کرد و بویژه مسئله ارضی ضد فئودالی، بیکاری و رشد اقتصادی و رفاه خلق جواب

شکست مواجه شده و عناصر صادق انقلابی بیروآن در جریان یک ارزیابی نوب از عملکرد و اشتباهات خود هستند. بوده‌های زحمتکش خلق کرد خواهان جنگ نیستند و از سوی دولت مرکزی و ارگانهای انقلاب نیز گامهای مثبتی در راه صحیح حل مسئله دیده میشود.

اما در این شرایط حساس، تحول تازه‌ای بچشم میخورد که میتواند در آینده نقش مهمی را در تعیین سمت رشد اوضاع بیکی از دوراه فوق الذکر بازی کند و آن فعالیتهای هفته اخیر امپریالیستهای روسیه است. آنها تلاش میکنند تا از یکسو بر مداخلات ضدانقلابی خود در کردستان ایران سربوش بگذارند و نقش خود را حاشا کنند و از سوی دیگر همزمان با این امر، کوشش دارند تا دولت مرکزی و انقلاب را با تهدید به ادامه فتنه‌گری در کردستان، تحت فشار بگذارند و از ایران امتیازاتی بسود خود وبضرر انقلاب ما و استقلال ملی کشور بگیرند. هدف فوری امپریالیستهای روسیه به سازش کشاندن انقلاب با ضد انقلاب در کردستان و جلوگیری از سرکوب و ریشه‌کن کردن ضدانقلاب وابسته به روس در این منطقه است، تا هسته‌های ضدانقلاب وابسته به روس در کردستان باقی بمانند و با فروکش کردن موج سرکوب ضدانقلاب، بار دیگر دست به سازماندهی ضدانقلابی زنند و بعنوان اهرم فشاری بروی دولت مرکزی باشند تا دولت از اتخاذ سیاستهای مستقل و ضد امپریالیسم روسیه خودداری کند و در مراحل بعدی زیر چماق تهدید فتنه‌گری روسها در کردستان، بیشتر و بیشتر بروی خط مشی سیاسی امپریالیستهای روسیه در خلیج فارس، خاورمیانه و سطح جهانی عمل کند و در روابط متقابل نیز امتیازات سیاسی و اقتصادی به جهانخواران روسیه بدهد.

پاسخ خلق و انقلاب، در مقابل این نقشه‌های امپریالیستهای روسیه روشن است: ضد انقلاب وابسته باید سرکوب شود و هیچگونه سازش و مدارائی با امپریالیست‌ها و بخصوص ابر قدرت روسیه نباید صورت گیرد. خلق ما سیاست سازش با امپریالیسم وستم بر خلق کرد را رد میکند و خواهان مبارزه با امپریالیسم و رفع ستم از خلق کرد در یک اتحاد بزرگ ملی ضد دو ابر قدرت است.

شرط اساسی در حل صحیح مسئله کردستان نیز در پیش گرفتن چنین سیاستی است و گرنه در صورت سازش با ابر قدرتها در کردستان تمام اقدامات در زمینه خود مختاری و رفاهی در صورتیکه عوامل ابر قدرتها در کردستان دارای نفوذ باشند به نفع امپریالیست‌ها تمام خواهد شد و دولت ملی

و رودآسان از جای خود سرخاست. در سال ۱۳۴۶ رخص آزادند ولی محدودا در سال ۱۳۴۷ رژیم شاه او را به ریدان ابداحسنو شکنجه آغاز کرد. مدتی بعد آزادند و با زحمات در سال ۱۳۴۹ به زندان افتاد.

در سال ۱۳۵۰ برای درهم کوبیدن با یزادی این محاهدکسیر یکسال ونیم به زابل و بافت کرمان تبعیدش کردند ولی نه تنها دره‌ای در استواری اش خلقتی ایجاد نشد بلکه بعضی آزادی‌مبارز علیه استعمار و استبداد را ادامه داد.

آیت‌اله طالقانی آخرین بار در سال ۱۳۵۴ بزندان افتاد و با لایحه در ماههای اوج گیری انقلاب بدست برتوان مردم قهرمانی که به آنها عشق میورزید از زندان آزاد گردید.

آیت‌اله طالقانی پس از پیروزی انقلاب و رهائی مردم از بند استعمار و استبداد در راه ادامه مبارزه تا پیروزی نهائی برا میربالیسم و عمالش را نشان داد و همسواره در میان مردم و در پیشاپیش صفوف

نه یک پایگاه قوی برای انقلاب بلکه پایگاه و مستمکی برای امپریالیست‌ها ایجاد خواهد کرد.

در چنین اوضاع سیاسی است که مایک مرحله را تمام میکنیم و در حال عبور به مرحله ی نوین در کردستان هستیم. برای اینکه راه راستین ذکر شده در بالا را بییمائیم، شرط اساسی شرکت وسیع و توده‌ای تمام میهن پرستان در مبارزه ضد امپریالیستی کردستان، در نوسازی و سازندگی این منطقه است. تنها راه، یافتاری بروی استقلال ملی علیه امپریالیست‌ها بویژه دو ابر قدرت، آزادی و تعیین سرنوشت خلق کرد در چهار چوب استقلال و تمامیت ارضی ایران و در وحدت با انقلاب ایران و عدالت اجتماعی برای زحمتکشان کرد است.

نه انحصار طلبی و دست رد زدن به نیروهای اصیل کرد، نه انجام کارهای نمائشی جدا از توده‌ها بعنوان اقدامات عمرانی، نه سازش و مدارا جوئی با ابر قدرتها هیچکدام به سود انقلاب ایران و جنبش خلق کرد نیست.

تنها با در پیش گرفتن خط مشی راستین اتحاد بزرگ ملی علیه دو ابر قدرت، برای

احتمالی را با استطور مطرح ساخت؛ "ساختن این به شمار نمی‌آید استعمار و عوامل استعمار، یعنی استبداد - هر صورت و بیکی استعمار و بویژه کسی فرد از مرد به راه اسلام

### اعلامیه

بزرگترین راهپیمائی تاریخ مبارزات استقلال طلبانه مردم ما در تاسوعا و عاشورای سال قبل همت گمارد. او با تمام بیماری و ضعف جسمانی در آخرین روزهای عمر خود به دستور رهبر انقلاب ایران، امامت نماز جمعه تهران را بعهده گرفت و این سنت بزرگ اسلام را در خدمت آگاهی توده مردم و افشای توطئه‌های ضدانقلاب بکار برد.

او با تمام وجود به مردم عشق می‌ورزید، کجروان را هشدار میداد و علیه دشمنان خلق سرسختانه مبارزه میکرد او بحق "ابوذر انقلاب اسلامی ایران بود". میلیونها ایرانی با قلبی آکنده از غم او را در بهشت هرابخاک خواهند سپرد، اما مردم یادش را برای همیشه در قلبهای خویش زنده خواهند داشت و راهش را ادامه خواهند داد. او گرچه ظاهراً "بمگ طبیعی درگذشت، اما در واقع شهید بیش از ۴۰ سال فشار و شکنجه دشمنان خلق بود.

ما همراه تمام هم میهنان و همراه بارهبر انقلاب اسلامی ایران در سوگش می‌نشینیم اما اندوه خود را به کینه علیه دشمنان انقلاب اسلامی ایران برهبری امام خمینی بدل کرده و همراه مردم سوگوار و شریفمان راه بزرگ استقلال طلبانه و آزادیخواهانه‌ای را که او در آن گام بر میداشت ادامه خواهیم داد.

بگذار امپریالیست‌ها و دیگر دشمنان انقلاب ایران از شهادت طالقانی خوشحالی کنند اما مردم دلاور و زحمتکش ایران سوگند خورده و اراده کرده‌اند که بخاطر استقلال و آزادی ایران تا آخرین قطره خون خود با الهام گرفتن از رزمندگانی چون مجاهد کبیر آیت الله طالقانی از پای ننشینند.

سازمان انقلابی  
۱۳۵۸/۶/۱۹

آن یا اربابان روسی و یا امریکائی‌اش. - تمیز گذاردن میان ضدانقلاب، منحرفین و توده‌های خلق و در پیش گرفتن سیاست اصلاح و آموزش منحرفین برای تنگ کردن حلقه محاصره سیاسی به دور ضد انقلاب و انفراد کامل آن.

- در پیش گرفتن سیاست وحدت طلبانه با تمام نیروهای غیر وابسته به بیگانه در کردستان بر اساس استقلال و عدم وابستگی به بیگانه، وحدت وسیع میان خلقهای ایران و دولت مرکزی و رفاه خلق کرد.

- ایجاد شرایط واقعی برای شرکت خلق کرد در تعیین سرنوشت خویش در چهار چوب استقلال ملی و تمامیت ارضی و وحدت با انقلاب در تمام سطوح.

- کمک به رشد و شکوفائی فرهنگ و سنن ملی

و مذهبی خلق کرد و تربیت کادرهای کرد میهن پرست برای امور اداری، آموزشی و ...

در منطقه.

- مبارزه جدی با فئودالیسم و ریشه کن کردن آن با انجام اصلاحات ارضی انقلابی

بفیه در صفحه ۴

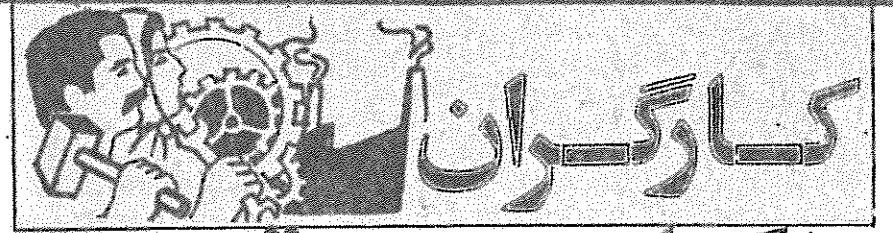
استقلال و رفاه خلق است که شرط اساسی حل مسئله کردستان تامین می‌شود. بروی این خط مشی است که باید دست به بسیج توده‌ای در کردستان برای سازندگی آن زد و این سازندگی یک امر بزرگ ملی، امر بزرگ تمام خلقهای ایران و پیش راندن پیروزمندانقلاب ایران است.

مسئله کردستان آزمائشی در مقابل انقلاب کشور ماست و ما باید از این آزمایش پیروزمند سر بلند بیرون آئیم و گرنه ابر قدرتها از این مسئله به منابه نقطه ضعف انقلاب ما برای تضعیف و سرکوب آن سوء استفاده خواهند کرد. از این رو بسیج ملی و توده‌ای در سطح کشور و کردستان برای آغاز مرحله‌ی نوین در راهی صحیح و ضد امپریالیستی وظیفه تمام میهن پرستان است.

ما نظرات خود را برای سازندگی کردستان به طور خلاصه در نکات برنامه‌ای فوق ذکر می‌کنیم:

- افشای ضد انقلاب وابسته به دو ابر قدرت و بر ملا کردن نقش ضد انقلابی امپریالیسم روسیه در این منطقه.

- سرکوب قاطع ضد انقلاب وابسته به بیگانه و طرد هر گونه سیاست سازش و مماشات با



# کارگران و تورم

چندی پیش بخشنامه‌ای از طرف وزیر کار و امور اجتماعی صادر شد که بر طبق آن حداقل حقوق کارگران به ۵۶۷ ریال افزایش یافت. این اقدام دولت برای آن انجام شد که بهبودی در زندگی کارگران که بار سنگین گرانی و تورم را بر دوش داشتند صورت بگیرد. این عمل دولت در حد خود اقدامی است مثبت و نشان می‌دهد که دولت به‌وضع زحمتکشان توجه دارد.

اما این سؤال مطرح می‌شود که آیا با اینکار مشکلات کارگران برای همیشه حل می‌شود؟ اصولاً علت افزایش قیمت‌ها، گرانی و تورم چیست؟

بنظر ما علت اصلی گرانی و تورم در کشور ما وابستگی اقتصادی ما به کشورهای امپریالیستی است. برای اینکه بیشتر احتیاجات ما از مواد خام مصرفی برای صنایع و ماشین آلات گرفته تا مواد مصرفی خوراکی، پوشاک و دارو و هر چیز دیگر از خارج وارد می‌شود و چون ما به این چیزها احتیاج داریم در نتیجه هر قیمتی که آنها روی این کالاها بگذارند باید قبول کنیم. کشورهای امپریالیستی هم دنبال سود بیشتر هستند و از همین احتیاج ما سوء استفاده می‌کنند و تا آنجا که برایشان مقدور باشد ما را می‌چاپند. این یک جنبه قضیه است از طرف دیگر کشورهای امپریالیستی آنقدرها هم وضعشان خوب نیست و خودشان با بحرانها و گرفتاریهای همیشگی دست بگریبان هستند و این بحرانها هم سال بسال بدتر و وخیم‌تر می‌شود. بنابراین آنها تلاش می‌کنند که از همین وابستگی ما به خودشان استفاده کنند و بار بحران خودشان را که زائیده سیستم رو به زوال و گندیدگی آنها می‌باشد به ما تحمیل نمایند.

ممکن است بپرسید که چطور شده که کشور ما به کشورهای امپریالیستی وابسته شده؟ و از چه موقع این وابستگی بوجود آمده؟ جوابش اینست که کشور ما در دوران سلطنت خاندان منور پهلوی و بخصوص در دو دهه گذشته شدیدا به امپریالیستها وابسته شده است. کشاورزی که اساس اقتصاد کشور ما را تشکیل می‌داد با به اصطلاح "اصلاحات ارضی" آمریکائی شاه منهدم شد. صنعتی شدن ما هم که در چهار چوب سیاست امپریالیسم آمریکا

پرست، کارگران و دهقانان ما بیشتر از سایر طبقات مورد ظلم و ستم امپریالیسم و طبقات ارتجاعی وابسته حاکم قرار می‌گرفتند و وابستگی اقتصادی کشور به امپریالیستها و گرانی و تورم، بیش از همه به کارگران و دهقانان و بطور کلی زحمتکشان فشار می‌آورد.

خوب، ممکن است بگوئید ما که انقلاب کرده و شاه را بیرون کرده‌ایم چرا باز هم این وضع را تحمل می‌کنیم و وابستگی خودمان را به کشورهای امپریالیستی قطع نمی‌کنیم؟ جواب اینست که مسئله آنقدرها هم ساده نیست. برای اینکه ما بتوانیم وابستگی خودمان را به کشورهای غارتگر امپریالیستی قطع کنیم باید قادر باشیم مواد و کالاهای مورد احتیاج خودمان را در داخل کشور تولید نمائیم تا مجبور نباشیم آنها را از خارج وارد کنیم. طبیعی است که ادامه وضع سابق برای ما غیر ممکن است. از اقتصاد ملی ما دیگر چه چیزی باقی مانده است؟ به هر رشته‌ای که نگاه کنی امپریالیستها جنگ انداخته و آنرا به خود وابسته کرده‌اند. از طرف دیگر امپریالیستها و عمال آنها در مقابل ملی کردن کشاورزی و صنایع در کشور ما کار شکنی کرده و به ما فشار می‌آورند.

در این شرایط برای ما دور راه بیشتر وجود ندارد: یا با انقلاب و زندگی نوین که سختی‌های خود را دارد قدم برداریم و یا به راه وابستگی سابق برگردیم.

ما الان با کمبودهای زیادی روبرو هستیم هنوز قادر نشده‌ایم طرح اقتصاد ملی خودمان را بریزیم. گرچه دولت در این زمینه سردرگم است ولی ملت ما قادر است به روی پای خود بایستد و در مسیر استقلال اقتصادی، نیروی پر توان خود را به نمایش بگذارد. ما

با انقلاب توانستیم استقلال سیاسی و دولت ملی بدست آوریم ولی هنوز محتاجیم که اکثر نیازمندیهای خود را از خارج تأمین کنیم. ما الان مستقلا با امپریالیستها وارد مذاکره و خرید مطابق نیازمندیهای خودمان می‌شویم ولی باز هم امپریالیستها قادرند بار بحران خود را به ما تحمیل نمایند.

چکار باید بکنیم؟ بنظر ما دولت باید طرحی را پیاده کند که اساس آن رشد و شکوفائی کشاورزی، و در زمینه صنعت، ایجاد و گسترش صنایع ملی، و مدتها که باشد.

## اجتماع کارکنان آب و برق خوزستان

منظور رسیدگی مجدد بر گزار می‌گردد که در این جلسه پس از بحث و مشورت و با فشاری از طرف نمایندگان کارکنان بر روی در خواست‌های خود، آقای تاج کتبا با در خواست‌های ۱۱ ماده‌ای آنان به جز بند ۶ آن که به بعد موکول شد موافقت کردند و قرار شد که تا آخر شهریور ۵۸ نتیجه آن به اطلاع کلیه کارکنان سازمان آب و برق خوزستان برسد.

مباحثه‌ای از طرف رنجبر در شهر اهواز با آقای روحانی نماینده مورد اعتماد کارکنان این سازمان و با حضور چند تن دیگر از کارکنان انجام گرفت که در همین شماره می‌خوانید.

توسط یکی از نمایندگان آنان در حضور شخص وزیر نیرو که در محل حاضر شده بود اعلام گردید. که با جواب‌های قانع کننده‌ای از طرف آقای تاج وزیر نیرو روبرو نگردید، که بلا فاصله با موج مخالفت شدید کلیه کارکنان و نمایندگان آنان روبرو گشت. در این موقع همگی نمایندگان به نشانه اعتراض شفاهاستعفاي خود را اعلام کردند. آنان همچنین اظهار کردند که در صورت عدم پاسخگویی سریع به خواست‌های آنان تمام نیروگاه‌های برق را که به کارخانجات و تأسیسات صنعتی برق می‌رسانند قطع خواهند کرد و تنها به تأمین برق مصرفی مردم اکتفا می‌کنند. در بعد از ظهر همان روز جلسه دومی به

به دنبال در خواست‌های مکرر کارگران و کارمندان سازمان آب و برق استان خوزستان از مقامات مسئول و پاسخ ندادن به موقع و عدم رسیدگی به در خواست‌های کارکنان، آنان تصمیم می‌گیرند از تاریخ ۲۰ مرداد ۵۸ دست از کار بکشند و این کار را انجام می‌دهند. ولی به علت مصادف شدن با ایام ماه مبارک رمضان تصمیم می‌گیرند موقتا به سر کار خود باز گردند.

در تاریخ ۱۲/۶/۵۸ مجدداً اجتماعی بیش از ۵۰۰ نفر از کارکنان این سازمان و نمایندگان آنان که از مناطق مختلف خوزستان به شهر اهواز آمده بودند تشکیل می‌گردد. در این اجتماع ابتدا خواست‌های کارکنان

### مصاحبه با آقای روحانی نماینده کارکنان آب و برق خوزستان

کلیه کارکنان و کارگران ایران و کارگران و کارکنان صنایع نفت و دوش آن‌ها مبارزه خود را ادامه داد.

در زمانی که رژیم منفور شاه سعی داشت به عناوین مختلف کارگران و کارکنان غیرو صنایع نفت را به سر کار بازگرداند، سازمان آب و برق با تنظیم برنامه‌های خاموشی همواره از آنان پشتیبانی کرد، و در ارتباط با این موضوع همیشه همگام و همدوش با کلیه اقشار و طبقات خلقی و روحانیت مبارز به رهبری قاطعانه امام خمینی همکاری داشته و به تحصن‌ها و اعتصابات مداوم دست زده است. به طور مثال زمانی که عمال سرسپرده رژیم شاه کارگران مبارز صنایع نفت را بخزور سر نیزه می‌خواستند به کار وادار کنند، ما برق پالایشگاه را قطع می‌کردیم و عملاً توطئه‌های رژیم را خنثی می‌کردیم. بارها به خاطر این موضوع تهدید به مرگ شدید و حتی با گذاردن سر نیزه روی گردن ما از طرف نظامیان رژیم مرگ را بر بحرکت نداشتن تأسیسات برق ترجیح دادیم.

س- علت اساسی نا رضایتی کارگران و کارکنان سازمان آب و برق خوزستان چیست؟

ج- عمده ترین مسئله برای کارگران و کارکنان این سازمان مسئله مسکن و تعدیل حقوق کارگران و کارکنان آن است. تعدیل حقوق و مزایا که در سایر ادارات و کارخانجات و شرکت‌ها رعایت شده متأسفانه نسبت به سازمان ما کم توجهی گردیده است.

س- علت به تاخیر افتادن خواست‌های کارگران و کارکنان سازمان به نظر شما چه

س- شرایط زندگی و وضع کارکنان سازمان آب و برق را مختصراً شرح دهید؟

ج- سازمان آب و برق خوزستان در تمام شهرها شعبه دارد. خطوط برق رسانی از کوه‌ها - دشت‌ها و دره‌ها گذشتند و تمام خوزستان را زیر چتر خود گرفته است. برای نگهداری تأسیسات برق کارکنان سازمان آب و برق باید در تمام مدت شبانه روز و فصول با تمام خطرات و سختی‌ها در جهت تعمیر و نگهداری و حفاظت این تأسیسات اقدام کنند. اکثریت کارکنان فنی و کارمندان هر کدام دارای شرایط خاصی هستند. برای آنها خطرات و سختی‌ها و اوقاتی که تلف می‌شوند مطرح نیستند، بلکه صرفاً هدفشان خدمت به جامعه و برق رسانی به تأسیسات و صنایع مهم خوزستان و همچنین تأمین برق مصرفی مردم می‌باشد.

سازمان آب و برق طی سالهای گذشته از نظر تسهیلات زندگی برای کارگران گامی برداشت و در طی این سالها به علت رواج کار در شرکت‌های خارجی بسیاری از متخصصین خود را از دست داد، که این مایه تأسف است. با این وجود حدود ۸۵۰ پرسنل در سازمان آب و برق اهواز هستند و می‌توان ادعا کرد که تا قبل از انقلاب بیش از این آنها فاقد مسکن بوده‌اند. ولی در ماه‌های اخیر اقداماتی در جهت رفع مشکلات کارکنان و کارگران این سازمان برداشته شده است که اهم آنها اقداماتی است در جهت تأمین مسکن که از مدتها پیش توسط کمیته انقلاب اسلامی این سازمان پیگیری شد. تا کنون به علت عدم واگذاری مسکن سازمانی و یا تسهیلاتی از این قبیل طبیعتاً کارکنان

ج- به علت شرایط خاص کار و با توجه به فرمان عفو عمومی رهبری انقلاب همواره سعی در بکار گرفتن کلیه نیروها و پرسنل این سازمان به عمل آمده و خوشبختانه تا کنون جز در موارد معدودی نتوانسته‌ایم تصفیه قابل توجهی بنمائیم، و در صورت معلوم شدن عناصر ضد انقلاب و نا درست یا قاطعیت عمل خواهیم کرد.

س- نظر شما در رابطه با اوضاع کنونی انقلاب چیست؟

ج- شک نیست که اهداف رهبری انقلاب که مرجع شیعیان جهان می‌باشد، اجرای عدالت اجتماعی و آزادی و استقلال و حفظ تمامیت ارضی میهنی است. و من معتقدم که انقلاب ما انقلابی ضد امپریالیستی و استقلال خواه بوده است. به نظر من تنها راه نفوذ عناصر ضد انقلاب و وابسته به امپریالیست‌های شرق و غرب تفرقه اندازی و مشغوش کردن ادهان ملت ایران است که می‌بایست قاطعانه جلوی این کار گرفته شود، تا انقلاب مسیر خود را بیپیماید.

س- نظر شما در باره وحدت نیروهای استقلال طلب چیست؟

ج- نظر من این است که باید وحدت کلمه و عمل را حفظ کرد و هر نیروی رزمنده و استقلال طلب با هر ایدئولوژی در صورتی که بر خلاف مصالح مردم حرکت نکند و در مسیر واقعی انقلاب قرار گیرد، می‌تواند در کنار کلیه نیروهای استقلال خواه به مبارزه علیه امپریالیستها ادامه دهد و برای استقلال کامل ایران انجام وظیفه نماید. با این ترتیب عناصر خود فروخته قادر نخواهند بود با ایجاد دشمنی به انقلاب لطمه بزنند.

س- وظیفه کمیته هماهنگی چیست و تا کنون چه اقداماتی کرده است؟

ج- کمیته هماهنگی انقلاب اسلامی آب و برق خوزستان همواره در جهت ایجاد وحدت

می داد به... اصحاب رومی  
 آمریکائی شاه منهدم شد. صنعتی شدن ماهم  
 که در چهار چوب سیاست امپریالیسم آمریکا  
 مطرح بود چیزی نبود جز وابستگی هر چه  
 بیشتر به امپریالیستها.  
 بعد از اصلاحات ارضی و سرازیر شدن  
 سرمایه‌های امپریالیستی و ایجاد صنایع مونتاژ،  
 ما با سیاست درهای باز گمرکی مواجه شدیم و  
 آنچه هم به عنوان صنایع ملی داشتیم یا از  
 بین رفت و یا بشدت آسیب دید. در نتیجه‌ی  
 این وابستگی، اقتصاد ما به زائده اقتصاد  
 آنها تبدیل گردید و بار بحرانهای کشورهای  
 امپریالیستی به مردم میهن ما تحمیل شد.  
 امپریالیستها هم که برگزیده ملت ما سوار  
 بودند بامدستی رژیم پهلوی مثل زالو خون  
 ملت ما را می‌مکیدند. رژیم هم برای فریب  
 مردم و خنثی کردن ناراضی آنها در مقابل  
 گرانی اجناس دستگاه‌های تبلیغاتی خود را  
 بکار میبرد و یادکدهائی نظیر "اتاق اصناف"  
 بوجود می‌آورد تا علت گرانی را به گردن کسبه  
 خرده پا و یا اصناف ملی بیندازد.  
 از میان کلیه طبقات و اقشار ملی و میهن

طرحی را پیاده کند که اساس آن رشد و  
 شکوفائی کشاورزی، و در زمینه صنعت، ایجاد  
 و گسترش صنایع ملی و مورد نیاز کشور باشد.  
 از اینرو باید سرمایه داران وابسته و زمینداران  
 بزرگ و فئودالها را متلاشی کنیم و به  
 سرمایه داران ملی و دهقانان کوچک و متوسط  
 و بطور کلی به تولید کنندگان ملی امکان رشد  
 و فعالیت بدهیم.  
 با انجام این کارهاست که افزایش  
 حقوق کارگران و یا کارمندان میتواند نتیجه  
 نسبتا "دلخواهی" بی‌آورد و زندگی مردم  
 بخصوص زحمتکشان ما فارغ از بحرانهای  
 امپریالیستی بهبود یابد.  
 کارگران ما نیز در این اوضاع دو وظیفه  
 دارند. یکی درک اوضاع بعد از انقلاب و  
 لزوم همکاری با دولت در ادامه انقلاب و  
 مبارزه ضد امپریالیستی. دیگر مبارزه برای  
 بهبود قدم به قدم زندگی معیشتی و تحقق  
 خواستهای خود. از این دو وظیفه در شرایط  
 کنونی وظیفه اول عمده است و وظیفه دوم  
 باید به آن خدمت کند.

علت عدم واگذاری مسکن سازمانی و یا  
 تسهیلاتی از این قبیل طبیعتا "کارکنان  
 سازمان حدود ۳٪ حقوق خود را بابت  
 اجاره مسکن می‌پرداختند و این امر از مدت‌ها  
 پیش موجبات نگرانی آنها را فراهم می‌کرد،  
 که مسلما "در زندگی خانوادگی و اجتماعی  
 آنها نیز مؤثر بوده و نگرانی‌هایی از بابت  
 هزینه زندگی و... برایشان بوجود می‌آورد.  
 س- کیفیت شرکت کارگران و کارکنان سازمان  
 آب و برق خوزستان در مبارزات دوره رژیم  
 منور شاه چگونه بوده است؟  
 ج- قبل از شروع اعتصابات صنعتی ایستگاه‌ها  
 و نیروگاه‌های برق خوزستان در ارتباط دائم  
 با شبکه سرتا سری برق کشور هماهنگی داشته  
 و یا همبستگی قاطع در جهت پشتیبانی از  
 ملت مبارز ایران بر علیه رژیم طاغوتی و  
 امپریالیسم آمریکا و کلیه امپریالیستها، به  
 مبارزه پرداخت و در حقیقت اولین اعلامیه  
 خود را با شروع اعتصابات سیاسی به اطلاع  
 ملت مبارز ایران رساند و در پشتیبانی از

س- علت به تاخیر افتادن خواست‌های  
 کارگران و کارکنان سازمان به نظر شما چه  
 بوده است؟  
 ج- به گمان من هنوز تاخیر زیادی در انجام  
 خواست‌های سازمان آب و برق رخ نداده  
 است.  
 کلیه کارکنان تا کنون بدون در نظر  
 گرفتن شرایط مادی خود به وظایف انسانی و  
 مردمی خویش عملی نموده‌اند و سعی داشتند  
 برای گرفتن خواست‌هایشان به وضعیت دولت  
 موقت اسلامی توجه نمایند. ما معتقدیم این  
 دولت ملی است و به همین دلیل حقوق تمام  
 اقشار و طبقات را در نظر می‌گیرد و این  
 علل موجب گردید، که دولت رازیر فشار  
 قرار ندهیم و خواست‌هایمان را فوری نخواهیم  
 و هیچ قدمی که باعث تضعیف انقلاب و خلاف  
 مسیر آن باشد برداشته‌ایم و بر نخواهیم  
 داشت.  
 س- آیا در سازمان آب و برق پاکسازی شده؟  
 و اگر شده ابعاد آن چگونه بوده است؟

چه اقداماتی در دست است؟  
 ج- کمیته‌های انقلاب اسلامی آب و برق  
 خوزستان همواره سعی داشته با ایجاد تفاهم  
 و روشن نمودن مسائل مربوط به جامعه در  
 ایجاد همبستگی کلیه اقشار و طبقات خلقی  
 گام بر دارد و همچنین سعی کرده به مسائل  
 کارگران و کارکنان رسیدگی نموده و به رفع  
 مشکلات آنها بپردازد تا آنها با دل گرمی  
 بیشتر به کارشان ادامه داده و به پیشبرد  
 مسائل اقتصادی کشور کمک نمایند، و همچنین  
 به تصفیه ضد انقلابیون با همکاری مدیریت  
 سازمان پرداخته و سعی در از بین بردن  
 تبعیضات نموده است.  
 س- پیام شما برای ملت ایران چیست؟  
 ج- پیام من به ملت مبارز و انقلابی ایران  
 این است که همانطوریکه در طول انقلاب  
 همبستگی و یگانگی داشتیم اینک نیز با کنار  
 گذاشتن اختلافات عقیدتی و شخصی  
 دست در دست هم دهیم و برای جلوگیری  
 از توطئه‌های دو ابر قدرت امپریالیستی  
 آمریکا و روسیه با توجه به رهنمودهای امام  
 خمینی گام‌های مثبتی برداریم.

## کارگران و استثمار (۴)

در شماره‌های پیش، علت بوجود آمدن  
 استثمار و همچنین روش‌های مختلف استثمار  
 در جامعه‌های برده داری و فئودالی را  
 مختصرا "شرح دادیم. و همچنین دیدیم که  
 چگونه جامعه فئودالی به جامعه سرمایه‌داری  
 تبدیل شد. ولی چون ما الان در دوران  
 "امپریالیسم" که بالاترین مرحله سرمایه‌داری  
 است به سر می‌بریم بنابراین لازم است که  
 جامعه سرمایه‌داری را مفصلا "از اول پیدایش  
 آن تا رسیدن به مرحله امپریالیسم شرح  
 دهیم. و ببینیم استثمار در این دوران به چه شکل  
 تغییر لباس داده و چگونه عمل می‌کند. و  
 بالاخره ببینیم آخر عاقبت این دوران به  
 کجا می‌کشد؟ آیا استثمار عاقبت از بین  
 خواهد رفت یا نه؟ و اگر از بین رفتنی است،  
 راه از بین بردن آن چیست؟ و وظیفه چه  
 کسانی است که آن را از بین ببرند؟  
 اول ببینیم جامعه سرمایه‌داری چه نوع  
 جامعه‌ای است؟ و فرق آن با جامعه فئودالی  
 و یا جامعه برده داری چیست؟  
 جامعه سرمایه‌داری جامعه‌ای است که  
 تولید آن برای فروش در بازار باشد. این  
 را اصطلاحا "می‌گویند: تولید کالایی.  
 ممکن است بگوئید در جامعه‌های قبل از

سرمایه داری هم که اشیاء تولید می‌شد.  
 درست است. ولی در آن جامعه‌ها تولید  
 اجناس جنبه‌ی خود مصرفی داشت و برای  
 بازار نبود. کسی که چیزی را تولید می‌کرد  
 بیشتر برای مصرف خودش بود. در حالی که  
 در جامعه سرمایه‌داری اساسا "تولید کالا  
 برای بازار صورت می‌گیرد و تولید کننده  
 قصدش از تولید کالا این است که آن را در  
 بازار به فروش برساند.  
 ما در تعریف جامعه فئودالی دیدیم  
 که دهقان روی تکه زمینی که یا مال ارباب  
 بود و یا آن را از ارباب اجاره کرده بود کار  
 می‌کرد و وقتی محصول بدست می‌آمد سهمی  
 از محصول را دهقان برای خودش بر میداشت  
 و بقیه را که معمولا "سهم بزرگتر بود به  
 ارباب می‌داد. بعضی وقتها می‌شد که سیل  
 می‌آمد و یا آفت محصول را از بین می‌برد و  
 هیچ چیز باقی نمی‌گذاشت. ارباب به این  
 چیزها کار نداشت و سهمش را می‌خواست.  
 دهقانها هم که در آن زمان به آنها رعیت  
 می‌گفتند مجبور بودند سهم ارباب را  
 بپردازند. ولی چون چیزی نداشتند که یا  
 آن سهم او را بپردازند ناچار بودند از خود  
 ارباب قرض بکنند و دوباره همان را به ارباب

بدهند. منتها ارباب برای قرض خود بهره‌ی  
 سنگین تعیین می‌کرد. مثلا "اگر رعیت ۱۰۰  
 کیلو گندم از او گرفته بود تعهد می‌کرد که  
 سر محصول ۲۰۰ کیلو بابت قرضش به ارباب  
 بپردازد. همین چیزها دهقانها را از کار  
 کشاورزی روی گردان می‌کرد. ولی بهر حال  
 در همان جامعه فئودالی باز هم دهقان یک  
 چیزی داشت که دل خودش را به آن خوش  
 کند. مثلا "تکه زمینی داشت و اگر زمین  
 نداشت و زمین مال ارباب بود، اقلا "گاو،  
 گاو آهنی و خلاصه یک چیزی دهقان داشت.  
 وقتی که دهقانها از روی زمین ارباب‌ها و  
 کار کشاورزی فرار کردند، دیگر چیزی با  
 خودشان نداشتند و دست خالی به شهر‌ها  
 روی آوردند. خلاصه، دهقان‌ها که توی  
 کارخانه‌ها وارد می‌شدند و از این پس به آنها  
 کارگر می‌گفتند هیچ چیز دیگری جز نیروی  
 کارشان نداشتند که در اختیار صاحب  
 کارخانه که به او سرمایه‌دار می‌گفتند قرار  
 بدهند.  
 بنابراین می‌بینیم که در جامعه  
 سرمایه‌داری کارگرها کلی با دهقانها فرق  
 دارند. و می‌بینیم که در جامعه جدید،  
 آدم‌ها به کلی از ابزار کار خودشان که در  
 جامعه‌های قبلی صاحب آنها بودند جدا  
 می‌شوند و با ابزار و وسائلی کار می‌کنند که  
 مال کس دیگری است. کارگرها یک طرف و  
 صاحب کارخانه هم طرف دیگر. یک طرف  
 تعداد زیادی کارگر که به طور دسته جمعی

کار می‌کنند و طرف دیگر، ابزار و وسائل و  
 ماشین آلات تولیدی است که هم‌ماش مال  
 یک نفر است و اصطلاحا "مالکیت آن فردی  
 است. این یکی از خصوصیات مهم جامعه  
 سرمایه‌داری است که در جوامع قبل از  
 سرمایه‌داری سابقه نداشته است.  
 جامعه سرمایه‌داری یک خصوصیت مهم  
 دیگر هم دارد که در جامعه‌های قبلی وجود  
 نداشت و آن هم تولید ارزش اضافی است.  
 این همان استثمار است. ارزش اضافی چیست؟  
 در جامعه برده داری برده ناچار بود برای  
 برده دار کار بکند و فقط یک لقمه نان به او  
 می‌دادند که از گرسنگی نمیرد. در جامعه  
 فئودالی رعیت سهمی از محصولی را که  
 خودش تولید کرده بود دریافت می‌کرد.  
 در جامعه سرمایه‌داری وضع طور دیگری است.  
 جطور؟ الان تعریف می‌کنیم.  
 کارگر که توی کارخانه برای سرمایه‌دار  
 کار می‌کند در مقابل کار به او مزد میدهند.  
 او در مقابل این مزد یک مقدار کالا تولید  
 می‌کند. ولی آیا مزدی که به او می‌دهند با  
 ارزش کالایی که تولید کرده است برابر است؟  
 نه. اگر این طور بود که دیگر سرمایه‌دار  
 مرض نداشت بیاورد یک کارخانه و دم دستگاه  
 راه بیندازد. او که عاشق چشم و ابروی کارگر  
 نیست. بنگاه خیریه هم که باز نکرده است.  
 بنابراین او هم می‌خواهد در این میان چیزی

گیرش بیاورد! اینجاست که می‌فهمیم چرا  
 کارگرها که همه‌ی نعمت‌های روی زمین را  
 تولید می‌کنند همیشه گرسنه و تنگدست و  
 بی پولند ولی سرمایه‌دارها روز به روز  
 وضعیتشان بهتر می‌شود و پولشان از پارو بالا  
 می‌رود.  
 داشتیم ارزش اضافی را تعریف می‌کردیم.  
 گفتیم که کارگر در مقابل کالایی که تولید  
 می‌کند مزد دریافت می‌کند. ولی این مزد با  
 ارزش کالایی که تولید می‌کند زمین تا آسمان  
 فرق می‌کند. چطور؟ سرمایه‌دار با خودش  
 حساب کرده که این کارگر برای اینکه زنده  
 بماند و بتواند برای او کار کند به چه چیزهایی  
 احتیاج دارد. این چیزها غذا و لباس و  
 خانه و... و حداقل آن چیزهایی است که  
 کارگر وزن و بچه‌هایش به آن احتیاج دارند.  
 این را که سرمایه‌دار حساب کرد آن را به  
 پول تبدیل می‌کند و به عنوان مزد به کارگر  
 می‌دهد تا کارگر بتواند حداقل احتیاجات  
 خود و زن و بچه‌هایش را با آن تهیه کند.  
 برای این کار باید کارگر یک مدتی - مثلا "  
 ۴ ساعت - را برای سرمایه‌دار کار کند. ولی  
 آیا کارگر در روز فقط ۴ ساعت کار می‌کند؟  
 نه. کارگر ۸ ساعت، ۱۰ ساعت و یا حتی  
 بیشتر هم کار می‌کند. بقیه‌اش چه میشود؟  
 بقیه‌اش توی جیب کار فرما یعنی سرمایه‌دار  
 می‌رود. یعنی کارگر ۸ ساعت یا ۱۰ ساعت و  
 بقیه در صفحه ۶

## خانم سلیمانی:

# راه درست همیشه باز است

خانم سلیمانی (مادر رفیق شهید تقی سلیمانی عضو سازمان انقلابی) در پاسخ به نامه‌های خوانندگان و اوضاع سیاسی کشور نامه‌ای برایشان فرستاده‌اند که در زیر می‌خوانید:

درود من برهبر عالیقدر و قاطع، امام خمینی و تبریک من برهبران سازمان انقلابی که پشتیبانی خود را از امام خمینی در خارج از کشور شروع کردند و در زمان طاغوت اعلامیه‌های امام را بتوسط مادرهائی که من هم یکی از آنان بودم بایران میفرستادند و قاطعانه پشتیبان امام بودند و هستند. خواست من که یک مادر هستم این است که پشتیبانی خود را با امام محکم تر و مستحکم تر کنند، چون حق همیشه پیروز است و گفته‌های امام ما بر حق است و پشتیبانی از نخست وزیر محبوب ایران.

من امروز را روزی شاد بپایان رساندم، شاید باور نکنید که شادی من بقدری بود که خانمی که با من راجع به خیاطی کار داشت

و آمد، با باز شدن در بعد از اسلام بمن گفت شما روحیه شادی دارید امروز، بلکه این شادی من شادی ملت ایران بود. شادی از این بود که رهبر ما دستورات سریع دادند و من که یک زن هستم دلم می‌خواهد بامست دهن‌آنها را که وابسته به دو ابر قدرت هستند بگویم یا اینکه به باقی مانده رژیم که این همه برادر کنی بیار میاورند.

بانه چند روزی است که من داغم تازه شد، با مادران شهید داده همدرد هستم و همدردی خودم را بهمه آنها اظهار میکنم. امروز تمام روز را با خود فکر میکردم، روزنامه رنجبر که روزنامه‌ای اسلامی نیست ولی اجازه انتشار آن داده شد خواستم بازم تبریک خوشحالی خودم را برای رهبران این سازمان که شهید تقی فرزندانم عضو آن بود، تبریک بگویم و بگویم فرزندان من، راه درست همیشه باز است. خوشحالم از اینکه فرزندانم اگر در میان مانیت اگر فرزندی بی پدر بجای گذاشته

سیاسی می‌بینیم که بعد از سرنگونی شاه و وابستگی او بر خورد انقلابی دولت بانیری و ضد انقلاب یکی از نشانه‌های کاملاً آشکار است که نشان دهنده ماهیت دولت فعلی است. اعدام وابستگان رژیم - زرنال‌ها - وابستگان به سازمان امنیت و دار و دسته‌های ارتجاعی هنوز هم ادامه دارد. آیا این یک بر خورد انقلابی نیست؟ و نمی‌تواند از ماهیت ملی این دولت سر چشمه بگیرد؟ البته ماهیچه به جنبه عمده قضیه باید توجه کنیم نه جنبه‌های غیر عمده. زیرا ممکن است چهار تا ساواکی خاطی را اعدام نکرده باشند یا چهار تا وابسته به رژیم را زندانی نکرده باشند. اینها جنبه‌های مطلوب قضیه‌رسانان می‌دهد. صرف اینکه اعدام فلان کس به عقب افتاد یا فلان کس را که می‌بایست اعدام می‌کردند حبس ابد دادند پس نتیجه گیری کنیم که دولت یک دولت غیر ملی است این یک نظریه کودکانه می‌تواند باشد.

از طرف دیگر بر خورد دولت به امپریالیسم آمریکا است. اخراج ۶۷۰۰۰ کارشناس نظامی آمریکا از ایران، بر چیدن کلیه پایگاه‌های جاسوسی آمریکا - خروج از پیمان سنتو - پیوستن به جنبش غیرمتعهدها و لغو کابینولاسیون - اخراج دیپلمات‌ها و نمایندگان سیاسی ایالات متحده آمریکا - اخراج نمایندگان اسرائیل و افریقای جنوبی از ایران و قطع رابطه کامل با این دو کشور - ایجاد روابط سیاسی و انقلابی با فلسطین و جنبش مسلمانان اریتره و فیلیپین و پولیساریو - موضع گیری در مقابل مصد در مساله اسرا...

## رنجبر

ولی راه درستی را رفته و راهی رفته که برای ایران و مردم ایران بود.

بگفته یک فرزند عزیز دیگر من که برای نامه سراسر لطف فرستاده و محبت گرمی حقا از نامهای میباید، او نوشته که مادر بگفته آرش خائن، تقی معتاد بود ولی معتاد به ایران و به ملت ایران. چقدر قشنگ و زیبا گفته این فرزند عزیزم و بگفته خانم دادیان یکی از

بهترین مادران دنیا که برایم شعر قشنگی و زیبایی هدیه کرده و در شعرش نوشته برای انقلاب چه سرسخانه کوشید تقی.

امروز ما این آزادی را مدیون شهدا و رهبری قاطع امام خمینی هستیم و من محکوم میکنم جنایات باوه و سندج و شهرهای دیگر را و باز از اخبار که شنیدم فرزندان عزیزم در سوئد و آلمان با پشتیبانی خود به رهبر عالیقدر تلگراف زدند که حاضرند جان خود را در راه نجات ایران بدهند.

پیش‌آهنگان طبقه کارگر فرق می‌کند با آن زمانی که نمایندگان امپریالیسم بزرگوارند. مساله دیگری که بوسیله عده‌ای از لیبرال‌ها و چپ‌های افراطی بیان می‌شود یک سلسله حرکت‌های غیردموکراتیک دولتها را دال بر وابسته بودن آنها می‌دانند. سعی می‌کنند از یک موضع لیبرالی و نه دموکراتیک مسائل جزئی را عمده بکنند و نتیجه‌های غلطی بگیرند. استالین در اصول لنینیسم در بحث مساله ملی می‌گوید: "لازمه جنبه انقلابی نهضت ملی به هیچ وجه آن نیست که عناصر پرولتاریائی در نهضت وجود داشته و نهضت دارای برنامه انقلابی و جمهوری خواهانه و یا متکی بر دمکراسی باشد. مبارزه امیر افغان برای استقلال افغانستان با وجود نظریه سلطنت طلبی او و اعوان و انصارش از نظر عینی مبارزه‌ای انقلابی است زیرا این مبارزه امپریالیسم را ضعیف و قوایش را تجزیه کرده و آن را از ریشه متزلزل میسازد. در صورتی که مبارزه دموکراتیها و "سوسیالیستها" و "انقلابی‌ها" جمهوری طلبان "با حرارتی" از قبیل کرنسکی و هنگام جنگ امپریالیستی.

مبارزه ارتجاعی بود، زیرا بالنتیجه باعث رنگ و روغن یافتن و تحکیم و پیروزمندی امپریالیسم می‌گشت. مبارزه بازرگانان و روشنفکران بورژوازی مصر برای استقلال مصر به همان جهات از نظر عینی مبارزه انقلابی است با وجود اینکه لیدرهای نهضت ملی مصر از طبقه بورژوازی و دارای عسوان

## دستگیری در تبریز

در روز چهارشنبه ساعت ۶/۵ بعد از ظهر چهاردهم شهریور ماه چند تن از افراد کمیته خودسرانه به محل کتابفروشی مراجعه کرده و بیهانه فروش نشریات "مضره" منوچهر نعمتی را دستگیر و به کمیته می‌برند. در کمیته از هیچگونه آزار، توهین، تهدید و... فروگذار نکرده بطوری که در هنگام کتک‌زدن حتی سیگار را بجسم او فرومی‌برند. اینگونه اعمال خودسرانه که نه با دستورات رهبری انقلاب و نه با قوانین دولت موقت اسلامی تطابق دارد و باعث تفرقه شده، می‌تواند مورد بهره برداری ضد انقلاب قرارگیرد. ما از این مسئولین امور می‌خواهیم که جلوی اینگونه اعمال خودسرانه را که در جهت سلب آزادی و ایجاد محیطی ناامن می‌شود، بگیرند و مسببین اینگونه حرکات را بمجازات برسانند.

سازمان انقلابی همواره مدافع منافع خلق و در مسیر مبارزات خلق بر علیه امپریالیسم بویژه ابر قدرتهای شرق و غرب، شوروی و آمریکا، بوده است.

ما ایجاد هر گونه مانع در مبارزات خود را خلاف منافع والای خلق و مخالف ادامه و تحکیم انقلاب می‌دانیم. لذا خواستار عکس العمل قاطع مسئولین امور در مقابل هر گونه عمل غیر مسئول هستیم.

متأسفانه بعد از سرنگونی رژیم شاه به امر وحدت بین اسلام مترقی - ناسیونالیسم و سوسیالیسم ضربه خورده. از یکطرف نمایندگان سی-آی-ا - وابستگان بورژوازی کمپرادور سعی میکنند پایه‌های دولت راست کنند و به امر وحدت ضربه بزنند و از طرف دیگر نمایندگان امپریالیسم روس - حزب توده و حزب دموکرات و سازمانهای وابسته به آنها سعی میکنند به اشکال گوناگون با شانناز یا بانائیدهای ظاهری به امر وحدت ضربه بزنند بوریس پاناماریف مسئول روابط خارجی حزب حاکم شوروی به احزاب وابسته به سوسیال امپریالیسم نظیر حزب توده و امثال آنها توصیه می‌کنند در کشورهای مختلف جهان و جهان سوم باید سعی کنند این روحیه ناسیونالیسم این روحیه اتکا به خود را از بین ببرند و نشان بدهند که فقط در اتحاد با شوروی است که به حاکمیت امپریالیسم غرب در کشورها می‌توان پایان داد. این امر بوحثت خلق لطمه می‌زند. برخی "چپ" ها و "چپ" نماها با بیان اینکه دولت غیر علیه‌مذهب بخصوص بوسیله ترومسکیست‌ها و آن حزب کارگران و دهقانان به امر وحدت خلق لطمه جدی می‌زنند. نیروهای پیش‌آهنگ کارگرانسانیکه به امر واقعی استقلال مملکت

ما فکر می‌کنند می‌دانند که امروز تضاد عمده

سازمان انقلابی بخش آذربایجان بخاطر دستگیری و توهین و آزار یکی از طرفداران سازمان اعلامیه‌ای منتشر کرده است. در این اعلامیه ضمن دفاع پر شور از مبارزات خلق و معرفی منوچهر نعمتی یکی از فرزندان مبارز خلق. به عمل غیر مسئول بعضی از افراد کمیته‌ها در دستگیری و تهدید و آزار منوچهر نعمتی اعتراض شده و خواستار محاربات عناصر غیر مسئولی که بر خلاف مسیر انقلاب قدم بر می‌دارند، شده است.

در قسمت‌هایی از این اعلامیه آمده است: "در چنین شرایطی که امپریالیستهای آمریکا و روسیه بدست عاملان در هر گوشه از ایران دست به تخریب و تخریب می‌زنند، وظیفه هر میهن پرست انقلابی است که با مستحکم تر نمودن صفوف خلق صادقانه در مقابل این توطئه‌ها که با پوشش‌های مختلفی انجام می‌گیرد، بایستد. شرایط عینی جامعه ما و هم چنین مبارزات گذشته نه چندان دور ثابت کرده که با وحدت اسلام مبارز، ملی‌گرایی مترقی و سوسیالیسم علمی و باتکیه به توده‌های میلیونی بهدفعات انقلاب جامعه عمل‌پوشاند و برای همیشه دست امپریالیستهای آمریکا و روسیه و عاملان را از ایران کوتاه نمود.

بیمه‌ها و دهها فعالیت اقتصادی دیگر که در جهت تضعیف نفوذ اقتصادی غرب و شرق انجام می‌گیرد همه مواضع ضد امپریالیستی می‌باشند.

از نظر مبارزه فرهنگی با تسلط آمریکا و غرب کافیتس به برنامه‌های تبلیغی رادیو-تلویزیون، مطبوعات - سینماها و غیره توجه کنیم و نیز تظاهرات توده‌ای چند میلیونی علیه امپریالیسم آمریکا به بهانه‌های مختلف همگی موضع قاطع ضد امپریالیستی دستگاه حاکم را نشان میدهد.

البته بهیچوجه من نمی‌خواهم بگویم که دولت قادر خواهد بود همه وابستگی‌های سیاسی و فرهنگی و اقتصادی به امپریالیسم را قطع کند این عمل غیرممکنست که بوسیله بورژوازی ملی و خرده بورژوازی انجام پذیرد و لیکن اگر دولت فعلی را با دولت‌های ملی دیگری که در جهان سوم موجود بودند و هستند نظیر دولت مصدق - قوام نکرده - احمد سوکارنو - و امثال آنها بسنجیم خواهیم دید که آنها چند در صد اعمال دولت فعلی را بیشتر انجام نداده‌اند. در آنگولا علی‌رغم اینکه یک دولت وابسته شوروی و ظاهراً مارکسیست سرکار آمده هنوز کمیاتی نفتی گلف‌اوایل آمریکا ملی نشده است. در الجزایر و موراسیک و حتی ویتنام نیز وضع بر همین سوال می‌باشد و هنوز سرمایه‌های غربی موجود



تعلق دارند و به گونه‌های مختلف در مبارزه شرکت می‌کنند. در کامبوج - لائوس - کره دموکراتیک ... در تمامی این کشورها با برخورد درستی که احزاب کمونیست در آنجا کردند، بورژوازی ملی نقش‌های فعال در مبارزه ضد امپریالیستی به عهده گرفت. لنین خود در سخنرانی معروفش در کنگره خاور اشاره باین امر می‌کند که احزاب کمونیست کشورهای خاور بایستی با اتحاد با نیروی عظیم دهقانان و خرده بورژوازی و با تکیه بر بورژوازی بومی خودشان امپریالیسم را شکست بدهند.

بنابراین می‌بینیم که بورژوازی ملی نه تنها در عصر امپریالیسم وجود دارد بلکه عملاً هم در مبارزه نقش فعالی را به عهده می‌گیرد.

در کشور خود ما می‌بینیم که در دوران انقلاب مشروطیت بورژوازی تجاری در مبارزه شرکت می‌کند. بعد از سال ۱۳۲۵ به این طرف هم در اثر رشد بورژوازی ملی و امکانات دموکراتیکی که فراهم شده بود، بورژوازی ملی عملاً به یک نیروی اصلی در مبارزه تبدیل می‌شود به طوری که در سال ۱۳۲۹ عملاً به قدرت می‌رسند و مبارزه ضد امپریالیستی را رهبری می‌کنند و همین طور در سالهای ۱۳۳۹. در دوران خود ما اگر بخواهیم به طور عینی تحقیق بکنیم و به واقعیات مبارزاتی توجه بکنیم خواهیم دید که بورژوازی ملی عملاً موجود بوده و مبارزه هم کرده است.

مساله بعدی اینکه اگر توجه بکنیم یک برداشت غلط از مفهوم انقلاب دموکراتیک نوین بوجود آمده که گویا در عصر امپریالیسم نمایندگان بورژوازی ملی و خرده بورژوازی نمی‌توانند برای مدتی به قدرت برسند و یک دولت ملی تشکیل بدهند. حال آنکه مساله اینکه در انقلاب دموکراتیک نوین موجود است این است که در عصر امپریالیسم بدون رهبری طبقه کارگر استقلال کامل نمیتواند به دست آید. یعنی در تمام زمینه‌های فرهنگی

و اقتصادی و سیاسی. نه اینکه بورژوازی ملی و یا خرده بورژوازی اصلاً نمی‌تواند برای مدتی هم مبارزات ضد امپریالیستی را رهبری کند و دولت ملی تشکیل بدهد. نگاهی به اوضاع ایران در سال ۱۳۳۵ در زمان مصدق و همین طور در عرض این ۶ - ۵ ماه بیانگر عکس نظریه فوق می‌باشد.

در عرض این چهار پنج ماه ما بعبیان دیدیم که علیرغم جنبه‌های غیر دموکراتیک و انحصار طلبانه و بعضی از برخوردهای نا درستی که با امپریالیسم شد، دولت موضع گیریهای قوی در مقابل امپریالیسم غرب از خود نشان داده است. در قسمت

ایجاد روابط سیاسی و انقلابی با فلسطین و جنبش مسلمانان اریتره و فیلیپین و پولیساریو. موضع گیری در مقابل مصر در مساله اسرائیل و عقد روابط سیاسی با کشور های لیبی و نیکاراگوئه نشانه های قطع وابستگی با امپریالیسم امریکا است ...

نهضتی که در ایران بوجود آمد دارای چند ویژگی بود. اولین ویژگی آن توده های بودن این نهضت است به طوری که توانست وسیعترین طیف توده های مردم را در خودش جمع بکند و وابستگان به امپریالیسم امریکارا به طور کامل در انزوا قرار دهد. مساله دوم انکاء این نیرو بود به خود، که بدون کمک خارجی انجام گرفت و به پیروزی رسید. مساله سوم قاطعیت رهبری نهضت بومی رهبری آیت الله خمینی از روز اول شروع جنبش قاطعینی بود که در واقع به طور کامل تطبیق داشت با خواسته های توده های وسیع مردم ما. مسئله چهارم شکل ایدئولوژیک این نهضت که به طور عمده در چارچوب اسلام مشخص می‌شود. جامعه روحانیت با حدود ۲۵۰/۵۵۵ عضو با امکانات وسیعی که در سطح جامعه ما داشت توانست به طور وسیعی چه در شهرها و چه در دهات به طور پیگیر در طی یک سال بر علیه رژیم وابسته مبارزه کند. عمده افرادی که به طور مشخص الان در رأس کارند به طور عینی در مبارزه شرکت داشته اند. چگونه ممکن است در جامعه های که یک نهضت به این وسیعی در چنین ابعادی بوجود بیاید و بتواند از نقطه نظر نظامی امپریالیسم را به طور کامل بکوبد، دسته های جاسوس و وابستگان آن را جلوی گلوله بگذارد و همان روز و همان ساعت بعد از یک چنین نهضتی که سراسر جامعه ما را فرا گرفته بود، یک دولت وابسته دیگری در همان روز بیاید سر کار، این قضیه از نظر علمی امکان پذیر نیست، انگار قوانین علمی تاریخ است که نهضتی در چنین ابعادی بوجود بیاید بارهبری یک سلسله افراد شناخته شده نظیر آیت الله خمینی و هم طالبانی، و کلیه وابستگی ها بر امپریالیسم حفظ شود و هیچ تغییری هم در واقعیت امور جامعه بوجود نیاید. این قضیه از نظر علمی غیر ممکن است.

در صورتی که در کشور های تحت سلطه نمایندگان خرده بورژوازی را دیکال و بورژوازی ملی می‌توانند به قدرت رسیده برای مدت مدیدی حکومت را حفظ بکنند ولی ما مطرح نمی‌کنیم که می‌توانند الی الابد به حاکمیت امپریالیسم پایان دهند. این بر خلاف مارکسیسم - لنینیسم و اندیشه ماؤ است. چنین چیزی امکان پذیر نیست. ولی مساله این است که وقتی یک چنین قدرتهائی بر سر کار بیایند تا تکنیک و استراتژی نیروها و

است یا وجود اینکه لیدرهای نهضت ملی مسر از طبقه بورژوازی و دارای عسوان بورژوازی بوده و مخالف سوسیالیسم هستند، در صورتی که مبارزه حکومت کارگری در انگلستان در راه حفظ وضع غیر مستقل مصر به همان علت بالا مبارزه ارتجاعی است، استالین در ادامه کار خود می‌نویسد: من دیگر راجع به نهضت های ملی سایر کشورها از قبیل هند و چین صحبت نمی‌کنم که هر قدم آنان در راه خلاصی، اگر هم منافی دموکراسی رسمی باشد، معذالک مثل ضربه چکشی بر مغز امپریالیسم بوده و بیشک قدم انقلابی محسوب می‌شود. لنین حق داشت که می‌گفت نهضت ملی کشورهای مظلوم را نباید از نقطه نظر دموکراسی تشریفاتی مورد توجه قرار داد بلکه باید از نظر نتایج واقعی آن در تراز نامه عمومی مبارزه ضد امپریالیستی به آن سمت نگذاشت.

با توجه به آنچه گفته شد هر چهار شکل فوق که از طرف چپ های افراطی بیان می‌شود غیر علمی می‌باشند. روی کار آمدن حکومت های ملی در مصر در زمان ناصر - در اندونزی بوسیله سوکارنو - در غنا در زمان نکرومه - در ایران زمان مصدق - در کنگو زمان ساريس لومومباو ... و در حال حاضر نیز در تانزانیا - لیبی - الجزایر - سوریه - گینه - همگی دال بر این هستند که حکومت های ملی غیر پرولتری می‌تواند بر سر کار بیاید. اینکه بتواند بر سر کار بماند یا نه - و طول مدت آن بستگی دارد به همکاری داخلی نیرو های پیمانگ طبقه کارگر و در خارج نیز همکاری کشورهای مترقی و توده های.

از این رو اگر توجه شود به مجموعه فعالیت هائی که بوسیله دولت و مسئولین انقلاب انجام گرفته است، خواهیم دید که در ایران نیز یک دولت ملی که ترکیبی از خرده بورژوازی و بورژوازی ملی است، سر کار آمده است. در مسائل سیاسی نکاتی گفته شد. از نظر اقتصادی اقدام دولت در جهت افزایش قیمت نفت از ۱۲ دلار به ۲۴ دلار که از سال ۵۳ در اترنشار شاه مسکوت مانده بود. به اقرار وزیر نفت لیبی و الجزایر، موضع قاطع ضد امپریالیستی بود که دولت ایران از خود نشان داد. لغو قرار داد ۹ میلیارد دلاری نظامی امریکا - جلوگیری از ورود کالا های غیر ضروری غربی لغو ارداد های راکتور های اتمی و صنایع ساختمانی غرب - ازدیاد قیمت گاز - تصویب قانون حفاظت صنایع ملی - کمک ۳/۵ میلیارد تومانی به امر کشاورزی و صنایع کوچک داخلی - اقدام جهت ازدیاد تولید فولاد از ۴۵۰/۵۵۵ تن به ۲ میلیون تن - کنترل دولتی بر بانکها و

و عوامیک و حتی ویتنام نیز وضع بر همین سوال می‌باشد و هنوز سرمایه های غربی موجود می‌باشد. از طرف دیگر اگر دولت فعلی ملی سود دلیل ندانست که فریاد امپریالیست های امریکائی و غربی با همان بلند شود و این چنین تبلیغات زهر آگین از امریکا و آلمان و انگلستان و آفریقای جنوبی و اسرائیل علیه ایران انجام پذیرد و حتی دست به مصادره میلیارد ها دلار اموال دولت ایران در امریکا برسد و اگر در اینجا امپریالیسم شکست خورده است دلیل نداشت که دولت های مترقی نظیر الجزایر و سوریه، و نهضت های آزاد بخش نظیر جنبش فلسطین و اریتره، و بولساریو، و جنبش میلیین آنرا تأیید کنند و با دولت ایران اعلام دوستی بنمایند از طرف دیگر اگر در اینجا امپریالیسم شکست خورده است و دولت ملی بر سر کار نیامده دلیل ندارد که دولت های ضد امریکائی نظیر دولت شوروی ( البته از موضع امپریالیستی ) و آستگاس نظیر کشورهای بلوک شرق و کوبا و سن جنوبی آنرا تأیید بنمایند. این برخورد های بین المللی همگی با ماهیت ملی دولت همراهی دارند. ولیکن با توجه بنگاه فوق از آنجائیکه اعتقاد داریم هنوز امپریالیسم شکست کامل نخورده است بایستی با اتحاد نیرو های مترقی امر استقلال مملکت را با تکامل انقلاب بیابان برسانیم.

اگر به تاریخ جامعه خودمان نگاه کنیم می‌بینیم که در همان دورانی که فودراتر و سیه و انگلستان در ایران شروع می‌نمود، روحانیت یک نقش صدامپریالیستی بخودش میگرد. در انقلاب مشروطیت می‌بینیم که روحانیت و نیرو های ناسیونالیستی و همسپور نیرو های ضعیف سوسیالیزم انقلابی که در وجود افرادی نظیر حیدر خان عمواوغلی مجسم می‌نمودند، دست به مبارزه می‌زنند و مشروطیت بدست می‌آید. اما به مجرد اینکه وحدت این نیروها بهم میخورد انقلاب با شکست مواجه می‌شود.

از سال ۱۳۲۵ با بنظر طرف هم در ماجرای نفت و نهضت بزرگ ملی با سه جریان روبرو هستیم که تا موقعیکه اینها متحد بودند و در کنار هم حرکت می‌کردند به امپریالیسم ضربات قاطعی وارد می‌نمود ولی به مجرد اینکه روحیه های چپ روی و روحیه های انحصارگری شروع می‌شود، زمینه فراهم می‌شود برای نفوذ یک امپریالیزم خطرناکتر بنام امپریالیزم امریکا. در حال حاضر نیز ما هم با این امر روبرو هستیم در جریان نهضت اخیر رهبری قاطعی که از طرف امام خمینی نشان داده شد امکان پذیر گردید که نیرو های وسیع مذهبی و نیرو های ناسیونالیستی و سوسیالیزم انقلابی بدور هم جمع شوند و دست به یکی از بزرگترین مبارزات توده های برنند.

کارگر کسانیکه به امر واقعی استقلال مملکت ما فکر می‌کنند می‌دانند که امروز تضاد عمده تضادی است بین استقلال و حملات دوا بر قدرت امریکا و شوروی. نیرو های مترقی میدانند که بایستی به یک سلسله همکاری که منجر به وحدت وسیع بشود بایستی دست زد. سوسیالیزم انقلابی، جنبش ناسیونالیستی جامعه ما و اسلام مترقی باید در کنار هم قرار بگیرند تا امر وحدت خلق جامعه عمل بشود.

## ● کردستان: انقلاب

با تکیه به توده های دهقانی و دادن زمین به دهقانان فقیر کم زمین و بی زمین - کمک های فنی، مالی و ... به دهقانان

برای بالا بردن تولید و قطع دست ربا خواران و سایر عناصر استثمار گر روستائی. - کمک به رشد بازار منطقه و ایجاد ارتباط با بازار سراسری کشور از طریق رشد تولیدات صنعتی با بسیج نیرو های محلی.

- طرح و پیاده کردن برنامه های ضربتی برای رفع بیکاری حاد در منطقه.

- اقدامات سریع رفاهی، بهداشتی، آموزشی، جاده سازی، تأمین آب و برق و ... با بسیج نیرو های زحمتکش محلی، جدا از بوروکراسی و خودداری از اجرای عملیات بنایستی.

- تأمین شرایط برای فعالیت آزادانه سیاسی گروه های غیر وابسته به بیگانه در کردستان. - تسخیر و محازات افراد خاطی که در یرو سه سرکوب ضد انقلاب نسبت به خلق ستم روا داشتند و اعلان رسمی عفو عمومی از طرف دولت همراه با روشن کردن دقیق عناصر ضد انقلابی غیر قابل عفو.

ما عمیقاً معتقدیم که خلق کرد، دولت مرکزی و ارگانهای انقلاب، و همه میهن پرستان می‌توانند با حرکت از منافع والای کشور و انقلاب با تصحیح اشتباهات خود، به سوی ایجاد یک اتحاد بزرگ ملی برای حل مسئله کردستان گام بر دارند.

نقش اساسی را برای تغییر اوضاع، توده های شریف خلق تشکیل می دهند. سازندگی کردستان یک جهاد ملی و یک مبارزه بزرگ ضد دوا بر قدرت امریکا و روسیه است. با شرکت فعال در این جنبش، انقلاب را گامی دیگر به جلو رانیم.







### نگاهی به

## روستای شیشه لرستان

جمعیت کل: حدود ۲۰۰ نفر  
نزدیکترین شهر بروجرд - ۸ کیلومتر  
جاده آسفالت و مقداری جاده خاکی، از اتومبیلهایی که در جاده اصلی رفت و آمد میکنند و نیز یک ماشین مینی بوس برای مسافران روستا متعلق به اهالی روستا وجود دارد.

وضع بهداشتی: روستا دارای حمام خزینه‌ای میباشد و از نظر بهداشتی و درمانی وابسته به درمانگاه جهان آباد میباشد. با عشاير مناسبات و روابطی ندارند زیرا در این اطراف نمی آیند.

وضع زندگی افراد روی هم رفته متوسط و عمومی و عموماً از راه کشاورزی حاصل میگردد.

محصولات عمده این روستا به ترتیب اهمیت: گندم، جو، پاقلا، چغندر قند و تریاک میباشد. منابع آبی آنها از رودخانه چاه و قنات تامین میشود و دیم کاری و بذر اصلاح شده ندارند، ولی از کود شیمیایی استفاده میکنند که در حال حاضر در سال جاری وجود این کود به مقدار کم و حتی هیچ، باعث بروز اشکالاتی در امر کشاورزی گردیده است، در ضمن از کود حیوانی برای صیفی کاری استفاده میکنند و در ضمن مساحت کل زمینهای کشت آبی بیشتر است.

از تراکتور استفاده میکنند، و باغ انگور مقداری از سطح زمینهای زیر کشت را در بر گرفته است.

در این روستا مفازه‌ای وجود ندارد و آنها کلیه مایحتاج خود را از شهر تهیه میکنند.

کشاورزان این روستا به نسبت زمینشان از شرکت تعاونی و بانک کشاورزی وام دریافت میدارند که البته بنا بر گفته اهالی، این وام نمیتواند جوابگوی نیازهای کشاورزی آنها باشد ولی بهر حال از شخص یا محل دیگری بعلت عدم دسترسی به آنها پول بعنوان قرض دریافت می کنند، مدرسه ابتدائی این روستا از سال ۴۳ تاسیس گردیده که ۴ سال آن سپاهی بوده و اهالی از کار و نحوه رفتار آنها اظهار رضایت می نمایند ولی در حال حاضر از معلمان فرهنگی در این روستا استفاده میشود. کلاس بزرگسالان در این روستا وجود

دامداری - در این روستا در حدود ۱۵۰ رأس گوسفند و ۱۵۰ رأس گاو وجود دارد و گوسفند برای پرورش دام گوشتی استفاده میکنند و نیز پس از تربیت آنها را بفروش می رسانند و نیز از فرآورده‌های دیگر دامی استفاده میکنند و تقریباً نصف درآمد روستا به دامداری آن بستگی دارد و تامین میشود. در این روستا زمینهای دولتی - وقفی و مشاع وجود ندارد.

زمینهای زیادی که متعلق به یکی از اربابان سابق میباشد تا قبل از این بصورت مکانیزه کشت و کار میشده ولی در حال حاضر این زمینها بحالت بایر و بدون کشت مانده اند که در حدود ۷۵ هکتار (با مقداری از روستاهای اطراف) میباشد و البته مقداری بیشتر در روستاهای اطراف متعلق به همین شخص به این صورت باقی مانده است، دو ارباب در روستا و حدود ۷۵ الی ۸۵ هکتار زمین دارند.

وضع اداری: انجمن ده داشته اند ولی در حال حاضر کدخدا به کارها رسیدگی میکند، خانه انصاف و پاسگاه ندارند و کدخدا از افراد مرفه روستا میباشد.

اصلاحات ارضی: تا قبل از اصلاحات ارضی که زمینها بصورت ارباب و ورعیتی کاشته میشدند در زمان اصلاحات زمین به دهقان که روی آن کار میکرد رسید و بقیه برای ارباب زمین باقی ماند که در حال حاضر این اربابان بازم صاحب مقدار زیادی زمین در روستا میباشند.

کل زمینهای این روستا روی هم رفته تقریباً در حدود ۳۰۰ هکتار میباشد که آن متعلق به دو نفر ارباب سابق و بقیه متعلق به روستائیان میباشد، زمینهای روستائیان توسط خودشان کشت و زرع میگردد، ولی زمینهای اربابان به دو صورت توسط کارگر و نیز مقدار کمی اجاره‌ای کاشته میشود بنابراین اظهارات اهالی در زمانی که زمینهای اربابان توسط کارگران کشت میشده است از وسایل مکانیزه کشاورزی مانند تراکتور و ماشین کمباین استفاده میشده است و محصول زیاد و قابل توجهی هم بدست می آمده است ولی پس از مرگ ارباب اصلی و تقسیم زمین بین ورثه ارباب، در حال حاضر به دلایل

### زنجیر

### گزارشی از

## جیرفت

روستای شیخ در ۵ کیلومتری بخش ساردومه در ۱۱۰ کیلومتری شهرستان جیرفت واقع شده است. حدود ۵۰۰ نفر ساکن دائمی این روستا هستند. در تابستان بعلت گرم بودن هوای جیرفت تا حدود ۱۰۰۰ نفر به این روستا می آیند.

مردم این منطقه به کار کشاورزی، دامداری و قالیبافی مشغولند. در این روستا هنوز نظام ارباب رعیتی وجود دارد و دهقانان مرفه، دهقانان فقیر را مورد استثمار قرار میدهند.

این روستا فاقد آب لوله کشی و برق و درمانگاه بوده و دارای یک مدرسه پنج کلاسه است که فقط یک اطاق دارد. قبلاً یک نفر سپاهی دانش برای حدود ۷۰ نفر دانش آموز تدریس می کرد. در این روستا باغهای درخت گردو وجود دارد که همیشه حداکثر نیازهای مردم از این طریق بر طرف میشود. چه بصورت صاحبان باغات و چه افرادی که

بصورت کارگر روز مزد برای برداشت گردو کار می کردند. ولی امسال بعلت سرمای دیررس صد درصد بار درختان را سرما زده و باعث از بین رفتن محصول شده که مشکل بزرگی برای درآمد روستا شده است.

در اینجا ۲۳ دار قالی وجود دارد که اکثر قالی هاغی به اندازه ۲×۳ و ۳×۴ بانقش کرمانی بافته میشود در این کارگاهها که در اطاقهای بی پنجره و تاریک و فاقد نور، دختر و پسر از ۶ ساله به بالا که اکثری سواد هستند و فقط چند نفری یکی دو کلاس شبانه خوانده اند کاری میکنند. در ابتدای ورودشان به کار قالیبافی بصورت ۲/۵ اجیر می شدند که کلاً حقوق بین ۱۵۰۰ تا ۱۷۰۰ تومان با روزی ۱۳ ساعت کار طاقت فرسا کار می کنند و بعد از ۲/۵ اگر کار یاد گرفته و بصورت استاد کار باشند به آنها سالی حدود ۲۵۰۰ تا ۳۰۰۰ تومان میدهند.

در هر دار قالی حدود ۴ - ۳ نفر از

### گزارشی از

## اسد آباد همدان

یکی از روستائیان حسن آباد طی نامه‌ای ستم فئودالها و مقاومت دهقانان و خواستهای آنان را تشریح می کند: این روستا از توابع اسد آباد همدان است. ما اهالی این ده از رهبری انقلاب، امام خمینی و دولت ملی مهدی بازرگان می خواهیم که جلوی ضدانقلاب را بگیرد.

در زمان طاغوت بزرگترین خیانت را بمادهقان کردند. زمین های حاصلخیز این ده را بنام مکانیزه و بزور سر نیزه زاندارمری آن زمان از دست ما دهقانان گرفتند.

بعد از شش سال زمین های کشاورزی این روستا را بعنوان بهره مالکانه از دهقانان زحمت کش به وسیله یکی از بزرگترین فئودالهای این منطقه گرفتند. و حالا هم به خیانت های خود نسبت به دهقانان ادامه

می دهند و از دست دهقانان زمینها را در آورده است. بعد از پیروزی انقلاب که امام خمینی دستور فرمودند زمین مال آن کسی است که رویش کار می کند، ولی دو مالک که

جوانان کم سن و سالی با رنگهای پریده و در محیط نمناک کار میکنند. مدت زمانیکه هر قالی بافته می شود حدود ۵۰ روز طول می کشد و قیمتی که ارباب آنرا می فروشد حدود ۸۵۰۰ تومان است که هر قالی حدود ۲۵۰۰ تومان نخ و ریس برای ماده اولیه می برد و با توجه به حقوق کارگران سهم ارباب حدود ۵۰۰۰ تومان می شود. صاحب این کارگاههای قالی بافی اکثراً از دهقانان مرفه هستند. دهقانان فقیر و خوش نشین بعلت بی چیزی مجبور می شوند کودکان خردسال خود را با قیمت کمی در مقابل کار طاقت فرسای کارگاه بفروشند.

برخی از خواستهای دهقانان فقیر و خوش نشین چنین است:

- ۱- شرکت فرش باید در امر خرید و فروش قالی دخالت داشته باشد.
- ۲- کارگاههای بهداشتی برایشان بسازد.
- ۳- کارگران باید بیمه شوند.
- ۴- روزانه ۸ ساعت کار کنند.
- ۵- از مرخصی سالیانه با حقوق و مزایا برخوردار باشند.
- ۶- شرکت فرش باید نرخ فروش عادلانه تحت اختیار آنها بگذارد.

محکوم و محرک شناخته و آنها را تحویل زندان می دهند. بنظر می رسد یکی دو نفر در دادگاه طرفدار مالکین می باشند که شخصی هست که خودش فئودال هم است و جزو کمیته

اسد آباد همدان هم می باشد. اینها طوری در دادگاه دست داشتند که مدت ۷ روز ضمانت را نمی گذاشتند قبول کنند، فرزند مهدی رضائی بنام هادی در این مدت ۷ روز چندین شکایت به استانداری همدان، به دادگستری همدان، به حجت الاسلام و المسلمین آقای همدان، و به حجت الاسلام آقای عالمی یک عالمی نموده است. از طرف آقای عالمی یک نامه به حجت الاسلام آقای شیخ کاظم حمزه‌ای نوشته و از ایشان آزادی این دهقانان را خواستار می شود. و آنها از زندان همدان بدستور ایشان آزاد می شوند.

امروز ما دهقانان این ده از رهبری انقلاب و دولت مهدی بازرگان می خواهیم که ما را در مقابل این زالو صفتان حمایت کنند که ما بتوانیم به آبادانی و به انقلاب وطن مان خدمت کنیم. ما تنها امیدمان به رهبری امام خمینی است که دستور بفرماید تمام دهقانان ایران از زیر ستم و ظلم این هزار فامیل بیرون بیایند و دوش بدوش پاسداران انقلاب از ایران عزیزمان پاسداری کنیم.

ما از خواستهای این روستائیان تحت ستم پشتیبانی می کنیم و از دولت و مقامات مسئول می خواهیم که نسبت به رفع مشکلات آنان اقدام نمایند.

از مملکتان فرهنگی در این روستا استفاده میشود. کلاس بزرگسالان در این روستا وجود ندارد، و اکثر زنان وحتى تقریباً تمامی آنها بیسواد هستند. جوانان روستا فقط افرادی که از زمان تاسیس مدرسه، به مدرسه رفته‌اند سواد دارند و افرادی که دارای بودجه مالی کافی بوده‌اند دنبال درس و تحصیل را در شهر گرفته‌اند و گرنه اکثر آنها تحصیل را نیمه کاره رها کرده و به کار کشاورزی و کمک به خانواده پرداختند و اینها اغلب افرادی هستند که دیگر افراد خانواده آنها یارا و توانایی کارها را نداشته‌اند.

در سالهای اخیر در این روستا مهاجرت صورت نگرفته.

صنایع خانگی در روستا وجود دارد و کارگاههای کوچک در منازل برای احتیاجات شخصی بکار می‌رود.

ولی پس از مرگ ارباب اصلی و تقسیم زمین بین ورثه ارباب، در حال حاضر به دلایل مجهولی این زمینها کشت نمی‌شوند و بطور بایر و متروک باقی مانده‌اند، این زمینها در سطح روستاها هم گسترده‌اند و از اطراف سیلوی بروجرد شروع شده و تا نزدیکی روستای جهان آباد در مقابل این روستا می‌باشند که سطح وسیعی از زمینهای این منطقه را تشکیل میدهند و این موضوع باعث کسری کار کشاورزی این روستا و نارضایتی آنها گردیده در زمان کشت این زمینها، افراد محلی بصورت کارگر کشاورز با مزد ۱۰۰ الی ۱۵۰ تومان در روز به نسبت مقدار و ساعت کار به کارگمارده میشده‌اند که در حال حاضر بیکار شده‌اند و رسیدگی به موضوع زمینهای مورد بحث یکی از خواسته‌های مهم اهالی این منطقه میباشد.

### ● دانشگاهها در ...

را بر روی همین جریانهای محقانه بحسب وجوه می‌اندازد و سهمیه‌ها ترتیب به هرج و مرج ضد انقلابی را من میزند.

ببینیم در محیط دانشگاهها و مدارس چه چیزهایی میتواند مستمسک قرار گیرد و بر خورد صحیح با آنها چگونه باید باشد؟

بعقیده ما دوسری از مسائل وجود دارند: اول مسئله تزکیه و پاکسازی است که خواست دانشگاهیان و استادان و کارمندان است. دوم مسائل مربوط به فعالیتهای فوق برنامه و صنفی و سیاسی که عموماً مورد توجه دانشگاهیان میباشد.

در مورد اول شواهد حکایت یک نارضایتی از امر تزکیه و پاکسازی دانشگاهها و مدارس میکند منظور ما در اینجا آن نارضایتی است که محقانه هستند و از بیکار شدن مشی انحصار طلبی و گذاشتن معیارهایی غلط مانند تصفیه بر مبنای اسلامی بودن یا نبودن و غیره ناشی شده‌اند. تاکنون اعتراضات بسیاری به بعضی از تصفیه‌ها شده است. در مواردی از جمله استادان و معلمین تنها بجرم نبودن تصفیه شدند و در مقابل عده‌ای از خدمتگزاران شناخته شده رژیم سابق صرفاً بخاطر ریگ عوض کرده‌اند و عوام

فریبانان ظاهراً "سلامی" بخود گرفته‌اند بخشیده شده و با حتی ارتقاء مقام یافتند.

شکی نیست که اینگونه سیاستها در مسیر انقلاب نیست و اگر تصحیح نشوند، دامنه آن از اعتراضات سالم فراتر رفته و بصورت بهانه و مستمسکی قرار میگیرد که مفرضین و چپ‌نماها کل جریان فعالیت‌های پاکسازی را بیزیر سوال بکشند و از اشتباهات مرتکب شده در این زمینه برای بسیج دانشجویان و استادان علیه دولت ملی و ایجاد هرج و مرج سوء استفاده کنند.

در اینجا روی سخن ما بیشتر با توده‌های وسیع دانشجویان، استادان و معلمین و کارمندان است که صادقانه و بطور سازنده در برتو وحدت انقلابی، تصحیح امور پاکسازی کمک کنند و در انتقادات خود و یا اعتراض به موارد نادرست مستقل بیندیشند و در پیش بردن نظرات خود منافع عالی استقلال مین یعنی مبارزه بیکارچه بر علیه ضد انقلاب وابسته به ابر قدرت‌ها را در مدنظر داشته باشند در غیر این صورت یعنی در صورتیکه اکثریت با خط مشی صحیح وحدت اسلام مبارز، ملی‌گرائی مترقی و سوسیالیسم انقلابی عمل نکنند، ابتکار عمل یک جنبش سالم بدست عناصربچ‌نما و پس از آنها بدست عناصردانقلابی خواهد افتاد که

آنوقت کل حرکت از مسیر انقلابی خود منحرف شده و بهانه‌ها حرکتی ضد انقلابی تبدیل خواهد شد.

از اینرو با بددین‌ترین تمرکز آتش بروی افساء چپ‌نماها، با انحصار طلبی هم مبارزه کرده شرکت نیروهای استقلال خواه و میهن پرست و ایحاد محیط دمکراتیک در دانشگاه کمک موثری در امر ساخت و آگاهی سیاسی توسط دانشجویان و مرزبین اسلام مبارزان و احزاب و سوسیالیسم علمی و چپ‌نما، ناسیونالیسم مترقی و دمکراتهای وابسته را روشن خواهد کرد و اتفاقاً ایحاد چنین محیطی چپ‌نماها و اغتشاش طلبان را مثل جن "ازبسم اله خواهد ترساند.

در مورد دوم یعنی فعالیتهای فوق برنامه و صنفی - سیاسی دانشجویان از بعد از ما حرای یکشنبه تهران صحبت‌هایی در مورد داشتن تامين و امنیت کافی در محیط دانشگاهها میشود. اگر چه بهانه حوئی و خط مشی تحریک آمیز چپ‌نماها در این مورد بوضوح تشخیص داده میشود ولی خود مسئله داشتن تامين برای فعالیتهای فوق برنامه محقانه است و باید بیدریغ امکانات آن تامين گردد.

معمولاً آنچه که تاکنون در این مورد انجام میشد صرفاً بر مبنای عکس العمل در مقابل مشی انحرافی چپ بود که این عکس العمل خشک و تر را با هم میسوزانند. حمله به اجتماعات دانشجویی، حمله به کتابخانه و محلهای فعالیتهای دانشجویی نابود کردن اشیاء و پاره کردن وسوزاندن کتابها و اعلامیه‌ها و حتی حمله‌های گاه و بیگاه به خوابگاهها و بازرسی توسط افرادی که معلوم نبود از کجا دست‌سور میگیرند و امثال اینها همه حکایت از وجود یک روش غیر مسئول و کنترل نشده در این اوضاع دارد که نمیتواند "فرصت طلایی" در اختیار عناصربچ‌نما و چپ‌نماها بدست طیف نسبتاً وسیعی را بروی خط خود بسیج کنند.

اوضاع را خلاصه کنیم:

محیط مدارس و دانشگاهها آماده بهره برداری چپ‌نماها و تحریکات ضد انقلاب برای ایحاد اغتشاش است. در حالیکه اکثریت عظیم دانشگاهیان خواهان محیط سالم هستند، محدود کردن آزادیها و فعالیتها، بدترین شیوه برخورد به منحرفین و ضد انقلاب است. اشتباهات انحصار طلبی انجام گرفته است و طواغران نشان نمیدهد که اکثریت بروی یک خط مشی صحیح بسیج باشد در صورتیکه باید توده‌های دانشجویان و معلمین و کارمندان مومن به انقلاب متحد شوند و اوضاع را در پانصد وادانگاهها را با رعایت آزادیها و فعالیتها تحت هدایت یک خط مشی سیاسی صحیح در خدمت به ادامه انقلاب در آورند.

### ● مراسم پر شکوه ...

انقلاب، انقلاب هرگز وقفه ندارد - آمریکا، شوروی راه نفوذ ندارد. - راه سعادت با جهاد و اتحاد است - بدبینی و تفرقه ریشه فساد است. - رهبری خمینی اساس وحدت ماست. - خلق دمکرات نمی‌خواهد، کرد جدایی نمی‌خواهد. - هفدهم شهریور سر آغاز جهاد است، خون شهیدان ما خاتمه فساد است. بطرف میدان شهدا رفتند.

مراسم بزرگداشت شهدای آیت‌الله از قرآن شروع شد. سپس پیام پاسداران انقلاب اسلامی خوانده شد: ما پاسداران با قاطعیت و جان برکف با دسیسه‌ها و خیانتی که علیه انقلاب در نقاط مختلف مملکت ما ظاهر می‌شود ایستادگی می‌کنیم.

سپس حجت الاسلام رفسنجانی ضمن اشاره‌ای به چگونگی پیروزی انقلاب اسلامی گفت: عمال امپریالیسم شرق و غرب و کسانی که منافع خودشان را با این انقلاب از دست داده‌اند، دیدند که دیگر جایی در این انقلاب ندارند بعد شروع کردند به توطئه که با هوشیاری مردم و رهبری هوشمندانه ما شکست خوردند.

پس از آن ابو شریف فرمانده عملیات پاسداران انقلاب اسلامی در پیام خود گفت: شهیدان ما در یک هفته پیش در مهاباد - بانه - سفر - با دادن خون خود یکبار دیگر

مرگ استعمار و استثمار را ثابت کردند. برادران و خواهران توطئه امپریالیسم جهانی و دشمنان اسلام هنوز باقی است. ما در مرحله اولیه انقلاب هستیم.

سپس متن قطعنامه ۱۱ ماده‌ای راهپیمایان هفده شهریور خوانده شد. شرکت وسیع مادران دلیر و قهرمان و زنان مبارز که شهدای بسیاری داشته‌اند در تظاهرات بسیار چشمگیر بود و ضربیه محکم دیگری بود به دشمنان انقلاب، آنها نشان داده‌اند که تا پیروزی کامل با قاطعیت و متحد و یکپارچه به راه شهیدان خود ادامه خواهند داد.

مراسم بزرگداشت هفدهم شهریور در شهرستانها نیز با شکوه برگزار شد. طبق گزارشی از کرمانشاه بزرگداشت هفدهم شهریور در این شهر با شکوه خاصی برگزار شد. در این تظاهرات گروه بسیار کثیری از طبقات مختلف مردم شرکت کردند و با دادن شعارهایی چون آمریکا، شوروی مرگ به نیرنگان - خون شهیدان ما می‌چکد از چنگتان - نشان دادند که در مقابل توطئه‌های ابرقدرتها هوشیارند و هر گونه توطئه‌های خائنانه را با وحدت خود از میان خواهند برد.

خاطره تابناک شهیدان ۱۷ شهریور را گرامی می‌داریم و راه بر افتخارشان را ادامه می‌دهیم.

اظهارات فرمانده نیروی دریایی کویت درباره تنگه هرمز

\* یونایتد پرس - ۲۷ مرداد - سرهنگ "حبیب الصیل" فرمانده نیروی دریایی کویت، امروز اعلام کرد، تنگه استراتژیکی هرمز در دهانه خلیج فارس باندازه کافی عریض و عمیق است و با غرق یک تانکر نفت کش مسدود نمیشود. سرهنگ الصیل ضمن اظهار نظر درباره هشدار آمریکا دایر بر اینکه چریکهای فلسطینی ممکن است برای جلوگیری از حمل نفت خلیج فارس به ایالات متحده و اروپای غربی، یک تانکر نفتکش را در تنگه هرمز غرق کنند، گفت تنگه هرمز در باریکترین نقطه ۲۷ تا ۳۰ مایل عرض دارد و عمق آن در بعضی نقاط به ۲۵ فوت میرسد و هیچ تانکری کشتی وجود ندارد که در صورت غرق شدن بتواند این گذرگاه آبی را مسدود کند.

در واقع ابر قدرت آمریکا برای آنکه زمینه نفوذ مجدد خود را در خلیج فارس و حضور نظامیش را امری اجتناب ناپذیر جلوه دهد به چنین بهانه‌هایی متوسل می‌شود.

# اعتراف قاسملوبه وابستگی به روس

دکتر چمران معاون نخست وزیر درامورا انقلاب که فرماندهی نیروهای اعزامی به کردستان را عهده دار است، در مصاحبه اخیر خود در روزنامه "بامداد" (دوشنبه ۱۹ شهریور) در مورد مسئله دخالت قدرتهای خارجی و رابطه آنها با حزب دمکرات چنین گفت:

"دیدیم که حزب دمکرات و دیگر احزاب چپ نما با همکاری دولتهای خارجی در صدمقاومت مسلحانه برآمدند و راهها را بستند و در حقیقت میتوان گفت قیام مسلحانه کردند..... اینها مطمئن بودند که در مقابل این قیام، دولت شکست خواهد خورد و دولتهای خارجی از آنها پشتیبانی خواهند کرد و حتی خود آقای قاسملو در حدود دو هفته قبل در یک سخنرانی بزرگ در مهاباد گفته بود که دولت روسیه مسارا را فراموش نخواهد کرد و اگر کار بالا بگیرد، دولت روسیه به طرفداری حزب دمکرات وارد ممر که خواهد شد...."

هر روز که می گذرد دخالت های امیرالیسم روسیه دروقایع کردستان آشکارتر می شود. سرسپردگی بعضی از سران فعلی حزب دمکرات به اربابان روسی شان و ارتباطات آنها با دارو دسته گیانوری از مدت ها پیش برای بسیاری از نیروهای ملی و انقلابی روشن بود. امروز دیگر قاسملو نه تنها به ارادت خود به روسیه صریحا اقرار کرده است بلکه بسیار هم به این سرسپردگی به روسیه افتخار هم میکند. البته پیدا شده اند کسانی که در لباس دلسوزی برای انقلاب میخواهند مسئله دخالت امیرالیسم روسیه در حوادث فدا انقلابی کردستان را پرده پوشی و نفی کنند، اما با گذشت هر روز واقعیات بیشتر برملا می گردند و سرانجام اینگونه افراد و سیاست سازشکاران شان در قبال امیرالیسم روسیه چندان درخشان نخواهد بود.

# «چپ» ها و کردستان

انقلاب، مفرور شدن به قدرت و نیروی خود و کم بها دادن به عنصر سیاست در مقابل تفنگ نیست؟ شما چگونه به خود حق دادید که وظیفه خدمت بخلق و کمک به تشکل دهقانان و حل مسائل مرحله ای انقلاب را بپذیرد برق سر نیزه های روسی فراموش کرده و به زیر برق سوسیال شوونیستی دمکراتهای روسی جمع شوید؟ راهی که شما در پیش گرفتید به کجا منتهی شد؟ و چه کسانی از حاصل و ثمر فعالیتها و اقدامات شما که در جهت خدمت به مردم زحمتکش و رفع ستم مضاعف ملی و طبقاتی به دهقانان کرد بود، سود جست؟ شما با ندیدن واقعیتها و عدم توجه به این مسئله که با حمله به دولت عملا "در مبارزه ضد امپریالیستی مردم ما اخلال می کنید، با ندیده گرفتن خطر شوروی به عنوان یک قدرت تجاوزگرا امپریالیستی و اتخاذ خط مشی انحرافی و همچنین ارزیابی نادرست از اوضاع و در پیش گرفتن شیوه های ماجراجویانه و ضد مردمی کار را به آنجا کشانید که با قاسملوها در یک سنگر قرار گرفتید و عملا "به ابزار اخلال ابر قدرت روسیه برای تضعیف انقلاب ایران تبدیل شدید.

نتیجه اینکارها چه بود؟ باز شدن پای ابر قدرتها و بخصوص ابر قدرت متجاوز روسیه به منطقه، بدنام کردن نیروهای چپ و معرفی آنها به عنوان عامل اخلال ابر قدرتها در انقلاب، و دادن فرصت به انحصار طلبان که امکان هرگونه فعالیت را از نیروهای مترقی و میهن دوست چپ سلب نمایند.

باید از اشتباهات گذشته برای اجتناب از اشتباه در آینده بند گرفت. ماؤتسه دون

آموزگار کبیر پرولتاریا به ما می آموزد: "ما با آموختن از اشتباهات و پس نشینی ها با درایت تر شده ایم و از اینجهت کارمانرا بهتر اداره میکنیم. برای یک حزب سیاسی و یا یک فرد مشکل است که از اشتباه برکنار بماند، اما ما میخواهیم که حتی الامکان کمتر اشتباه رخ دهد. همینکه اشتباهی روی داد، باید فوراً تصحیح شود، البته هرچه زودتر و هر چه کاملتر، بهتر."

بنابراین هنوز هم دیر نشده است. و بازگشت آرامش به منطقه، زمینه برای حل مسائل متعددی که باعث بوجود آمدن این فاجعه ها شده است مساعد است. نیروها و سازمانهای چپ چه نقشی می توانند در اینجا داشته باشند؟ کردستان از محرومترین مناطق کشور است و در جریانات اخیر نیز به شهرها و روستاها و به تولیدات این منطقه آسیب های شدیدی وارد شده است. نیروهای چپ می توانند نقش مثبتی در سازندگی منطقه و ترمیم خرابیها داشته باشند. فرار طلبی، بریدن از توده ها و سر به کوه زدن و یا به کنج خانه خزیدن و اعلامیه و شبنامه چاپ کردن، در این شرایط هیچ خدمتی به امر ادامه انقلاب و حل مسائل و مشکلات مردم ما نمی کند و باعث منفرد شدن هرچه بیشتر این نیروها از مردم و مرگ حتمی آنها خواهد شد.

درست است که دولت و مقامات مسئول در سرکوب ضد انقلاب تمایز نمی گذارند و با اصطلاح تر و خشک را با هم میسوزانند، ولی این امر بهیچوجه نمیتواند عکس العمل گرایش انحرافی به "چپ" را از طرف نیروهای سیاسی و عناصر صادق بویژه در کردستان توجیه نماید.

باید بین مردم رفت و در سازندگی

منطقه شرکت کرد. تنها نتیجه جدا شدن از توده ها، منفرد شدن، ناتوانی و پناه بردن به ابر قدرتهاست. اگر روی مشی نادرست پافشاری شود، این مشی خیلی ساده به یک انحراف جدی تبدیل می شود، بخصوص با توجه به نقشی که ابر قدرتها در این اوضاع دارند سه راه بیشتر در برابر ما قرار ندارد. یا اتکاء به امپریالیسم آمریکا، یا اتکاء به امپریالیسم شوروی و یا استقلال و اتکاء به توده ها. کوچکترین غفلت ما افتادن روی خط انحرافی و تبدیل به ابزار این یا آن ابر قدرت خواهد بود.

نیروهای چپ در کردستان باید در مقابل توده ها بطور علنی از خود انتقاد نموده و صادقانه و صمیمانه اعلام کنند که اشتباه کرده اند تا از این طریق اعتماد توده ها را به خود جلب نمایند.

شما با انتقاد از خود، اصلاح خود، بند گرفتن از اشتباهات گذشته و گام برداشتن در جهت منافع و مصالح توده ها می توانید نقش موثری در پیشبرد انقلاب، ادامه و تعمیق آن و خدمت بخلق ایفا نمایید. اینکار با حل مناسبات وحدت - مبارزه با دولت و مرز بندی با ابر قدرت روسیه و رهبری حزب دمکرات و کوشیدن از جان و دل برای حفظ دستاوردهای انقلاب و شرکت در سازندگی منطقه و... امکان پذیر است. بدون مرز بندی قاطع ضد امپریالیستی و ضد دوا بر قدرت و در اینمورد بخصوص بدون داشتن یک مشی مستقل و موضع قاطع علیه ابر قدرت روس و نوکران و کارگزارانش، هیچ خدمتی نمیتوان به خلق کرد نمود.

# مارکسیست

ولی نه می توانست تحکیم شود و نه با توده ها پیوند عمیق برقرار کند. عقب نشینی و پس روی به زودی شروع شد. مبارزه خط مشی ای متوجه انحراف چپ در حزب تحت رهبری "چارو مازومدار" اولین دبیر کل حزب بود. این مبارزه به طور دمکراتیک به جایی نرسید و بالاخره در سال ۱۹۷۱ به انشعاب منجر شد. دو کمیته مرکزی یکی به رهبری "چارو مازومدار" و دیگری به رهبری "ساتیاناراین سینگ" همزمان تشکیل شد و فعالیت می کرد.

در این زمان هیات حاکمه بورژوا - فئودال، از اشتباهات مشی چپ و اختلافات در حزب استفاده جست و دهها هزار کمونیست انقلابی را سرکوب کرد و زندانی و شکنجه نمود. هزاران نفر کشته شدند. خود "چارو مازومدار" نیز در سال ۱۹۷۲ دستگیر شد و به قتل رسید. مبارزه نه تنها به عقب برگشت، بلکه انشعابات و فراکسیونهای بیشتری هم در گروهها ایجاد شد. بطوریکه از این انشعابات بیش از ده گروه مختلف ساخته شد. هزاران کمونیست پشت میله های زندان بودند و نیروهای حزبی متفرق و گروه و گروه شده بودند. طبقات حاکمه و رویزیونیستها تبلیغ می کردند که از مبارزات "ناکسال باری" دیگر چیزی نمانده است. ولی این صحت نداشت و مبارزه ادامه

بر خورد خصمانه تا پایین ترین سطوح اعضای این سازمانها رواج یافته بود. رشد عینی مبارزه و بخصوص خطر سوسیال امپریالیسم برای هندوستان نیاز به وحدت مارکسیست لنینیست ها را افزایش می داد. و بالاخره علیرغم همه مشکلات عینیات بر ذهنیات غلبه یافت. اتهامها و ادعاهای متوقف شد. فعالین سازمان تحت رهبری "ونیودامیشرا" به سازمان تحت رهبری "ساتیاراین سینگ" نزدیک می شدند. سازمان تحت رهبری "ونیودامیشرا" در کنفرانسی که از ۶-۱۲ اردیبهشت سال جاری بر گزار نمود، دست به ارزیابی مجدد از مواضع خود زد و در سهائی را از گذشته استنتاج نمود و بالاخره سازمان تحت رهبری "ساتیاراین سینگ" را یک سازمان مارکسیست لنینیستی ارزیابی کرد و تشخیص داد که وحدت با آن در همه سطوح برای انقلاب هندوستان ضروری است. براین مبنی مذاکرات دو سازمان انجام شد و در پایان یک بیانیه مشترک صادر گردید.

در این بیانیه ضمن تشریح ضرورت وحدت م - ل ها و کمونیستهای انقلابی، برای مبارزه بر علیه دو ابر قدرت به ویژه سوسیال امپریالیسم شوروی به عنوان منشاء اصلی جنگ جهانی و نوکران داخلی شان، پیشنهاد همکاری های دو سازمان را تحت شعارهای مشترکی طرح نمودند.

در این بیانیه آمده است در شرایطی که جنگ جهانی اجتناب ناپذیر می شود خلق

# درگیری ۱۷ شهریور در رشت

ماجرای روز ۱۷ شهریور رشت آئینه و انعکاسی از وضع نا درست موجود در بسیاری از نقاط دیگر کشور هم هست. ما عمیقاً معتقدیم که تبلیغات انحرافی چپ نماها باید وسیعاً افشاء و با آنها مبارزه گردد، اما این مبارزه باید سیاسی و افشاء گرانه بوده و منجر به درگیری نشود. عده ای که بجای افشای گری سیاسی دست به حمله می زنند علاوه بر دامن زدن به هرج و مرج که به سود دشمنان تمام می شود، در میان مردم حقانیت مبارزه علیه چپ نماها را هم لوٹ می کنند.

مبارزه با سیاستها و اعمال انحرافی چپ نماها مبارزه ای به حق و در خدمت ادامه پیروزمند انقلاب است، اما شرط دیگر پیشبرد صحیح آن تمایز گذاری میان نیروهای چپ واقعی، یعنی چپ های مستقل و متحد با انقلاب و چپ نماهای منحرف و تمایز گذاردن

مورد صرب و جرح چپ نماها قرار گرفته و زخمی می شود، و او را به وسیله چوب و پنجه یکس مجروح کرده اند. در همین جبین چپ نماها شروع به دادن شعارهای "مرگ بر ارتجاع، پیروز یاد انقلاب" می کنند. ضمناً مردم از این جریان خیلی ناراحت بودند که چرا همچنین اتفاقاتی افتاده و بین خود چپ نماها هم کلی اختلاف بود که چرا ما چنین عکس العمل چپ روانه ای انجام داده ایم که به این جریان منجر شده است.

در همین حین یاساران سر می رسند و شروع به سنگر گیری می نمایند ولی درگیری به وقوع نمی پیوندد.

رئیس شهر یانی رشت برای حل مسئله خواستار سخنرانی می شود ولی از دهام باعث می شود که نتواند صحبت کند. از طرف

خبر نگار ما از رشت گزارش زیر را در مورد ماجرای برخورد های روز ۱۷ شهریور در این شهر، فرستاده است:

از چند روز پیش شعارهایی بر علیه دولت، رادیو تلویزیون و غیره به طرفداری از مطبوعات مزدور یا منحرف و حزب دمکرات و... به در و دیوار شهر به چشم میخورند، ضمناً چند شمار پارچهای از طرف هواداران بعضی نیروهای چپ نما در شهر نصب شده بود که روی آن نوشته بودند "در اولیسن سالگرد گرامی داشت ۱۷ شهریور، حاکمیت جدید با کسار خلق قهرمان کرد، ۱۷ شهریور دیگری به پا کرده"

گویا از طرف کلانتری چند روز قبل از وقوع حادثه برای پائین آوردن این شعارهای پارچهای مراجعه می شود اما بوسیله هواداران

روزیونینست تبلیغ می‌تردند که از مبارزات "ناکسال باری" دیگر چیزی نمانده است. ولی این صحت نداشت و مبارزه ادامه می‌یافت.

از سال ۷۵ - ۷۴ گرایش به وحدت آغاز شد. کمیته مرکزی به رهبری "ساتیاناراین سینگ" توانست تعداد زیادی از گروه‌ها را به هم بپیوندد. با پیوستن آنها کمیته مرکزی موقت به دبیر کلی "ساتیاناراین سینگ" به عنوان بزرگترین سازمان مارکسیست-لنینیست در هندوستان ایجاد شد. این سازمان با مرز بندی با انحرافات خط "چپ" "چارومازومدار" و تلفیق مبارزات علنی توده‌ها با کار مخفی موفق شد مبارزات ضد فئودالی - ضد امپریالیستی را در بخشهای زیادی از کشور گسترش دهد.

بخش دیگری ک. ه. (م - ل) یعنی بخش معتقد به خط مشی "چارومازومدار" نیز صفوف خود را تحکیم می‌نمود. یک کمیته مرکزی به رهبری "ونیدو میسرا" تشکیل شد و به مبارزات دهقانان و ایجاد گروه‌های پارتیزانی دهقانی پرداخت و فعالیت هسته‌های مخفی را گسترش می‌داد.

در سال ۱۹۷۸ صفوف این گروه‌ها تحکیم یافته بود. ولی هنوز گروه‌های دیگر که دچار گروه‌گرایی و ذهنی‌گری بودند وجود داشتند.

دو سازمان نام برده یکی تحت رهبری "ساتیاراین سینگ" و دیگری به رهبری "ونیدو میسرا" از بزرگترین سازمان‌های مارکسیست-لنینیست بودند. این دو سازمان به نکات مشترک بسیاری دست یافتند. هر دو

ایجاد حزب را در سال ۱۹۶۹ صحیح می‌دانستند که بر مبنای مارکسیسم لنینیسم اندیشه مائوتسه دون و کار برد آن در هندوستان ایجاد شده بود. هر دو به صحت تئوری علمی سه جهان اعتقاد یافتند و سعی در کار برد مشخص آن به شرایط هندوستان داشتند. هر دو به راه انقلاب دمکراتیک نوین برای هندوستان غیر مستعمره و غیر فئودال معتقد بودند و انقلاب مسلحانه‌اراضی را محور اصلی می‌دانستند.

علیرغم همه اینها اختلافات شدیدی نیز وجود داشت. بخصوص در زمینه تاریخچه و گذشته حزب و مسائل تاکتیکی و به ویژه آنچه که به مبارزات علنی و توده‌ای مربوط بود. علاوه بر این، سالها بر خورد خصمانه و دشمنی بین دو سازمان موجود بود. هر کدام ادعای تنها حزب (م - ل) بودن را کرده بودند. برچسب‌زنی‌هایی از قبیل خائن، مرتد، فرصت طلب، خود فروخته و عامل امپریالیسم و غیره صورت گرفته بود. "ساتیاراین سینگ" و سازمان تحت رهبری او بیشتر مورد اتهام واقع شده بودند.

سهمی مسری هرج مومند. در این بیانیه آمده است در شرایطی که جنگ جهانی اجتناب ناپذیر می‌شود خلق هندوستان باید بر علیه جنگ بسیج شود و در صورت وقوع جنگ با نیروهای متجاوز مبارزه کند. این وظیفه بین المللی نا گزیر به جریان مبارزه طبقاتی نیز کشیده می‌شود زیرا به علت سر کرده طلبی دو ابر قدرت و ستنگری ارتجاع در هندوستان با مساله جنگ سوم جهانی پیوند دارد.

بعضی از شعارهای مطرح شده در بیانیه عبارتند از:

- \* مبارزه بر علیه سلطه جویی دو ابر قدرت بخصوص سوسیال امپریالیسم شوروی
- \* مبارزه بر علیه توطئه‌های تجاوز کارانه سوسیال امپریالیسم شوروی به عنوان منشاء اصلی جنگ
- \* مرگ بر سر کرده‌گرایی منطقه‌ای و پیتنام دست نشانده سوسیال امپریالیسم شوروی و توطئه‌های آنها بر علیه چین و کامبوجیا دمکراتیک و دیگر کشورهای آسیای جنوب شرقی
- \* مرگ بر مزدوران کوبائی در افریقا که در خدمت سوسیال امپریالیسم شوروی هستند
- \* تجدید سازمان نیروهای متمایل به شوروی را تحت پوشش "وحدت چپ و دمکراتیک" افشا نموده و با آنها مبارزه کنیم.
- \* ضمن افشاء و مبارزه با سیاست‌های ارتجاعی و ضد خلقی نیروهای طرفدار امریکا، آتش حمله را به خطر سلطه شوروی بر کشورمان تمرکز دهیم.

عبارتند از:

- \* مبارزه بر علیه سلطه جویی دو ابر قدرت بخصوص سوسیال امپریالیسم شوروی
- \* مبارزه بر علیه توطئه‌های تجاوز کارانه سوسیال امپریالیسم شوروی به عنوان منشاء اصلی جنگ
- \* مرگ بر سر کرده‌گرایی منطقه‌ای و پیتنام دست نشانده سوسیال امپریالیسم شوروی و توطئه‌های آنها بر علیه چین و کامبوجیا دمکراتیک و دیگر کشورهای آسیای جنوب شرقی
- \* مرگ بر مزدوران کوبائی در افریقا که در خدمت سوسیال امپریالیسم شوروی هستند
- \* تجدید سازمان نیروهای متمایل به شوروی را تحت پوشش "وحدت چپ و دمکراتیک" افشا نموده و با آنها مبارزه کنیم.
- \* ضمن افشاء و مبارزه با سیاست‌های ارتجاعی و ضد خلقی نیروهای طرفدار امریکا، آتش حمله را به خطر سلطه شوروی بر کشورمان تمرکز دهیم.

منتشر شد

شماره شش

این مجله برای سازمان‌ها

در این شماره:

- اوضاع کنونی و وظائف ما
- پلاقرم ایجاد حزب کمونیست ایران
- برنامه سازمان انقلابی برای «اتحاد بزرگ ملی»
- تئوری سه جهان چیست و چه میگوید

دوره دوم - شماره دوم - مرداد ماه ۱۳۵۸

گویا از طرف گلانتری چند روز قبل از وقوع حادثه برای یائین آوردن این شعارهای پارچه‌ای مراجعه می‌شود اما بوسیله هواداران نیروهای "چپ نما" مانعت بعمل می‌آید. این گفته یک باسیان است.

صبح روز شنبه ۱۷ شهریور در راه پیمایی به طرف تازه آباد (گورستان شهر) از طرف شخصی سخنرانی به عمل می‌آید که اجازه می‌خواهد که صد انقلابیون و مخالفین جمهوری اسلامی را پاک سازی نماید. ضمناً در محل گورستان تازه آباد سخنرانی هائی انجام می‌گیرند که با وجود حرکت از خواست مردم برای جلوگیری از فعالیت‌های منحرف و تفرقه افکنانه می‌توانستند تحریک آمیز باشند.

بعد از اتمام مراسم ۱۷ شهریور عده‌ای حدود چهل پنجاه نفر شروع به پاره کردن شعارهای پارچه‌ای نصب شده از طرف نیروهای سیاسی غیر اسلامی می‌نمایند. چند پرده از سازمان انقلابی را هم پاره می‌کنند و میان نیروهای چپ نما و نیروهای انقلابی ملی هم تمایز گذاشته نمی‌شود و حتی چند شعار متعلق به حزب ملت ایران را هم پاره می‌کنند و شعار "مرگ بر کمونیست" را در حال پاره کردن پرده‌ها می‌دادند.

تظاهرکنندگان حدود ساعت ۲/۵ بنزدیکی‌های دفتر چپ نماها رسیده و قصد حمله به "خانه کتاب" که روبروی دفتر می‌باشد را داشتند. ولی پس از اینکه در را بسته یافتند از این عمل منصرف شدند.

وقتی که آنها از جلوی دفتر رنجبر هم می‌گذشتند یکی از آنان قصد حمله به دفتر را داشته که دیگران مانعت به عمل می‌آورند. سر خیابان سردار جنگل تظاهرکنندگان می‌ایستند و پس از اینکه پلیس به آنها ملحق می‌شود به طرف خیابان سردار جنگل محل نصب شعارهای منحرف و تحریک آمیز حرکت می‌کنند. ضمناً تظاهرکنندگان مجهز به چوب و سنگ و اسلحه سرد بوده‌اند.

گروهی از افراد محل، هوا داران چپ نماها که احساس خطر کرده بودند، مجهز به چوب و سنگ به طرف تظاهرکنندگان حرکت می‌کنند و در این میان درگیری به وقوع می‌پیوندد، چند نفر از افرادی که برای پاره کردن شعارهای پارچه‌ای آمده بودند پلیس را تشویق به تیر اندازی می‌کنند ولی پلیس از این کار خودداری می‌کند، آنها می‌گویند پس اسلحه‌ها را به ما بدهید، ما تیر اندازی کنیم باز پلیس مخالفت می‌کند و چند تیر هوائی شلیک می‌نماید.

می‌گویند در جریان زد و خورد دونفر زخمی شدند و در بیمارستان هستند. رئیس گلانتری ۲ برای مذاکره با چپ نماها بدون محافظ و اسلحه حرکت میکند که

رئیس شهرتاسی رشت برای حل مسئله خواستار سخنرانی می‌شود ولی از دهام باعث می‌شود که نتواند صحبت کند. از طرف نیروهای چپ نما پیشنهاد مذاکره رد می‌شود و آنها می‌گویند ما با شما هیچ گونه مذاکره‌ای نداریم فقط می‌خواهیم شما را افشاء کنیم.

بعد از سخنرانی رئیس شهرتاسی، چند نفر به عنوان نماینده از طرف چپ نماها انتخاب می‌شوند که با پاسداران برای مذاکره می‌روند، یکی از آنها در حین رفتن به دوستاش می‌گفت اگر تا ساعت یک ربع به شش نماندم خودتان می‌دانید که چکار بکنید. در همین حین اتومبیلی رد می‌شود که چند نفر در آن به ددن شعارهای ارتجاعی بر علیه رهبری انقلاب می‌پردازند و از طرف چپ نماها چند حلقه لاستیک نیز آتش زده می‌شود و در بین آنها چند نفری پیشنهاد مقابله مسلحانه می‌کردند. ولی اکثریت با این کار موافق نبودند و آن را رد می‌کردند. ضمناً بیشتر آنها از اینکه افسر پلیس راکتک زده بودند، اظهار نا خرسندی کرده و از خود انتقاد می‌کردند.

ساعت دوازده شب یک گروه به یکی از کتاب فروشی‌های چپ نماها در محل رشتیان سابق (مجاهدین امروز) حمله کرده و با کوکتل مولوتف کتابخانه را آتش می‌زنند. امروز صبح من با استاندار صحبت کردم، استاندار می‌گفت که این جریان نتیجه چپ روی نیروهای دیگر بوده و مردم را تحریک کردند و ادامه داد که او اقدامی که کرده‌این بوده که مجروحین را به بیمارستان رسانده تا مطالعه شوند. با رئیس شهرتاسی صحبت کردم او هم می‌گفت، این پرده‌های تحریک آمیز باعث ماجرا شده البته سخنرانی در گورستان هم جالب نبوده و می‌توانست کمک به ایجاد این وضع بکند، ولی او جریان را محکوم می‌کرد.

یک افسر شهرتاسی هم می‌گفت ما میدانیم آنها تکیه‌های جریانات را برهه میان‌اندازند طرفداران بعضی از نیروهای سیاسی منحرف‌اند، ما با کمونیست‌های ایرانی مخالف نیستیم ولی آنهایی که این جریانات را راه‌انداخته‌اند و مدت‌هاست که راه انداخته‌اند، مسئله شان حل مسائل نیست و مسئله آنها جریان راه انداختن علیه دولت است و ما فکر می‌کنیم اینها از خارج دستور می‌گیرند، ما مخالف اینها هستیم و اگر شدت عمل نشان دهند ما هم شدت عمل نشان خواهیم داد. همان طوریکه دیروز افسر ما را زده بودند و به من اطلاع داده بودند که بهش مسلحانه حمله کرده‌اند ما رفتیم و مسلحانه هم رفتیم که اگر چنین خبری است سر کوبشان کنیم.

\*\*\*

بیسپرد صحیح آن نباید ناداری میان نیروهای چپ واقعی، یعنی چپ‌های مستقل و متحد با انقلاب و چپ‌نماهای منحرف و تمایز گذاردن میان نیروهای ملی‌گرای مترقی با دمکرات‌نماهای کاذب است. این تمایز نگذاشتن هم بنوبه خود به حقانیت مبارزه با چپ نماها ضربه وارد ساخته و موجب هرج و مرج می‌گردد.

باید از واقعه ۱۷ شهریور رشت درس گرفت و آموخته‌ها را برای وحدت سه جریان بزرگ تاریخی، یعنی وحدت اسلام مبارز، ملی‌گرای مترقی و سوسیالیزم انقلابی علیه ضد انقلاب وابسته یعنی عمال دو ابر قدرت امریکا و روسیه، بکار بست.

## کارگران و ...

یا بیشتر کار می‌کند ولی در واقع فقط مزد ۴ ساعت را به او می‌دهند. بقیه‌اش را او برای سرمایه دار کار کرده است. هر چه راکه کارگر بیشتر از ۴ ساعت کار بکند اصطلاحاً "به آن می‌گویند": ایجاد ارزش اضافی.

حالا که اینها را فهمیدیم بر گردیم به خصوصیات دیگر جامعه سرمایه داری. گفتیم که جامعه سرمایه داری جامعه‌ای است که در آن تولید برای بازار صورت می‌گیرد. در جامعه سرمایه داری وسایل تولید به آن اندازه رشد کرده است که می‌توان علاوه بر احتیاجات خود برای بازار هم تولید کرد. چون حالا دیگر یک عامل جدید وارد میدان شده‌است. این عامل جدید ماشین است. در جامعه سرمایه داری تولید ماشینی است. یعنی در کارخانه‌ها دستگاه‌های بزرگ که به مجموعه‌ی آنها "ماشین" می‌گویند، کار تولید را انجام

می‌دهد. با کمک این دستگاه‌ها ماشین‌هاست که تولید برای بازار صورت می‌گیرد. در جامعه سرمایه داری کار با ماشین به مرحله‌ای می‌رسد که کارگر تمام آن کار را انجام نمی‌دهد و فقط قسمتی از آن را به عهده می‌گیرد و کارگران دیگر هر کدام مسئول قسمت‌های دیگر می‌شوند. ممکن است کار یک کارگر فقط باز و بسته کردن یک پیچ و یا قطع و وصل یک کلید و یا کنترل یک چراغ باشد. شکل پیشرفته این کار را شاید در فیلم "عصر جدید" چارلی چاپلین دیده‌اید. باین ترتیب تا حدی روشن شد که جامعه سرمایه داری چه نوع جامعه‌ای است. ما در شماره بعد روشن خواهیم کرد که استثمار در جامعه سرمایه داری به چه نحو صورت می‌گیرد و اشکال مختلف آن را نیز شرح خواهیم داد.



# کوبا

امپریالیسم شوروی قرار دارد. فیدل کاسترو در سال ۱۹۶۱، یعنی دو سال بعد از انقلاب اعلام کرد که تولید نیشکر را به ۱۰ میلیون تن در سال خواهند رساند، به همین جهت حتی تمام مزارع مواد اولیه غذایی را از بین بردند تا سکر بکارند.

رهبری کوبا با در پیش گرفتن این سیاست حفظ و رشد اقتصاد تک محصولی و وابسته کردن هر چه بیشتر اقتصاد کشور به صادرات این محصول (نیشکر)، امروز کوبا را در وضعی قرار داده اند که برای تامین مواد غذایی خود مجبور به وارد کردن اکثر محصولات خوراکی حتی سبزی است آن هم با شرایط و قیمت های سرسام آوری که سوسیال امپریالیسم روس به "میمت" وابستگی رهبری کوبا به خود، به خلق کوبا تحمیل می کند.

در کوبا عملاً "همه چیز در خدمت تولید نیشکر است. از کارخانه گرفته تا جاده و از راه آهن گرفته تا بنادر همگی در راه صادرات نیشکر به بلوک امپریالیستهای روسیه فعالیت می کنند. طبیعتاً فیدل کاسترو دلایل مسخره ای از این قبیل می آورد که به جای کارخانه تراکتور سازی، تراکتور از شوروی وارد می کنیم چون در آنجا کارخانه هایی وجود دارند که میلیونها تراکتور می سازند و بسیاری از آن تر تمام میشود. در ضمن کارخانه های ایجاد نکرده ایم که به آن نیاز چندانی نداریم و بدین وسیله رژیم کوبا اقتصاد کشور را به زائدهای از اقتصاد ابر قدرت شوروی تبدیل نموده است. لازم به تذکر است که با اتخاذ این سیاست کوبا، مجبور است فی المثل ماشین آلات شوروی را ۱۱ درصد تا ۵۳ درصد گرانتر از اجناس مشابه غرب بخرد. با در نظر گرفتن این واقعیت که ۶۱ درصد تجارت خارجی کوبا به مسکو و ۳۹ درصد بقیه با کشورهای عضو پیمان ورشو (پیمان نظامی شوروی و متحدینش) و کومکون (بازار مشترک شوروی و کشورهای تحت سلطه اش) صورت می گیرد، درجه شدید این وابستگی کوبا به امپریالیسم روسیه به خوبی دیده می شود.

درست از طریق این معاملات و به اصطلاح کمکهای شوروی، در حال حاضر هر نفر کوبایی ۷۵۰ دلار به سوسیال امپریالیسم شوروی بدهکار است. این بدهکاری هر سال نیز بیشتر می شود زیرا از یک طرف بهره بدهی ها افزون می شود و از طرف دیگر به خاطر ورشکستگی اقتصادی کوبا، رژیم کاسترو مجبور است سالانه حدود ۱۵۰ میلیون دلار از شوروی به اصطلاح "کمک" دریافت کند و بدین وسیله باز هم بیشتر به شوروی وابسته شود.

بواسطه پیوندهای نژادی خلق کوبا با آفریقا و ضعف روشهای آنجا، روسیه تنها جم

بزرگی را در سالهای اخیر به آفریقا و آسیای غربی آغاز کرد و رژیم و ارتش کوبا در همه جا به مثابه پیشاتاز تجاوز و سلطه طلبی ابر قدرت شوروی عمل کرده است.

به علت وابستگی شدید اقتصادی، رژیم کوبا راهی جز پیروی از سیاست ابر قدرت شوروی ندارد و عملاً به زاندارم جهانی امپریالیسم روسیه تبدیل شده است. امروز در تمام ارکان کشور کوبا حضور مستشاران روسی دیده میشود. از وزارت دفاع گرفته تا تشکیلات جوانان و از تجارت خارجی تا امنیت داخلی.

فیدل کاسترو نه تنها در سال ۱۹۶۸ تجاوز سوسیال امپریالیستهای روسی به چکسلواکی و اشغال این کشور بوسیله سربازان روسی را تأیید نمود، بلکه تحت پوشش به اصطلاح "دفاع از انترناسیونالیسم پرولتری" در عمل به توجیه و آرایش این ابر قدرت جهانخوار پرداخته و برای وابستگی دیگر کشورهای جهان سوم به ابر قدرت شوروی تبلیغ می نماید. اما پس از واقعه چکسلواکی که نقطه عطفی در تبدیل شوروی به یک کشور امپریالیستی بود، این ابر قدرت قدم به قدم تهاجم وسیعی را در سراسر دنیا برای سلطه بر آن در رقابت با امپریالیسم آمریکا آغاز کرد و با این تغییر و تهاجم امپریالیستی نیز نقش کوبای وابسته به شوروی از توجیه گر و آرایشگر آن به ابزار سلطه جوئی و توسعه طلبی امپریالیسم روسیه تبدیل گشت.

شرکت در لشکر کشی به خاک زئیر، شرکت در جنگ تجاوزکارانه اتیوپی بر علیه خلق قهرمان اریتره و... همگی دلیلی است بر این مدعی. هم اکنون قریب به ۱۱۰۰۰ مشاور نظامی، بیش از ۳۰۰۰۰ سرباز و حدود ۹۰۰ مشاور غیر نظامی کوبا در ۱۴ کشور آفریقائی حضور دارند.

از ارتش ۱۸۹ هزار نفره کوبا ۱۰۰ آن در خارج از کشورند. با اینهمه وزارت دفاع ملی کوبا، در اعلامیه جدید "همبستگی بین المللی" که در ۹ ژوئن سال گذشته در گوانتا (تنها روزنامه هاوانا) چاپ رسانده، از مردان ۱۶ تا ۳۵ ساله خواسته است که باید تا حداکثر ۳۰ ژوئن خود را به یکی از شعبات سربازگیری معرفی نمایند. یعنی هنوز بر وسعت این ارتش که نقش بازوی مسلح تزارهای نوین کرملین را در پیشبرد منافع امپریالیستیان، بازی میکند افزوده خواهد شد.

نمونه دیگر جنگ داخلی آنگولاست که بوسیله دو ابر قدرت بویژه امپریالیسم روسیه به مردم کشور آفریقائی تجمیل شد و سربازان کوبائی همراه با اسلحه های روسی برای به قدرت رساندن یک جناح طرفدار روس در آنگولاز طرف روسیه به این کشور گسیل داده شدند و دست به کشتار خلق آنگولا که تازه از زیر یوغ استعمار برتقال رها شده، یافته بود، زدند.

# رنجبر

حنگی که در آن پس از ۱۰۰ هزار نفر از مردم بیگانه آنگولا قربانی رقابت دو ابر قدرت و توسعه طلبی و سلطه جوئی ابر قدرت روسیه شدند و دستهای رژیم با اصطلاح "انقلابی" کوبا تا مرفق به خون خلفهای آنگولا آغشته است.

نمونه های دیگر را میتوان ارسال سربازان و مستشاران کوبائی به جدید کشور آفریقائی (گینه، موزامبیک، لیبی، ... ) و آسیای غربی (بیس جنوبی) میتوان نام برد که نظامیان کوبائی در تمام این کشورها همچون ابزار امپریالیسم روسیه برای وابسته کردن این کشورها و کشاندن آنان به رقابت میان دو ابر قدرت در سمت شوروی، عمل می کنند.

این لشکر کشی ها از یکطرف باعث رشد نارضایتی خانواده سربازانی که به جبهه جنگهای تجاوزکارانه گسیل میشوند و در این راه جان خود را از دست میدهند، میگردد و از طرف دیگر باعث کاهش تولید در داخل شده و بحران اقتصادی - اجتماعی را دامن میزند و نتیجه همه اینها وابستگی هر چه شدیدتر و تشدید فشار و خفقان در داخل است. در مقابل اینهمه ستمگری خلقهای کوبا در زمینه های مختلف به مبارزه دست میزنند.

به اقرار وزیر کار کوبا، میانگین غیبت روزانه از کار در سال ۱۹۷۰ بیست درصد بوده است. وزیر کار از این غیبت بعنوان "مقاومت منفی گسترده" یاد نموده است. وزیر داخله کوبا در تاریخ ۳۰ - ۲۸ ژوئن ۷۸ در نشست اول مجلس ملی اقتدار خلق گفت: "از سال ۱۹۷۲ به این طرف و خصوصاً در عرض سه ماه اخیر در مملکت نسبت تخلفات و جرمها افزایش یافته است." اینست یک نمونه نتیجه سیاست و مبارزه ضد امپریالیستی "رهبر ارزشمند ولند مرتبه" کوبا.

نه، کوبا نه تنها پیشگام مبارزات ضد امپریالیستی در ۲۰ سال اخیر نبوده بلکه در واقع پیشگام و نوک پیکان توسعه طلبی و تجاوزات امپریالیستهای روسی در جهان سوم بوده است.

کوبا برای کشور ما یک نمونه منفی است و نه مثبت. باید از این نمونه منفی هم آموخت و بر استقلال ملی کشور و انقلابمان در مقابل دو ابر قدرت پافشاری کرد. "نمونه کوبا"، نمونه وابستگی به امپریالیسم روسیه، غارت و ستم و انحراف و شکست یک انقلاب است. ما به چنین نمونه های روسی احتیاج نداریم. انقلاب پیروزمند، مستقل و متکی بخود ایرانیان بهترین نمونه است و درست برخلاف ادعای مزدوران کوبائی این حقیقت را نشان میدهد که درست برای پیروز شدن و کسب پیروزی های بیشتر و ادامه راستین انقلاب باید مستقل بود و به هیچ یک از دو ابر قدرت برای مبارزه با دیگری تکیه نکرد. خلفهای ما سبقت استقلال ملی اند و به رژیم وابسته کوبا و تمام مزدوران این یا آن ابر قدرت، با دهنی حفاقت و نفرت می نگرند.

# شوروی

کار چه بود؟ اینکه هیچگونه وسیله ای برای بهره کشی فردی از فرد دیگری باقی نمی ماند. از آنجا که مؤسسات صنعتی کلیه نیازهای کوتاه مدت و دراز مدت (برای سرمایه گذاری و توسعه) را از بانکها دریافت می کردند هیچگونه نیازی به بهره کشی از کارگران (فشار به آنها به منظور تولید بیشتر و نیز پرداخت دستمزد کم تر به آنها) نداشتند و از آنجا که کلیه سرمایه اضافی تولید شده توسط بانکها از مؤسسات صنعتی گرفته می شد هیچ کس نمی توانست از "ارزش اضافی" کارگر استفاده مادی ببرد. باین طریق مناسبات استعماری پول - سرمایه - پول از بین می رفت و بولی که کارکنان کارخانه می گرفتند اعم از کارگر و کارمند دمسری یا مدیر و غیره فقط صرف رفع نیازهای خودشان می شد و نه صرف بهره کشی از دیگران و بدست آوردن "سود". مؤسسات صنعتی شوروی باین طریق از نظر مالی کاملاً تحت نظارت و کنترل دو اداره بانک مرکزی کشور بودند. این بانک نیز بنوبه خود تابع برنامه اقتصادی مرکزی بود و سرمایه هائی را که در اختیار بانکها میگذاشت بر مبنای نیازهای اساسی تمامی ملت و مطابق با برنامه مرکزی تعیین و تنظیم می کرد. بانک شوروی در واقع نقش واسطه ای را داشت میان سازمان برنامه مرکزی و مؤسسات صنعتی و مرتباً سرمایه های اضافی دریافتی را مطابق با برنامه اقتصادی مرکزی میان مؤسسات نیازمند تقسیم و توزیع می کرد. به همین دلیل هم در دوره لنین و استالین بانک مرکزی شوروی نام "اداره پست خانه" یا "پیک" سازمان برنامه شوروی را گرفته بود.

اما وقتی برژنف و کاسیکین در شوروی به قدرت رسیدند اوضاع به کلی تغییر کرد. در ظاهر امر البته بانکهای شوروی با سابق فرقی نکرده و همان بانک با همان اداره ها باقی ماندند. ولی در باطن این بانک از نظر کیفی به طور کامل عوض شد. در سال ۱۳۴۴ (۱۹۶۵) کاسیکین طرحی برای "اصلاحات" اقتصادی به کمیته مرکزی حزب پیشنهاد کرد که بلا فاصله تصویب شد. طبق این طرح کاسیکین پیشنهاد کرد که سیستم دادن وجوه بدون بهره و بلا عوض محدود شود و به جای آن اعتبار دادن - یعنی وام دادن با گرفتن بهره - به کار گرفته شود. این پیشنهاد کاسیکین که به زودی به صورت قانون به مورداجر گذاشته شد تغییرات وسیعی را در سیستم اقتصادی شوروی بوجود آورد. از آنجائی که لازم مؤسسات صنعتی حالا باید در ازای وامهای دریافتی به بانکها "بهره" بدهند، لازم بود که آنها منبعی برای باز پرداخت وامها و بهره آن داشته باشند. بنابراین به رؤسای مؤسسات صنعتی این حق داده شد که قسمت بزرگی از ارزش اضافی تولید شده را نگهدارند. و بانک مرکزی حق برداشت سرمایه اضافی مؤسسات صنعتی را از دست داد. طبق قانون جدید بخشی از سرمایه اضافی به میل رئیس مؤسسه و با ضوابطی که دست مدیر کارخانه را کاملاً باز می گذاشت میان خود او و کارکنان کارخانه تقسیم می شد. بخش دیگری از این پول صرف توسعه کارها یعنی سرمایه گذاری می گردید. طبق پیشنهاد کاسیکین مدیر مؤسسه در سود بدست آمده از کار کارگران کارخانه سهم می شود و باین طریق انگیزه ای برای تولید بیشتر و بدست آوردن "سود" بیشتر پیدا می کند. از آنجا که پول اضافی به دست آمده دیگر به بانک مرکزی داده نمی شود و در اختیار رؤسای مؤسسات باقی می ماند، هدف کار مدیران، کوشش برای افزایش تولید و کاستن از مخارج می گردد. نتیجه روشن

و واضح این امر کار کشیدن بیشتر از کارگران و یافتن راههایی برای پرداخت دستمزد کمتر آنها است تا مقدار "سود" افزایش یابد. باین طریق پولی که بانک در اختیار مدیر یک مؤسسه قرار می دهد بار دیگر نقش سرمایه را پیدا می کند. یعنی مدیر کارخانه آن را به کار می اندازد تا از سودی که بدست می آید بخشی را برای خود بر دارد و بخشی دیگر را هم برای توسعه کارخانه بکار برد که بنوبه خود باز سود بیشتری و نتیجتاً پول بیشتری برای مدیر مؤسسه می آورد. یعنی رابطه استعماری پول - کالا - پول بار دیگر برقرار می شود. برقراری مناسبات سرمایه داری در مؤسسات صنعتی بنوبه خود بر روی بانک مرکزی نیز تأثیر گذاشته و سبب رشد بیشتر مناسبات سرمایه داری در آنجا شده است. از آنجا که مدیران بانکها نیز مانند مدیران مؤسسات صنعتی در سود مؤسسه خودشان یعنی بانک سهم گشته اند، به منظور اضافه کردن در آمد شان به استفاده از اختیارات خود پرداخته اند. از جمله اینکه نرخ بهره وامها را به تدریج افزایش دادند. مثلاً در ابتدای اجرای برنامه "اصلاحات" کاسیکین (۱۳۴۴) نرخ بهره بسیار ناچیز و ۲ تا ۳ درصد بود. ولی در ظرف پنج سال به ۶ درصد رسید. در سال ۱۳۵۱ مطبوعات شوروی تحت نفوذ سرمایه داران بانکی شوروی به جنجال زیادی برای افزایش بیشتر نرخ بهره وامها پرداختند (بعنوان مثال رجوع شود به مجله "مسائل اقتصادی" شماره نوامبر ۱۹۷۲) بدون شک نرخ بهره تا کنون رشد سریعتری هم داشته است.

سوسیال امپریالیستهای شوروی به منظور فریب خلقهای شوروی و جهان در سالهای اخیر کوشش بسیار زیادی کرده اند تا سیستم بانکی سرمایه داری شوروی را مطابق با اصول سوسیالیسم جلوه دهند. باین منظور تصوررئیسین های رویونیست شوروی پیشنهاد های متعددی را ارائه داده اند. به عنوان نمونه پیشنهاد آقای ا. مانویچ را می توان نام برد.

وابسته شود .  
بواسطه پیوندهای نژادی خلق کوبا با  
آفریقا و ضعف روشهای آنجا ، روسیه تنها جم

### مهدی رضائی

جوآنمرد در زیر شکنجه های سبعانه اعمال  
استعمار داغ ننگی بود بر پیشانی نوکران  
استعمار . داغ ننگ و نفرتی بود بر پیشانی  
کثیف محمد رضا شاه این پیر کفتار خونخوار  
استعمار . مهدی ۱۹ ساله قهرمان ودلیر خلق  
ما در آغاز جوانی اش قربانی شد تا این پیر  
کفتاران خونخوار آسوده بخوابند و فارغبال  
وطن فروشی و هرجائی گری کنند . مهدی ،  
برادر ۱۹ ساله همه انقلابیون ایران خون  
پاکش را ریخت تا دلالتان استعمار و مزدوران  
بیگانه حد دشمنی خود را با خلق ما نشان  
داده باشند و بخيال خود ضربتی دیگر بر  
پیکر انقلاب زده باشند . فرزند ۱۹ ساله  
زحمتکشان ایران ، برادر جوان بدیع زادگان ها ،  
حنیف نژادها ، احمد زاده ها ،  
پویان ها و صدها شهید دلاور خلق جان خود  
را فدا کرد و با خون پاکش پرچم انقلاب  
مسلحانه خلق ایران را گلگون نمود تا از سوتی  
اصالت پیکار مقدس و قهرمانانه خلق مانوده  
شود و از سوتی دیگر دشمنی محمدرضا شاه را  
با زحمتکشان و فرزندان دلاور خلق نشان  
دهد . آری همه اینها نموده شد . اما باز نه  
پیرکفتاران خونخوار میتوانند آسوده بخوابند  
و فارغ بال هرجائی گری کنند و نه دلالتان  
استعمار میتوانند انقلاب ما را نابود سازند .  
انقلاب به پیش میتازد و راه خود را  
سرسختانه باز میکند . این را پیام مادر رضائی  
و ایستادگی مهدی ۱۹ ساله در زیر شکنجه های  
سبعانه نشان میدهد . مادر مهدی دلیر و  
احد دلاور بود که گفت : " هرگز تفنگهایتان  
را بر زمین نگذارید " و مهدی هرگز تفنگش را  
زمین نگذاشت . مهدی صادقانه و دلاورانه  
تفنگ برادران انقلابیش را تا دم مرگ بردوش  
داشت و امروز این تفنگ مهدی است که بر  
دوش برادران انقلابیش و در راه پیروزی  
پیکار مقدس و هدف عادلانه اش حمل میشود .  
دلاوری مهدی ۱۹ ساله و مقاومت  
جوآنمردانه اش در زیر سبعانه ترین و بیسابقه ترین  
شکنجه ها نقطه پایانی بود بر تمام  
بهانه جوئی های خائنانه و زبوانه کسانیکه  
به بهانه سختی شکنجه و غیر قابل تحمل  
بودن شکنجه تن به خیانت میدهند و به  
خلق خود پشت میکنند . رزمندگان انقلابی  
ایران از مهدی رضائی ها آموختند که میتوان  
انقلابی بود و انقلابی باقی ماند . میتوان  
در صف خلق بود و تا دم مرگ در صف خلق

طرف روسیه به این کشور گسیل داده شدند  
و دست به کشتار خلق آنگولا که تازه از زیر  
یوغ استعمار پرتغال رهائی یافته بود ، زدند .

### دخالت شوروی

باقی ماند . میتوان مرگ را پذیرفت . شکنجه های  
سبعانه را تحمل کرد اما خیانت نکرد .  
اما به خلق پشت نکرد .  
بگذار تمام زحمتکشان دنیا  
بدانند که ظهر روز چهارشنبه ۱۵ شهریور  
مهدی رزمنده معصوم و دلیر خلق ایران را  
در زیر شکنجه های دشمنان بشریت ، جاپان  
جهانی کشتند و سپس هراسان خبر اعدام او  
را یک روز بعد از آخرین بیدادگاه ساعت ۵  
صبح روز پنجشنبه ۱۶ شهریور اعلام کردند .  
خلق ایران مصمم گشته است خود را آزاد  
کند و از قربانی دادن های انبوه نمیراسد .  
مهدی دلیر در آغاز حیات فخر آمیزش شهید  
شد . اما انقلاب خلق ایران شهید نشد و  
شهید شدنی هم نیست . مهدی ۱۹ ساله و  
دلیر در فاصله عمر کوتاهش ثمره گیاه و  
انقلابی صد ساله ای را میبرد اگر چه طول  
عمر مهدی کوتاه بود ولی از عرض از آنچه  
بتوان تصور کرد گسترده تر بود . مهدی به  
رزمندگان انقلابی ایران می آموزد : درس  
پایداری و ایمان داشتن به خلق ، مرگ را  
پذیرفتن اما همزیستی با دشمن را نپذیرفتن .  
و خود آن را از پیشوای بزرگش حسین بن علی  
( ع ) آموخت و این آخرین کلام مهدی در  
بیدادگاه ضد خلقی شاه است : " خداوند  
اراده کرده است که ستمدیدگان را وارثین  
برحق جهان سازد . خلقها مجربان این اراده  
الهی هستند . هدف ما چیزی جز بهروزی  
خلق جز در هم شکستن هرگونه روابط ظالمانه  
اجتماعی و اقتصادی و استوار ساختن تعالیم  
اسلام در جامعه نیست . جامعه ای آزاد بی  
طبقات و توحیدی که آن جامعه ایده آل  
ماست " .  
\* \* \*  
در روز ۵۸/۶/۱۶ در قطعه ۳ بهشت  
زهرا مراسمی از طرف انجمن های اسلامی  
دانشگاههای تهران بر سر مزار شهید مهدی  
رضایی بر گزار گردید . که در این مراسم  
طبقات و اقشار مختلف مردم شرکت کردند  
در ابتدا تلاوتی از آیات قرآن و سپس سرودی  
از سازمان مجاهدین خلق پخش گردید . و  
پس از آن شعری به یاد مجاهد شهید مهدی  
رضایی خوانده شد ، و در برنامه بعدی قطعاتی  
از دفاعیات مهدی در بیدادگاه محمد رضا  
شاهی با صدای خودش پخش شد . در پایان  
مراسم شرکت کنندگان به مناسبت گرامی داشت  
خاطره شهدای به خون خفته خلق به طرف  
قطعه ۳۳ رفتند .

بر سرت بری ...  
خلفهای ، کیفیت استقلال ملی اند و به  
رژیم وابسته کوبا و تمام مزدوران این یا آن  
ار قدرت بادیدهی حقارت و نفرت می گردند .

### دخالت شوروی

حزب دمکرات کردستان حاکم شدند و به کمک  
مهره های دیگر روسها در کردستان ترکیه و  
مهاجرین جاسوس ک . گ . ب . به مسلح کردن  
کردها و تحمیل جنگ برادرکنی دست زدند .  
ستون پنجم ابر قدرت روس یعنی دار و دسته  
کیانوری نیز در این اوضاع به من و من کردن  
و یکی به نعل و یکی به میخ زدن پرداختند  
و فعلا " سران را زیر آب کردند . چون جای  
پای اربابشان در توطئه کردستان آن چنان  
آشکار است که چاره دیگری ندارند جز همین  
سکوت تایید آمیز .  
بهر حال در مورد دخالت عوامل  
سر سیرده دو ابر قدرت و بخصوص نقش فعال  
نوکران ابر قدرت شوروی در حوادث اخیر  
ما در ایران دچار گمبود مدرک نبودیم .  
ما در رنجبرهای ۲۳ و ۲۴ دلائل و  
مدارکی که حاکی از نقشه ها و توطئه های از قبل  
طرح شده این خائنان است ارائه دادیم .  
در مورد اظهارات سفیر ایران در مسکو  
نکته جالب دیگری نیز نهفته است . مساله  
این است که در کردستان ایران ضد انقلابیون  
جنگی را تحمیل می کنند و هزاران توطئه  
می چینند آن وقت آقای مکری " اسناد و  
مدارک " افشاء کننده عوامل سر سیرده را از  
مسکو ، یکی از دو پایتخت توطئه های ضد  
خلقی ، جمع آوری می کند و برای دولت و  
امام می آورد . اگر چه ما هنوز از خود این  
اسناد و مدارک بی خبریم ولی ماهیت منبع

آخر کوشش بسیار زیادی کرده اند تا سیستم بانکی سرمایه داری شوروی را مطابق با اصول  
سوسیالیسم جلوه دهند . باین منظور تفویض های رویزیونیست شوروی پیشنهاد های  
متعددی را ارائه داده اند . به عنوان نمونه پیشنهاد آقای ا . مانویچ را می توان نام برد .  
این نوکر سوسیال - امپریالیسم پیشنهاد کرده است که به منظور سر پوش گذاشتن بر  
برقراری مجدد سیستم بانکی سرمایه داری ، بانکهای شوروی بهره و وام ها را به طور غیر  
مستقیم دریافت کنند . یعنی دولت شوروی بهره و وام های داده شده به مؤسسات صنعتی  
را تحت عنوان مالیات بر در آمد از مؤسسات دریافت نموده و بعد در اختیار بانک ها  
بگذارد ! ( رجوع شود به مجله مسائل اقتصادی ، شماره ژوئن ۱۹۷۴ ، صفحه ۱۱ )  
این تنها یک جنبه از طرز کار سیستم بانکی شوروی کنونی است . کشوری که در آن  
سرمایه داری برقرار شده ولی هنوز بعد از طی سالها می کوشد تا برای فریب خلقهای  
جهان ماسک سوسیالیسم را بر چهره نگه دارد . ما در شماره آینده به جنبه های دیگر  
سیستم بانکی در شوروی خواهیم پرداخت .

و محل جمع آوری آنها را خوب می شناسیم .  
لذا در این رابطه چند سوال را مطرح  
می کنیم .  
اصولا " با توجه به سوابق ک . گ . ب و  
سیا ماهیت ضد مردمی و توطئه آمیز  
فعالیت های آنها ، به چه دلیل می توان به  
" این اسناد و مدارک " اعتماد کرد ؟  
مطمئنا " اگر سفارت ایران در واشنگتن  
هم روی خوش نشان دهد از این قبیل " اسناد  
و مدارک " می تواند سوغات بیاورد . ولی  
باید هوشیار باشیم که ابر قدرتها سفاک ترو  
جنایتکارتر از آنند که خیال واهی نسبت به  
" الطاف " آنها داشته باشیم .  
شکی نیست که این مدارک قابل اعتماد  
نیستند و اصولا " همان طور که گفته شد در  
مورد تشخیص و سرکوب ضد انقلاب در کردستان  
کمبود مدرک مشکل ما نبوده است .  
مدارک و دلائل موجود به خوبی نشان  
می دهد که ابر قدرت روس و عوامل سر سیرده  
او سهم بزرگی در تحمیل جنگ در کردستان  
داشته اند و آنها را باید قاطعانه سرکوب کرد

هفته نامه  
**رنجبر**  
ارکان مرکزی سازمان انقلابی  
مدیر مسئول - علی حجت  
سر دبیر - فرامرز وزیري  
نشانی - تهران ، خیابان مصدق  
پاښین تر از امیر اکرم ، کوی  
گودرز - شماره ۱۶  
تلفن - ۶۶۵۵۱۹  
نشانی پستی - تهران ، صندوق  
پستی ۱۴۵۱ - ۳۱۴  
چاپ سکه

**ما را در رفع مشکلات مالی یاری کنید**  
کمک مالی خوانندگان ،  
نشن موتیری در ادامه ی کار ما دارد  
مشکلات مالی ما ریبا دند و بدون یاری  
نگ نک خوانندگان ، این مشکلات  
ارمیان برداشته نخواهد شد . هر  
کس که " رنجبر " را نشریدی خود  
بیداد و طبیعه دار در درجتهای  
به آن کمک کند ، سیاست ما اتکاء به  
سروی لایزال مردم است و همسین  
ما طر مشکلاتمان را با شما در میان  
بگذاریم و مطمئنیم که ما شما را  
همراه شما آنها را یک سکه  
خواهیم کرد . در انتظار یاری  
منیت شما هستیم .

# کوبا: از انقلاب تا وابستگی به امپریالیسم

وزیر امور خارجه ایران، آقای دکتر یزدی، در کنفرانس غیر متعهدها، با سخنانی مانند "کوبا و رهبر ارشد و بلند مرتبه آن فیدل کاسترو، به عنوان بیشکام مبارزات صدامیریالیستی در بیست سال گذشته..." و حملات دیگری از این قبیل، سخوات متعددی را مطرح ساخت.

آیا کوبا یک کشور مستقل است که بتواند آن را ضد امیریالیست خواند؟ آیا فیدل کاسترو در راه استقلال کشور خود از یوغ غارت ستم امیریالیسم و سویال امیریالیسم قدم گذاشته که بتوانیم کوبا را بیشکام مبارزه در بیست سال گذشته معرفی کنیم؟ و از همه مهمتر آیا می توان به نوگر وفادار امیریالیسم روسیه لقب صدامیریالیست داد؟

تمام واقعیات موجود نشان می دهد که فیدل کاسترو، سالهاست با در پیش گرفتن سیاست خدمت تمام و کمال به ابر قدرت شوروی نه تنها ضد امیریالیست نیست بلکه خود عامل امیریالیسم است.

پس از آنکه به اوضاع امروز کوبا بپردازیم مختصراً "ماهیت انقلاب کوبا را در بیست سال قبل بررسی می کنیم.

کسور کوبا، کشوری بود مستعمره آمریکا. تنها محصول این کشور نیشکر بود و امیریالیسم آمریکا با به انحصار در آوردن آن و جلوگیری از رشد کشاورزی و صنعت این کشور در زمینه های دیگر عملاً "کوبا را به صورت مستعمره خود در آورده بود بسیاری مواد غذایی و مایحتاج اولیه مردم از آمریکا می آمد. رژیم دیکتاتوری "باتیستا" نیز به عنوان عامل حاکمیت و غارت امیریالیسم آمریکا در کوبا شدیدترین ترور و حقیقت را بر خلق ستم دیده کوبا وارد می کرد.

فیدل کاسترو ۸۰ تن از چریک های همزهس، به همت توده های میلیونی مردم که از ستم و استثمار امیریالیسم آمریکا و

## پیام امام

امام خمینی بیانی بنامست سالگرد ۱۷ شهریور فرسادند که در آن به خاطره "نخ ۱۷ شهریور ۵۷ که میوه شیرین سرنگونی کاکهای استبداد و استکبار و برقراری جمهوری اسلامی را همراه دست اشاره کردند و در ادامه سخنان خود گفتند: "۱۷ شهریور، مکرر عسورا و میدان شهدا، مکرر کربلا و شهدای ما، مکرر شهدای کربلا و مخالفان ملت ما مکرر برید و وابستگان او هستند. کربلا کاخ ستمگری را با خون در هم کوبید و کربلائی ما کاخ سلطنت ستمانی را برورخت. اکنون مردم آنجا که با ما



نظامی این وابستگی را بررسی می کنیم.

اقتصادی

تنها محصول تولیدی کوبا نیشکراست که تولید آن در سال به طور متوسط به ۷/۳ میلیون تن می رسد و در انحصار سویال بقیه در صفحه ۷

## مارکسیست لنینیست های هند گامی بسوی وحدت

دو عارمان مارکسیسی - لینیسی هندوسان، یعنی حزب کمونیست هندوستان (مارکسیست - لنینیست) به رهبری "سانیا نازاین سینگ" و حزب دیگری همین نام تحت رهبری "ونیود میسرا" که از بزرگترین و مهمترین سازمان های کمونیستی هندوستان می باشند، پس از سه روز بحث و مذاکره در سطح رهبری، که از سوم تا پنجم تیر ماه گذشته به طول انجامید، یک بیانیه جهت همکاری صادر نمودند. نزدیکی این

ح.ک.ه. (م - ل) با حط کس و مرز بندی با رویزیونیسیم و اپورتونیسیم "ح.ک.ه. (مارکسیست)". که خود از "ح.ک.ه. (طرفدار مسکو جدا شده بود، مارکسیسم لنینیسم اندیشه مائو تسه دون را در هندوستان ترویج نمود.

به دنبال رهنمود راه چین، مرحله انقلاب در هندوستان نیمه مستعمره - نیمه فئودال به درستی انقلاب دمکراتیک نوین تشخیص داده شد، که در آن انقلاب مسلحانه

# شوروی: کشور امیریالیستی

## بانکها (۱)

سویال امیریالیسم روسیه در رابطه با بانکها هم عملکردش مثل دیگر زمینه ها است. یعنی ظاهر کار را مانند یک کشور سویالیستی نگاه می دارد، در حالی که در باطن مثل سایر کشورهای سرمایه داری عمل می کند. برای اینکه این موضوع خوب روشن شود مانقش بانکهای روسیه را در سه زمینه اساسی توضیح می دهیم: ۱- در زمینه تبدیل پول به سرمایه، ۲- در زمینه تمرکز سرمایه ۳- در زمینه صدور سرمایه

۱- تبدیل پول به سرمایه

منظور از تبدیل پول به سرمایه چیست؟ اول باید ببینیم پول چگونه بوجود آمد. اگر شیئی را که فردی می سازد به جای اینکه خود یا کساش مصرف نماید. باجنس دیگری معاوضه بکند، این جنس را "کالا" می گویند. یعنی کالا چیزی است که شخص نه به منظور مصرف بلکه به منظور مبادله تولید می کند. در اجتماعات کهن وقتی تولید به منظور مبادله توسعه پیدا کرد، به تدریج احتیاج به یک جنس سوم پیدا شد که واسطه ای بین مبادلات بشود. علت آن یکی این بود که وقتی اجناس با هم خیلی فرق داشتند، برای مبادله لازم بود که دو طرف معامله وسیله ای برای ارزش یابی مشترک داشته باشند و علت دیگر مشکلات مبادله دو کالا بود. از جمله اینکه هر دو طرف معامله همرمان احتیاج به کالاهای همدیگر نداشتند.

باین طریق بود که "پول" بوجود آمد. از میان اشیاء موجود در جامعه از آنجا که فلزات قیمتی مثل طلا و نقره هم دارای ارزش مصرفی بودند و هم اینکه حمل آنها بد خاطر سبکی و قابلیت تغییر شکل آسان بود، به تدریج نقش کالای سوم یا پول را پیدا کردند.

تا اینجا شکل مبادلات به این صورت بود: کالا - پول - کالا. یعنی پول نقش وسیله ای را برای خرید کالاهای مصرفی داشت.

اما با رشد جامعه های شهری و بوجود آمدن نطفه های سرمایه داری نقش پول هم عوض شد. افرادی پیدا شدند که با گرد آوری مقداری از این طلا و نقره (پول) آنرا وسیله ای برای بدست آوردن طلا و نقره (پول) بیشتر کردند. این کار یکی از طریق تجارت انجام می شد. و دیگر از طریق استفاده از نیروی کار کسانی که کاری را بلد هستند اما وسائل و مواد لازم برای تولید را در اختیار ندارند. در هر دو مورد یعنی تجارت و یا صنعت، پول که وسیله بدست آوردن سود یعنی پول بیشتر شده بود خود مبدل به سرمایه میسود. در اینجا مبادلات باین شکل جدید در می آید: پول - کالا - پول.

این رابطه جدید اساس سیستم سرمایه داری را بوجود می آورد.

اما وضع در یک کشور سویالیستی به چه منوال خواهد بود؟ مارکس در جلد دوم کتاب سرمایه (صفحه ۳۵۸، چاپ انگلیس) می گوید: "در تولید سویالیستی سرمایه پولی از میان می رود" معنی این حرف چیست؟ معنی اش این است که رابطه پول - کالا - پول از بین می رود و بار دیگر رابطه کالا - پول - کالا برقرار می شود. یعنی صنعتگران که حالا بطور دسته جمعی کار میکنند حاصل کار خودشان را بجامعه واگذار میکنند و در ازای آن پول میگیرند که بسویه سود صرف خرید کالاهای مورد نیازشان میشود. در اینجا دیگر سرمایه داری که از پول بهره کسی از صنعتگر و برای بدست آوردن "سود" استفاده بکنند وجود ندارد. پول - کالا - پول حذف می شود. در نتیجه پول یک بار دیگر نقش سرمایه بودن خود را از دست می دهد.

حالا ببینیم این کار در رابطه با بانکها در یک اجتماع سویالیستی چگونه انجام می گیرد. یک نمونه این سیستم را در خود کشور شوروی در دوران لنین و استالین میابیم. در آن دوران بانکهای شوروی چه نقشی داشتند؟ در دوره لنین و استالین بانکها کلیه احتیاجات صنایع شوروی را از نظر مالی تامین می کردند. باین ترتیب که هر مواسسه صنعتی دو نوع کمک مالی از بانک دریافت می کرد. یکی از آنها که عنوان "سرمایه کار" داشت

در آن دوران بانکهای شوروی چه نقشی داشتند؟ در دوره استالین بانکها کلیه احتیاجات صنایع شوروی را از نظر مالی تامین می کردند. باین ترتیب که هر مؤسسه صنعتی دو نوع کمک مالی از بانک دریافت می کرد. یکی از آنها که عنوان " سرمایه کاری " داشت در واقع صندوق برنامه های کوتاه مدت هر مؤسسه را تشکیل می داد و دومی که نام " سرمایه گسترش " یا " سرمایه گذاری " را داشت در واقع صندوق برنامه های دراز مدت بود. برای پرداخت این وجوه دو اداره جداگانه در بانک مرکزی شوروی وجود داشت. این وجوه در واقع وام های بدون بهره و بلا عوض بانک را به هر مؤسسه صنعتی تشکیل می دادند. ولی این بدان معنی نبود که بانکها هیچ گونه کنترلی بر مؤسسات صنعتی نداشتند. خیر. بانکهای شوروی این اختیار را داشتند که هر گونه سرمایه اضافی مؤسسات صنعتی را بلا فاصله در اختیار خود بگیرند. یعنی آنچه که بعد از پرداخت مخارج کارخانه و دستمزد کارگران باقی می ماند، به بانک پرداخت می شد. نتیجه این بقیه در صفحه ۷

## "چپ ها" و کردستان

# تنه راه انقلابی انتقاد از خود است

حلق کرد و استفاده از مارتالی های موجود. زیر پرچم بورژوازی محلی کرد در مقابل دولت مرکزی و علیه آن قرار گرفتند و عملاً استقلال خود را از دست داده و مورد بهره برداری نیروهای مخالف دولت و عمدتاً عناصر وابسته به روس قرار گرفتند و به ابزار اخلال ابرقدرتها و بخصوص امپریالیسم روس تبدیل شدند.

طبیعی است که نقش برخی از سازمانها و نیروهای چپ در کردستان درک به متسکلی شدن دهقانان منطقه و تشکیل اتحادیه های دهقانی در مقابل ائتلاف های فئودالی مالکین و عملیات ضد انقلابی آنها قابل ستایش است و در صورتیکه این نیروها با فعال شدن حزب دمکرات، خود بصورت یک نیروی مستقل در برابر آن قرار می گرفتند این امر می توانست به ادامه و تعمیق انقلاب خدمت کند. ولی اقدامات مثبت این گروهها در زمینه کمک به دهقانان برای حل مسئله ارضی و مبارزه ضد فئودالی بعثت آنکه در مسیر یک مبارزه غیر اصولی با دولت مرکزی صورت می گرفت خیلی زود از طرف بورژوازی محلی و بویژه عناصر وابسته به روس که در رهبری حزب دمکرات نشسته بودند مورد بهره برداری قرار گرفت. ما از این نیروها می پرسیم که آیا برای دفاع از آرمانهای زحمتکشان باید از موضع و پایگاه طبقه کارگر جدا شد و به زیر پرچم خرده بورژوازی و بورژوازی حتی بورژوازی رادیکال رفت؟ آیا این به معنی انحراف از مارکسیسم و غلتیدن در منجلاب رویونیسم نیست؟ این انحراف شما ناشی از چیست؟ آیا این انحراف ناشی از ندیده گرفتن مصالح عالی بقیه در صفحه ۶

آنچه در هفته های اخیر در کردستان اتفاق افتاد و نقشی که گروهها و سازمانها و نیروهای "چپ" بعثت ارزیابی نادرست خود از اوضاع، اتخاذ خط مشی غلط و در پیش گرفتن شیوه های ماجراجویانه در آن ایفاء کردند، ما را بر آن می دارد که به جمع بندی از این مسئله پرداخته و درست و نادرست را در این میان نشان دهیم.

مقالات متعددی در شماره های گذشته رنجبر درباره مسئله کردستان و نقش تخریبی چپ نماها در حوادث این منطقه منتشر کرده ایم. ولی این بار روی خطاب ما با افراد صادق و صمیمی این گروههاست که حاضر به تصحیح اشتباهات خود بوده و نمی خواهند بیماری خود را از ترس معالجه پنهان کنند و روی اشتباه خود تا آنجا که آخر الامر بیماریشان غیر قابل علاج شود، اصرار ورزند. مسئله کردستان ریشه در سالهای حکومت فاشیستی پهلوی و ستم مضاعف فئودالی و ملی طبقات وابسته حاکم سابق بر خلق کرد دارد. ولی پس از انقلاب که شرایط برای حل درست این مسئله فراهم شده بود بعثت انحصار طلبی حاکمین و عدم توجه دولت به این مسئله از یکطرف و اقدام یکجانبه و جدا از دولت مرکزی و حتی علیه آن، از طرف بورژوازی محلی کرد از طرف دیگر، زمینه برای ایجاد شورش و بلوا و دخالت ابرقدرتها و بویژه عوامل شناخته شده امپریالیسم روس در پوشش حزب دمکرات بوجود آمد، و بسیاری از نیروهای باصلاح "چپ" نیز بدنبال این مسئله کشیده شده و آتش بیار این معرکه شدند. این نیروها زیر نقاب آزادیخواهی و طرفداری از آرمانهای

مدت ما مقرر بریزد و وابستان او هستند. کرلا کاح ستمگری را با خون در هم کوبید و کرلائی ما کاح سلطنت سبطانی را فروریخت. اکنون وقت آنست ما که وارثان این خوسها هستیم و بارماندگان حیوانات و شهدای خون حقه هستیم از پای سسیم، با فدا کاری آنان را بسم ربانیم و با اراده مصمم و مستحکم، نقابای رزم ستمکارو توطئه گران حیره حوار سوری و عرب را در زیر پای شهدای فصلت دهن کیم. امام س از این قسمت از رحمان خوین که سرط اراده، انقلاب را بدرسی درندام مبارزه فاطم علیه موطنه گران و حیره حواران سوری و عرب دگر نمودند به مسئله کردستان و سرکوب صد انقلاب اشاره کردید و در این رابطه بدرسی خط مشی انقلابی در سرکوب صد انقلاب که همانا مبارکداری میان حائس، محرمین و توده های مردم می باشد را کوسرد کردید. امام در این قسمت از رحمان خود حسین کصد: " ما بطوریکه کرارا " اعلام کردیم بحر سران حیانتکارو آنان که در حیانت و خیانت به آنان شرکت بودند از دگر حیاح ها حتی گول خوردگانی که در حرب محله دمکرات وارد شده اند، در صورتیکه علاج خود را به مقامات انتظامی بسارید، با سرداری رفسار و عفو عمومی نمودیم. این عفو عمومی شامل تمام قسرها و جرادران کردستانی است. همه اربابها سیرون بیاسد و نه سرادران خود طحق شوند و بریدگی عادی خود ادامه دهند. دولت جمهوری اسلامی در رفع گرفتاری های آنان و برهم خرابی ها و ساردگی عقب ماندگی ها گوسا خواهد بود. سرادران کرد من. نه تبلیغات وابستگان حزب منحلہ دمکرات اعتنا نکید و در شهرها به حال عادی خود سرگردید. هیچ ترسی نه از ناحیه دولت و نه از ناحیه خرابکاران به دل راه ندهید که دولت دوستار شما است و خرابکاران قدرت را از دست داده و مدفون شده و خواهند شد.

## وحدت

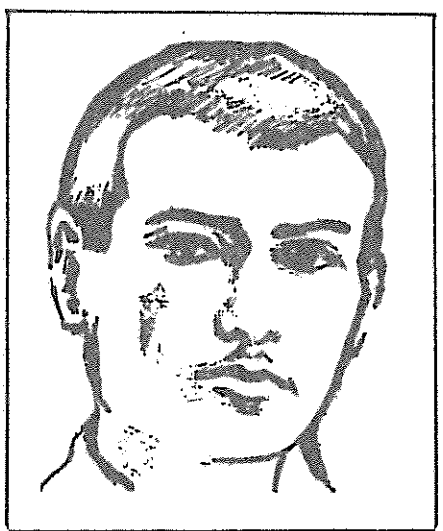
پنجهای از آهن  
قلمی از ساقه گندم  
ورقی از پاره دل  
جوهری از خون  
خطی از عشق به میهن باید  
تا که بر دفتر تاریخ نویسم " وحدت "

انقلاب در هندوستان نیمه مستعمره - نیمه فئودال به درستی انقلاب دمکراتیک نوین تشخیص داده شد، که در آن انقلاب مسلحانه ارضی محور اصلی است. ۷۰ در صد جمعیت هندوستان یعنی دهقانان - برای اولین بار در جایگاه صحیح خود بعنوان نیروی اصلی انقلاب دمکراتیک نوین قرار گرفتند. مبارزات " ناکسال باری " و ایجاد ح.ک.ه - ( م - ل ) شور و هیجان شدیدی در بین مردم ایجاد کرد. علاوه بر هزاران کمونیست که از رویزیونیسم ح. ک. ه. ( مارکسیست ) بریدند، به حزب نوین پیوستند، هزاران نفر از کارگران و دهقانان و دانشجویان نیز به جنبش انقلابی جلب شدند. ولی بعد از اولین کنگره حزب در سال ۱۹۷۰، اختلافات جدی تشکیلاتی و ایدئولوژیکی در حزب بروز کرد. مبارزات مسلحانه تحت رهبری حزب گسترش می یافت

مدائره در سطح رهبری، نه از سوم تا پنجم شیر ماه گذشته به طول انجامید، یک بیانیه جهت همکاری صادر نمودند. نزدیکی این دو سازمان جنبش بزرگی در جهت وحدت کمونیستهای واقعی در هندوستان بود. این دو شاخه بزرگ، از انشعاب سال ۱۹۷۱ در حزب بوجود آمدند و تاکنون حزب کمونیست هند ( م - ل ) تنها حزب ایجاد شده بر مبنای مارکسیسم - لنینیسم اندیشه ماؤتسه دون بوده است.

تاریخچه :  
ح.ک.ه - ( م - ل ) در سال ۱۹۶۹ به دنبال دو سال مبارزات مسلحانه دهقانان " ناکسال باری " به رهبری کمونیستهای انقلابی بوجود آمد. مبارزات " ناکسال باری " علیرغم اینکه یک مبارزه محلی بود ولی به عنوان یک جنبش مهم مبارزات مردم هند بود.

## ★ بیاد مهدی رضائی گل سرخ انقلاب ★



پانزدهم شهریور، سالروز شهادت مهدی رضائی عزیز، گل سرخ انقلاب ایران بود.

برای یاد بود مهدی هیچ چیز را بهتر ندیدیم جز آنکه اعلامیه سازمان مجاهدین خلق را که پس از شهادت او در بیستم شهریور ۱۳۵۱ منتشر شده بود درج کنیم.

سازمان انقلابی قبلا " متن کامل این اعلامیه را در نشریه " ستاره سرخ " دوره دوم شماره ۲۱ شهریور ۱۳۵۱ بجای رسانده بود.

چه خوب و درست گفت مهدی، که " تا ظلم هست مبارزه هست و تا مبارزه هست شکست و پیروزی هست ولی سرانجام پیروزی متعلق به خلق است. "

هست شکست و پیروزی هست ولی سرانجام پیروزی متعلق به خلق است. اینرا من نمیگویم تاریخ میگوید اینرا نبرد قهرمانانه خلق ویتنام میگوید. اینرا خلقها میگویند و خلقها حقیقت را میگویند. ( از آخرین کلمات مهدی رضائی در بیدادگاه ضد خلقی شاه جنایت پیشه ) . مهدی رضائی نه اولین قربانی خلق ماست و نه آخرین آن، اما مهدی از جمله عزیزترین و دلاورترین قربانیان و شهدای سرفراز خلق ماست. شهادت معصومانه مهدی بقیه در صفحه ۷